امام علی (علیه السلام)
در منابع اهل سنت

گروهی از نویسندگان

بسم الله الرحمن الرحیم

امام علی علیه السلام در منابع اهل سنت

نویسنده:

اداره کل پژوهش های اسلامی رسانه

ناشر چاپی:

مرکز پژوهشهای اسلامی صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

امام علی علیه السلام در منابع اهل سنت

مشخصات کتاب

امام علی علیه السلام در منابع اهل سنّت

کد: ۴۱۱

نویسنده: گروهی از نویسندگان

ویراستار: فاطمه شیخ زاده

تهیه کننده: مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما

ناشر: دفتر عقل

چاپ: زلال قلم

نوبت چاپ: اول / ۱۳۸۸

شمارگان: ۲۰۰۰

بها: ۲۲۰۰۰ ریال

موضوع : علی بن ابی طالب (ع)، امام اول، ۲۳ قبل از هجرت - ۴۰ق. -- کتابشناسی

موضوع : علی بن ابی طالب (ع)، امام اول، ۲۳ قبل از هجرت - ۴۰ق -- احادیث اهل سنت -- کتابشناسی

نشانی: قم، بلوار امین، مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما

پست الکترونیکی: Email: IRC@IRIB.ir

تلفن: ۰۲۵۱-۲۹۱۹۶۷۰ دورنگار: ۲۹۱۵۵۱۰

شابک: ۳-۴-۹۶۸۷۳-۹۶۴ ISBN: ۹۶۴-۹۶۸۷۳-۴-۳ \ ۹۶۴

رده بندی دیویی : ۰۱۶/۲۹۷۹۵۱

رده بندی کنگره : Z۸۵۴۵/ک۱۷الف۸ ۱۳۹۰

اشاره

فهرست مطالب

ص:۴۰

ص:۵

دیباچه

دیباچه

سائلی را گفت آن پیر کهن

چند از مردان حق گویی سخن

گفت خوش باشد زبان را بر دوام

تا بگوید ذکر ایشان را مدام

جز علی علیه السلام، مرد حق کیست؟ قرآن ناطق، عدل مجسّم، حقیقت مسلّم، راز عالم، سرّ آدم، امام برحق، وصی مطلق،... چه می گوییم!؟

ثناخوانی اش چون تواند بشر

که خلّاق عالم ثناخوان اوست

او به فرموده قرآن، «نبأ عظیم» و «صراط مستقیم» است، از «سابقون» است، ولی الله اعظم، ختم نبوت خاتم، مکمّل رسالت مرسل، علیم قرآن، تنزیل ناطق، برترین صادق، بهترین نعمت، نقطه بسم الله، نفس نبی، خیرالبشر و... است.

در منزلت منازل او تنزیل

جبریل و کتاب و محکمات و احکام

خوش تر آنکه چهره قرآن ناطق را در قرآن و نگاه راست گویان جست وجو کنیم. این مجموعه، به کوشش پژوهشگران ارجمند جناب حجت الاسلام و المسلمین محمدعلی محمدی و آقایان محمدرضا رضوانی پور و محمدیان بدین منظور فراهم آمده است. امید که مشتاقان به بهترین شکل از آن بهره جویند.

اداره کل پژوهش

مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما

فصل اول: علی علیه السلام در قرآن

اشاره

فصل اول: علی علیه السلام در قرآن

زیر فصل ها

مزد رسالت

محبوب قلب ها

پیشتازان

بهای سخن

درود خدا

دریای نور

نور دانش

بر تخت بهشت

پشتیبان رسول

شاهد

شوق وصال

تمام ایمان و تمام کفر

سر منزل

آیینه خدانما

درود خدا

دشمنی برای خدا

راه راست

دریا دلان

شرط هدایت

سوز دعا

اعراف

در شجاعت شیر ربّانیستی

خاندان پاک

دشمنان علی علیه السلام مورد لعن خدا

کعبه ایمان

پیروان رسول

رسوایی منافقان

یگانه مؤمن

باب سلم

شاخه طوبی

نخستین پیروان

بت شکن

نور بر نور

بهشت زمین

رهنما

کلام حق

جانشین شایسته

دست انتقام الهی

مردود شدگان مخالف جانشینی علی علیه السلام

بیعت رضوان

امام راکعان

صدرنشین

نگین علوی

نگین علوی

برو ای گدای مسکین در خانه علی زن

که نگین پادشاهی دهد از کرم گدا را

نماز ظهر به پایان رسیده بود، ولی رسول خدا صلی الله علیه و آله و شماری از یارانش هنوز در مسجد بودند که فقیری وارد شد و از حاضران کمک خواست. سکوتی سنگین بر مسجد سایه افکند و یاران رسول خدا صلی الله علیه و آله سر به زیر انداختند. امیرمؤمنان، علی علیه السلام که در آن هنگام مشغول خواندن رکوع نمازش بود، با انگشت میانه اش به انگشتری که در دست داشت، اشاره کرد. فقیر که مقصود او را دریافته بود، نزدیک رفت و انگشتر را از انگشت مبارک ایشان درآورد و لبخندی بر لبانش نقش بست. در این هنگام که آثار رضایت و شادمانی در چهره ملکوتی پیامبر رحمت نمایان شده بود، دست بر دعا برداشت:

الهی! برادرم موسی از تو درخواست کرد که خدایا! مرا شرح صدر عطا فرما و کارم را آسان کن و گره از زبانم برگیر تا سخنم را دریابند و از خاندانم برای من وزیری قرار ده؛ هارون، برادرم را. به وسیله او

یـاری ام کن و او را در کارها با من همراه ساز.(۱) الهی! برای او در قرآن چنین نازل کردی: «و ای موسـی! به زودی بازوان تو را به برادرت قوی می کنیم و به شـما قدرت می دهیم تا به شما دست نیابند.»(۲) خدایا! من، محمد صلی الله علیه و آله، پیامبر و برگزیده تو هسـتم. پروردگارا! مرا شـرح صدر عطا فرما و کارم را آسان کن و از خاندانم برای من وزیری قرار ده؛ علی علیه السلام را، تا به او پُشت گرم شوم... .

ابوذر غفاری، یار برگزیده پیامبر، پس از بیان این روایت ادامه می دهد:(۳) «به خدا قسم! هنوز سخن رسول خدا صلی الله علیه و آله تمام نشده بود که فرشته وحی نازل شد:

إِنَّما وَلِیُّکُمُ اللّهُ وَ رَسُولُهُ وَ الَّذینَ آمَنُوا الَّذینَ یُقیمُونَ الصَّلاهَ وَ یُؤْتُونَ الزَّکاهَ وَ هُمْ راکِعُونَ.(۴)

به درستی که تنها سرپرست شما، خداوند و رسولش هستند و آنان که نماز به پا می دارند و در حال رکوع، زکات می دهند.

قرآن شـناسان شیعه و مفسـران بزرگ اهـل سنّت، نزول این آیه را دربـاره شـاه مردان، شـیر یزدان، حیـدر خیبرگشا، علی علیه السلام می دانند.(۵)

۱- نک: طه: ۲۶ _ ۳۲.

۲- نک: قصص: ۳۵.

۳- حسن بن ابی الحسن دیلمی، ارشادالقلوب، انتشارات شریف رضی، ۱۴۱۲ ه_ . ق، ج۲، ص ۲۲۰.

۴- نک: مائده: ۵۵.

۵- نـک: عبـدالرحمن بـن ابی بکر سـیوطی، الـدر المنثور، بیروت، دارالفکر، ۱۳۷۲، ج ۲، صـص ۲۹۳ و ۲۹۴؛ محمدحسین طباطبـایی، المیزان فی تفسیر القرآن، تهران، مرکز نشـر فرهنگی رجا، ۱۳۶۷، ج ۶، ص ۱۶؛ واحدی نیشابوری، اسـباب النزول، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۰۰ ه_ . ق، صص ۱۳۳ و ۱۳۴؛ محمد بن علی قاضی شوکانی، فتح الغدیر الجامع بین فنّی الدرایه و الروایه من علم التفسیر، مصـر، شـرکت چاپ خانه مصـطفی بابی حلبی و پسران، ۱۳۸۳ ه_ . ق، چ ۲، ج ۲، ص ۵۳؛ شهاب الـدین محمود بن عبداللّه آلوسـی بغدادی، تفسـیر روح المعانی، بیروت، التراث العربی، ۱۳۶۴، ج ۶، ص ۱۶۷؛ فضل بن حسن طبرسـی، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، بیروت، رشدیه، ج ۳، ص ۳۲۴؛ برای اطلاع بیشتر نک: نوراللّه شوشتری، احقاق الحق، ج ۲، صص ۳۹۹ و ۴۱۰؛ علامه عبدالحسین امینی، الغدیر، تهران، کتاب خانه بزرگ اسلامی، ۱۳۶۸، ج ۲، صص ۵۲ و ۵۳.

باز باش ای باب رحمت تا ابدبارگاه «ما له کفوا احد»

باز باش ای باب بر جویای بابتا رسند از تو قشور اندر لباب(۱)

علی را سزد افسر «انّما»که تشریف حق جمله ارزان اوست

به وصفش چه جای سخن گفتن استدر آنجا که تنزیل در شأن اوست(۲)

با توجه به روایاتی که دراین باره نقل شده، می توان دریافت که با وجود برخی تفاوت ها، روح واحدی بر این روایات حاکم است. برای مثال، در روایتی آمده است:

قومی از یهود ایمان آوردند و وقتی درباره جانشین پیامبر پرسیدند، این آیه نازل شد. پس آنگاه که وارد مسجد شدند، دریافتند که مقصود از آیه، علی علیه السلام است که در رکوع انگشتر خود را به سائل بخشیده است.(۳)

رسالت ابلاغ ولایت؛ شرط اتمام رسالت

رسالت ابلاغ ولایت؛ شرط اتمام رسالت

کاروان از مکه بازمی گشت و سلطان شرق، اشعه های طلایی خویش را نثار قدوم کاروانیان می کرد. صدای زنگ شتران که به آرامی پیش می راندند، حیات را در دشت جاری می ساخت. کاروان بزرگ حاجیان

۱- جلال الدین محمد بن محمد مولوی، مثنوی معنوی، تهران، کتاب نسکا، ۱۳۸۴، دفتر اول.

۲- محمدباقر برقعی، سخنوران نامی معاصر، تهران، امیرکبیر، ۱۳۳۶، ج ۱، ص ۸۶.

۳- شیخ حرّ عاملی، وسائل الشیعه، مؤسسه آل البیت، قم، ۱۴۰۹ ه_ . ق، ج ۹، ص ۴۷۸.

که اینک اعمال حج خود را به پایان برده بود، دل کویر تشنه را می شکافت و پیش می رفت که ناگاه آیه «بلاغ» نازل شد:(۱)

یا أَیُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ ما أُنْزِلَ إِلَیْکَ مِنْ رَبِّکَ وَ إِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَما بَلَّغْتَ رِسالَتَهُ وَ اللّهُ یَعْصِمُکَ مِنَ النّاسِ إِنَّ اللّهَ لایَهْدِی الْقَوْمَ الْکافِرینَ. (مائده:۶۷)

ای رسول خدا! آنچه را از سوی پروردگارت بر تو نازل شده است، ابلاغ کن که اگر چنین نکنی، رسالت خود را به انجام نرسانده ای و خداوند تو را از شر مردم حفظ می کند. آری، گروه کافران را هدایت نمی کند.

به راستی، مگر از سوی خداوند چه چیزی بر پیامبر نازل شده بود که اگر آن را به گوش مردمان نمی رساند، پیامبری خود را ناتمام گذاشته بود؟ رهبر کاروان دستور توقف داد. آنان که پیشاپیش کاروان بودند، ایستادند و آنها که در پی کاروان می آمدند، به آن پیوستند. تابش سوزان آفتاب چنان بود که مردم، بخشی از ردای خود را بر سر و بخشی دیگر را زیر پای خود پهن کرده بودند.

پس از به جای آوردن نماز ظهر، پیامبر بر بلندایی فراهم آمده از جهاز شتر ایستاد و چنین سخن گفت:

مردم! من دو چیز گرانمایه در بین شما برجای می گذارم. با دو یادگار من چگونه رفتار می کنید؟... یکی کتاب خدا که یک طرف آن نزد

۱- آیه در سرزمین «رابغ» _ که هم اکنون بر سر راه مکه به مدینه و در سه میلی «جحفه» است _ در محلی به نام غدیر خم نازل شد. جعفر سبحانی، فروغ ابدیت، قم، نشر دانش اسلامی، ۱۳۶۳، ج ۲، ص ۴۷۳.

خداوند و طرف دیگر آن در دست شماست و دیگری خاندان و اهل بیت من. خداوند مرا آگاه ساخته است که این دو هرگز از هم جدا نخواهند شد. ای مردم! بر قرآن و عترت من پیشی نگیرید و در عمل به دستورهای این دو کوتاهی نورزید که هلاک می شوید.

در این هنگام دست علی علیه السلام را گرفت و او را به همه مردم معرفی کرد. سپس ادامه داد: «بر مؤمنان سزاوارتر از خود آنان کیست؟» مردم گفتند: «خدا و پیامبر او داناترند.» پیامبر فرمود:

خداوند، مولای من و من، مولای مؤمنان هستم و از خودشان بر آنها سزاوارترم؛ پس هر کس من سرپرست و رهبر او هستم، علی علیه السلام سرپرست و رهبر اوست. خدایا! کسانی که علی علیه السلام را دوست دارند، دوست بدار و دشمن کسانی باش که او را دشمن دارند.(۱)

پس از سخنان رسول خدا صلی الله علیه و آله، مردم دسته دسته آمدند و با علی علیه السلام به عنوان خلیفه پیامبر پیمان بستند.

یا علی، آقا تویی، مولا تویی، سرور تویی

سرّ تویی، افسر تویی، اول تویی، آخر تویی(۲)

آن روز، هجدهم ذی القعده سال دهم هجرت بود که به «عید غدیر خم» مشهور شد.

همه مفسران شیعه و بسیاری از قرآن شناسان اهل سنّت، احادیث

۱- تاریخ نویسان مسلمان، واقعه غدیر را به گونه های مختلف نقل کرده اند. دانشمند فرزانه، علامه امینی نام آنان را در کتاب الغدیر آورده است و شاعر اهل بیت حاج شیخ محمدعلی انصاری در دیوان خود ص ۴۲۹ سخنان رسول خدا صلی الله علیه و آله را به نظم کشیده است.

۲- سیدرضا باقر منش ثابت.

مربوط به نزول این آیه در روز عید غدیر را آورده اند.(۱)

خشنودی پروردگار

خشنودی پروردگار

پس از آنکه مراسم اعلام وفاداری مردم به امیرمؤمنان و بیعت آنان با آن حضرت به پایان رسید، این آیه که به آیه «اکمال» مشهور است، نازل شد:

الْیَوْمَ أَکْمَلْتُ لَکُمْ دینَکُمْ وَ أَتْمَمْتُ عَلَیْکُمْ نِعْمَتی وَ رَضیتُ لَکُمُ ٱلْإِسْلامَ دینًا. (مائده: ۳)

امروز دین شما را کامل کردم و نعمتم را بر شما تمام ساختم و آیین اسلام را برایتان برگزیدم.

سرور امکان، شه خوبان، امیر اهل ایمان

مظهر یزدان، علی، شاهنشه دنیا و دینم

در غدیر «الیوم اکملت» آمد از حی قدیرم

در اُحُد «لاسیف الّا» از دم روح الامینم(۲)

پس از نزول آیه، پیامبر فرمود:

الله اکبر بر تکمیل دین و اتمام نعمت پروردگار و خشنودی خداوند از

۱- نک: اسباب النزول، ص ۱۳۵؛ روح المعانی، ج ۳، صص ۳۵۹ و ۳۶۰؛ شیخ سلیمان قندوزی حنفی، ینابیع الموده، کاظمین، دارالکتب العراقیه، ۱۳۸۵ ه . ق، چ ۸، ص ۱۲۰؛ فتح الغدیر الجامع بین فنی الدرایه و الروایه، چ ۲، ج ۲، ص ۶۰؛ محمد عبده، المنار، مصر، چاپ خانه منار، چ ۱، ج ۶، ص ۴۶۳؛ الدرالمنثور، ج ۲، ص ۲۹۸؛ مجمع البیان، ج ۳، ص ۳۴۴؛ الحافظ محمد بن یوسف گنجی شافعی، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، تهران، دار احیاء التراث، ۱۳۶۲، ص ۵۰.

۲- مهدی الهی قمشه ای، دیوان اشعار، تهران، برادران علمی، ۱۳۶۶، ص ۲۷۸.

رسالت من و ولایت علی علیه السلام بعد از من... .(۱)

هرچند عده ای احتمال داده اند این آیه در روز عرفه پس از فتح مکه و در حج اکبر نازل شده باشد،(۲) ولی روایات بسیاری بر نزول آن در غدیر خم دلالت دارد.(۳)

عید غدیر یکی از اعیاد بزرگ است. ابوهریره در روایتی می گوید: «هر کس این روز را روزه بگیرد، خداوند ثواب شصت ماه عبادت به او عطا می کند».(۴)

واقعه غدیر خم، بزرگ ترین سند برتری امام مؤمنان بر دیگر اصحاب بوده است. امیرمؤمنان، علی صلی الله علیه و آله نیز در جلسه شورای

۱- مجمع البیان، ج ۳، ص ۲۴۶؛ الغدیر، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ج ۱، ص ۲۳۲، به نقل از: حافظ ابونعیم اصفهانی، ما نزل من القرآن فی علی علیه السلام .

۲- نک: الدر المنثور، ج ۲، ص ۲۵۸.

۳- نک: مجمع البیان، ج ۳، ص ۲۴۶؛ الدر المنثور، ج ۲، ص ۲۵۸؛ عبدعلی بن جمعه عروسی حویزی، تفسیر نورالثقلین، قم، چاپخانه علمیه، ۱۳۷۳، ج ۱، ص ۵۸۹؛ الغدیر، چاپ ایران، ج ۱، ص ۲۳۰. الغدیر روایات فراوانی از علمای اهل سنّت نقل کرده است که به چند سند آن اشاره می کنیم: الف) حافظ ابونعیم اصفهانی در کتاب ما نزل من القرآن فی علی علیه السلام ؛ ب) شیخ الاسلام حموئی جوینی در فرائد السمطین؛ ج) ابوالفتح نطنزی در الخصائص العلویه، قم، دارالغدیر، ۱۳۸۱؛ د) حافظ ابی بکر احمد خطیب بغدادی، تاریخ بغداد، بیروت، دارالکتب العربی، جزء ۸، ص ۲۹۰؛ ه_) الدرالمنثور، ج ۲، ص ۲۵۹؛ و) المنار، ج ۶، ص ۱۵۴. اینها آورده اند که رسول خدا صلی الله علیه و آله پس از نزول این آیه، ۸۱ روز زنده بود. اگر رحلت پیامبر را طبق عقیده مشهور اهل سنّت و بعضی از روایات شیعه، دوازدهم ربیع الاول بدانیم، نزول آیه در روز عید غدیر بوده است. برای توضیح بیشتر نک: ناصر مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۷۳، ج ۴، ص ۲۶۶؛ الغدیر، ج ۱، ص ۲۳۰.

۴- اسماعیل بن کثیر دمشقی، البدایه و النهایه، بیروت، داراحیاء التراث العربی، ۱۴۱۲ ه . ق، جزء ۵، ص ۲۳۳؛ تاریخ بغداد، ج ۸، ص ۲۹۰.

خلافت ــ که پس از درگذشت خلیفه دوم برگزار شد ــ و دوران خلافت عثمان و همچنین ایام حکومت خود، این واقعه را به عنوان حجت و دلیلی بر امامت خویش و جانشینی پیامبر بیان می فرمود.(۱)

به غوغای غدیر خم ندیدید به دست شه چو شاهینم نشیمن؟

نه با آن خطبه «من کنت مولاه»علی را برد بر اعلا و اعلن؟

نه خود فریاد «بخا بخ» کشیدید؟من اینها شور خوانم یا که شیون؟

چه شد عهد خدا بر من شکستیدالا ای حاسدانِ عهدبشکن(۲)

خوابگه پیامبر

خوابگه پیامبر

آن شب، شصت نفر از بهترین جنگاوران قریش، خانه پیامبر را محاصره کرده بودند تا براساس نقشه قبلی، کار را یکسره کنند. وقتی فرشته وحی، رسول خدا صلی الله علیه و آله را از این نقشه شوم آگاه کرد،(۳) آن حضرت از علی علیه السلام خواست که در بستر او بخوابد و خود راه هجرت در پیش گرفت. وصی نبی نیز با کمال افتخار آماده جانبازی در راه دوست شد.

در راه دوست کشته شدن آرزوی ماست

دشمن اگرچه تشنه به خون گلوی ماست

۱- الغدیر، ج ۱، ص ۱۵۹ به بعد، اسناد این دلیل آوری های حضرت را آورده است.

۲- محمدحسین شهریار، دیوان شهریار، تهران، زرین نگاه، ۱۳۷۵، ج ۲، ص ۳۳۷.

۳- آیه سی ام سوره انفال در آن زمان نازل شد: «[ای پیامبر! به یاد آر] هنگامی که کافران با تو مکر می کردند تا تو را زندانی کنند، بکشند یا تبعید نمایند. آنان با خدا از در حیله وارد می شوند و خداوند نیز با آنان مکر می کند و خدا بهترین مکرکنندگان است».

آنگاه که او در بستر آرمید، زبانش به اشعاری مترنم بود که آن را تنها شب می شنید.

شب شنفته است مناجات علیجوشش چشمه عشق ازلی

عشق بازی که هم آغوش خطرخفت در خوابگه پیغمبر(۱)

ترجمه قسمتی از اشعار آن حضرت چنین است: «با جان خویش کسی را از خطر رهاندم که بهترین انسان روی زمین و بهترین زائر کعبه و حجرالاسود است. من در جای او آماده شهادت و اسارتم، اما آنان چه می توانند کنند، که خداوند نگاه دار من است».(۲)

در این هنگام، خداوند به جبرئیل و میکائیل فرمود: «من بین شما دو تن عقد اخوت بسته ام. عمر یکی از شما از دیگری طولانی تر خواهد بود. کدام یک حاضرید جان خود را فدای دیگری کنید؟» وقتی هیچ یک حاضر نشدند، خداوند فرمود: «آیا شما مانند علی بن ابی طالب نیستید؟ بین او و محمد صلی الله علیه و آله عقد برادری بستم. علی علیه السلام به جای پیامبر خوابید و جان خود را فدای او کرد. به زمین فرود آیید و او را از دشمن حفظ کنید».

در این هنگام، جبرئیل بالای سر و میکائیل پایین پای معلمِ فرشتگان قرار گرفت و جبرئیل ندا داد: «درود بر فردی چون تو ای علی علیه السلام !

۱- دیوان شهریار، ج ۱، ص ۶۵۰.

۲- الغدیر، ج ۲، ص ۴۸، به نقل از: عبدالرحمان بن علی بن جوزی، تذکره الخواص، نجف، ص ۲۱؛ حاکم نیشابوری، مستدرک، بیروت، دارالمعرفه، ج ۳، ص ۴.

خداوند بر فرشتگان به تو افتخار می کند».(۱)

به جز علی که نموده است جان فدای رسول

به شهر مکه و خوابیده جای آن سرور(۲)

پس از این فداکاری بزرگ، آیه زیر نازل شد:

وَ مِنَ النّاسِ مَنْ یَشْری نَفْسَهُ ابْتِغاءَ مَرْضاتِ اللّهِ وَ اللّهُ رَءُوفٌ بِالْعِبادِ. (بقره: ۲۰۷)

برخی از مردم برای رضایت خدا با جان خود با خدا معامله می کنند و خداوند با بندگان، مهربان است.

شبی که علی علیه السلام به جای پیامبر در بستر ایشان خوابید، به «لیله المبیت» مشهور است(۳) و دانشمندان و قرآن شناسان شیعه و سنّی، نزول این آیه را در لیله المبیت می دانند،(۴) چنان که ابن ابی الحدید نوشته است: «به جز آنان که مسلمان نیستند و سبک مغزان، کسی ماجرای لیله

۱- کفایه الطالب، ص ۲۳۹؛ الغدیر، ج ۲، ص ۴۸، به نقل از: محمد بن محمد غزالی، احیاء العلوم، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۲، ج ۳، ص ۲۳۸؛ تذکره سبط بن جوزی، ص ۲۱.

۲- محمدعلی انصاری قمی، دیوان اشعار، بخش قصاید، ص ۲۳۸.

۳- پیامبر آن شب به غار «ثور» پناه برد و سه شب در آنجا ماند. در این مدت علی علیه السلام به حضور آن حضرت می رسید. در شب سوم که آخرین دیدار علی علیه السلام و رسول خدا صلی الله علیه و آله در مکه بود، رسول الله صلی الله علیه و آله به وی دستور داد امانات مردم را که نزد پیامبر بوده، به آنان برگرداند. علی علیه السلام پس از بازگرداندن امانات، چند روز بعد راهی مدینه شد. رسول خدا صلی الله علیه و آله در راه مدینه در روستایی به نام «قبا» توقف کرد تا علی علیه السلام رسید و آنگاه به اتفاق وی وارد مدینه شدند. نک: فروغ ابدیت، ج ۱، فصل ۲۵

۴- نک: محمد بن عمر فخر رازی، تفسیر کبیر، تهران، اساطیر، ۱۳۷۱، ج ۳، جزء ۵، ص ۲۰۴، ذیل همین آیه؛ مجمع البیان، ج ۱، ص ۵۳۹؛ کفایه الطالب، ص ۲۳۹؛ الغدیر، ج ۲، ص ۴۷.

المبیت را انکار نمی کند».(۱)

پاداش ایمان

پاداش ایمان

عباس، عموی پیامبر و طلحه بن شیبه(۲) در محلی نشسته بودند و هر کدام با شمردن افتخارهای خود، خویش را برتر از دیگری می پنداشت. عباس گفت: من از تو شریف ترم؛ من عموی رسول خدا، وصی پدر او و مسئول آب دادن به حاجیان هستم. طلحه بن شیبه در پاسخ گفت: من از تو شریف ترم؛ من امین خانه خدا و کلیددار کعبه هستم. آیا خداوند آن گونه که مرا امین قرارداده، تو را هم امین کرده است؟

در این هنگام علی علیه السلام وارد شد و فرمود: «آیا من نیز افتخارهای خود را بیان کنم؟» گفتند: آری. فرمود: «شرافت من از شما بیشتر است. من مردی هستم که به رسول امین ایمان آورد و هجرت و جهاد کرد...».

آنگاه این سه یار رسول نزد پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله آمدند و ماجرا را بازگو کردند. خاتم الانبیا پاسخی کوتاه به آنان داد و آنان پراکنده شدند.

پس از چند روز، پیامبر آنان را طلبید تا آیاتی را که در این باره نازل شده بود، برایشان بخواند. یکی از آن آیات چنین است:

أَ جَعَلْتُمْ سِقایَةَ الْحاجِّ وَ عِمارَةَ الْمَسْجِدِ الْحَرامِ کَمَنْ آمَنَ بِاللّهِ وَ الْیَوْمِ اْلآخِرِ وَ جاهَدَ فی سَبیلِ اللّهِ لایَسْتَوُونَ عِنْدَ اللّهِ وَ اللّهُ لایَهْدِی الْقَوْمَ الظّالِمینَ. (توبه: ۱۹)

آیا آب دادن به حاجیان و ساختن مسجدالحرام را با کسی که به

۱- به نقل از: الغدیر، ج ۲، ص ۴۷.

۲- در بعضی متون به جای طلحه بن شیبه، شیبه بن عثمان آمده است.

خداونـد و روز جزا ایمان آورده و در راه خـدا جهاد کرده است، برابر می دانید؟ [درحالی که] نزد خداوند برابر نیسـتند و خدا ستمکاران را هدایت نمی کند.

نه تنها دانشـمندان شـیعه، بلکه علمای بزرگ اهل سنّت(۱) نیز نزول این آیه را دربـاره ساقی کوثر دانسـته انـد؛(۲) هرچند در جزئیات واقعه، نقل ها گوناگون است.

اخلاص عمل؛ تمام ثروت علی علیه السلام

اخلاص عمل؛ تمام ثروت علی علیه السلام

روزی تمـام انـدوخته امیر مؤمنـان تنهـا چهار درهم بود. یک درهم را شب و یک درهم را در روز انفاق کرد. ایشان در کتاب الهی خوانده بود:

إِنْ تُبْـدُوا الصَّدَقـاتِ فَنِعِمّـا هِیَ وَ إِنْ تُخْفُوهـا وَ تُؤْتُوهَـا الْفُقَراءَ فَهُوَ خَیْرٌ لَکُمْ وَ یُکَفِّرُ عَنْکُمْ مِنْ سَـیِّئاتِکُمْ وَ اللّهُ بِمـا تَعْمَلُونَ خَبیرٌ. (بقره: ۲۷۱)

اگر صـدقات را آشـکارا بدهیـد، کاری نیکوست و اگر پنهانی به فقیران بدهید، برای شـما نیک است و بخشـی از گناهانتان را می زداید، و خداوند به آنچه انجام می دهید آگاه است.

ازاین رو، درهم سوم را آشـکارا و درهم چهارم را پنهانی صدقه داد. پس در این هنگام که تمام داشـته خود را انفاق کرد، این آیه نازل شد:

الَّذینَ یُنْفِقُونَ أَمْوالَهُمْ بِاللَّیْلِ وَ النَّهارِ سِرًّا وَ عَلانِیَهً فَلَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَ لا خَوْفٌ عَلَیْهِمْ وَ لا هُمْ یَحْزَنُونَ. (بقره: ۲۷۴)

پاداش کسانی که دارایی خود را در شب و روز، پنهان و آشکار انفاق

۱- نک: مجمع البیان، ج ۵، ص ۱۴.

۲- نک: اسباب النزول، ص ۱۶۴؛ ینابیع الموده، ج ۸، ص ۹۳؛ محمد بن جریر طبری، تفسیر طبری، مصر، ۱۳۷۳ ه . ق، ج ۲، ج ۱۰، ص ۹۶؛ الـدر المنثور، ج ۳، ص ۲۱۸؛ کفـایه الطالب، ص ۲۳۸. برای آگـاهی از بقیه این روایـات و مـدارک آن، نـک: الغدیر، ج ۲، ص ۵۳.

می کنند، با خداوند است و ترس و اندوهی ندارند.

پس از نزول آیه، پیامبر از علی علیه السلام پرسید: «چرا چهار درهم را این گونه انفاق کردی؟» ایشان در پاسخ گفت: «به این امید که مورد استحقاق آنچه خداوند وعده داده بود، قرار گیرم».

تا اَحبُّ لِلّه آید نام منتا که اَبْغَضْ لِلّه آید کام من

تا که عطی لِلّه آید جود منتا که امسک للّه آید بود من

بخل من للّه، عطا للّه و بسجمله للّه ام، نیم من آنِ کس(۱)

پیامبر فرمود: «تو این استحقاق را پیدا کردی».(۲)

بسیاری از علما، احادیث مربوط به این آیه را نقل کرده اند.(۳)

علی علیه السلام، جان من و من، جان اویم

علی علیه السلام، جان من و من، جان اویم

بین مکه و مدینه، شهری بود به نام نجران که اهالی آن مسیحی بودند. پس از گسترش اسلام در جزیره العرب، پیامبر رحمت در نامه ای به اسقف بزرگ نجران، آنان را به پذیرش اسلام یا پرداخت مالیات (جزیه)، طبق مقررات دولت اسلامی فراخواند.

اسقف پس از دریافت نامه، با سیاست مداران و بزرگان شهر مشورت کرد و چون نتیجه ای حاصل نشد، کار را به آرای عمومی

۱- مثنوی معنوی، دفتر اول.

۲- اسباب النزول، ص ۵۸.

۳- نک: اسباب النزول، ص ۵۸؛ علی بن ابی بکر هیثمی، مجمع الزوائد، بیروت، دارالکتب العربی، ۱۴۰۲ ه_ . ق، ج ۶، ص ۳۲۴؛ محمود بن عمر زمخشری، الکشاف، قم، نشر البلاغه، ۱۴۱۵ ه_ . ق، ج ۱، ص ۳۱۹ ذیل همین آیه؛ تفسیر کبیر، ج ۴، جزء ۶، ص ۸۳؛ الدر المنثور، ج ۱، ذیل آیه ۲۷۴ سوره بقره؛ مجمع البیان، ج ۱، ص ۳۸۸.

واگذاشت. بیشتر مردم بر این عقیده بودند که با اعزام گروهی به مدینه، درباره حضرت محمد صلی الله علیه و آله تحقیق کنند. هیئتی شصت نفره درحالی که لباس های ابریشمین گران قیمت بر تن و انگشتر طلا در دست داشتند، انتخاب و به سوی مدینه رهسپار شدند. آنان با لباس های گران قیمت آمده بودند تا خود را در نظر مسلمانان بزرگ جلوه دهند، ولی وقتی وارد مسجد رسول خدا صلی الله علیه و آله شدند، کسی به آنها اعتنا نکرد تا اینکه به راهنمایی علی علیه السلام لباس معمولی پوشیدند. آنگاه پیامبر آنان را پذیرفت و مذاکره آغاز شد.

مسیحیان در مدت مذاکره، مراسم دینی خود را در مسجد پیامبر آزادانه انجام می دادند.

آنچه باعث شد مذاکره بی نتیجه بماند، این بود که مسیحیان حاضر نشدند بپذیرند که حضرت عیسی علیه السلام فرزند خدا نیست و مانند حضرت آدم علیه السلام بدون پدر خلق شده است. در این هنگام این آیه نازل شد:

فَمَنْ حَاجَّکَ فیهِ مِنْ بَعْدِ ما جاءَکَ مِنَ الْعِلْمِ فَقُلْ تَعالَوْا نَدْعُ أَبْناءَنا وَ أَبْناءَکُمْ وَ نِساءَنا وَ نِساءَکُمْ وَ أَنْفُسَنا وَ أَنْفُسَکُمْ ثُمَّ نَبْتَهِلْ فَنَجْعَلْ لَعْنَتَ اللّهِ عَلَى الْکاذِبینَ. (آل عمران: ۶۱)

هرگاه پس از علم و دانشی که [درباره مسیح] به تو رسیده، [باز] کسانی با تو به مجادله برخیزند، به آنان بگو: بیایید ما فرزندان خود را دعوت می کنیم، شما هم فرزندان خود را. ما زنان خود را دعوت می کنیم، شما هم زنان خود را. ما از نفوس خود دعوت می کنیم، شما هم از نفوس خود. آنگاه مباهله می کنیم و لعنت خدا را بر دروغ گویان

قرار می دهیم.

پس از این مقرر شد که روز بعد، مسیحیان و پیامبر در پیشگاه خداوند لب به نفرین گشایند تا هر کس دروغ گوست، به عذاب الهی گرفتار شود.

بامداد روز بعد، مسیحیان دیدند پیامبر درحالی که دست دو کودک خردسال را گرفته بود و یک زن و مرد او را همراهی می کردند، با شکوهی خاص به سوی جایگاه مباهله می رود. حضرت درحالی که دست به دعا برداشته بود، فرمود: «خدایا! اینان اهل بیت من هستند».(۱)

مسیحیان برخلاف انتظار خود دیدند که آن حضرت را تنها چهار نفر همراهی می کنند. رسول اللّه صلی الله علیه و آله با اشاره به حسنین فرمود: «بیایید! فرزندان ما اینها هستند» و با اشاره به فاطمه علیهاالسلام فرمود: «ایشان از زنان ماست.» آنگاه که چشم ها بر امیرمؤمنان دوخته شد، افزود: «این، جان ماست».(۲)

شرجیل که از خردمندان هیئت نجران بود، به یاران خود گفت: صورت هایی می بینم که اگر از خداوند بخواهند، کوه ها متلاشی می شود. صلاح نیست با این افراد مباهله کنیم؛ زیرا بعید نیست همه نابود شویم و ممکن است دامنه عذاب گسترش یابد و همه مسیحیان جهان را فرا

۱- امام احمد بن حنبل، مسند، بیروت، دار الصادر، ۱۳۸۹ ه . ق، ج ۱، ص ۱۸۵؛ مسلم بن حجاج، صحیح مسلم، مصر، چاپ محمدعلی صبیح، ۱۳۳۴ هـ . ق، ج ۷، ص ۱۲۰؛ کفایه الطالب، ص ۱۴۲ و چندین سند دیگر که در احقاق الحق، ج ۳، ص ۴۶ آمده است.

۲- تذکره الخواص، ص ۲۴.

گیرد. بهتر است با محمد صلی الله علیه و آله مصالحه کنیم و چون او شخص باانصافی است، هر چه حکم کرد، بپذیریم.

رسول رحمت عذرشان را پذیرفت و قرار شد با پرداخت مالیات اندکی، در سایه حکومت اسلامی زندگی کنند. پس از عقب نشینی مسیحیان، پیامبر فرمود:

سوگند به آن که جانم در دست اوست، اگر مسیحیان مباهله می کردند، این صحرا بر ایشان پر از آتش می شد.(۱)

همه دانشمندان اسلامی اتفاق نظر دارند که منظور از انفسنا، پیامبر و علی علیه السلام، ابنائنا، امام حسن و حسین علیهماالسلام و نسائنا، فاطمه زهرا علیهاالسلام است. به گفته زمخشری: «این آیه بر فضیلتی برای اهل بیت دلالت دارد که هیچ چیز با آن برابری نمی کند».(۲)

علی علیه السلام و پیام برائت

علی علیه السلام و پیام برائت

پیامبر هیچ گاه کسی را به پذیرش اسلام مجبور نکرد. پس از فتح مکه نیز مقرر شد مشرکان با ترک ماجراجویی و سرکشی، در پناه اسلام زندگی کنند، ولی مدتی بعد آنها با عهدشکنی، راه طغیان در پیش گرفتند. پیامبر نیز در واکنش به آن، قراردادهای آنان را لغو کرد. در این باره آیات آغازین سوره برائت نازل شد:(۳)

۱- تذکره الخواص، ص ۲۴.

۲- الکشاف، ج ۱، ص ۴۳۴. افزون بر مدارک فوق، کتاب احقاق الحق بیش از پنجاه مدرک دیگر در شأن نزول این آیه درباره اهل بیت آورده است که به علت اتفاقی بودن مطلب، از ذکر آنها صرف نظر شد. نک: احقاق الحق، ج ۳، صص ۴۶ _ ۷۵

۳- تفسیر نمونه، ج ۷، ص ۲۸۳. البته لغو قرارداد، دلیل های دیگری نیز داشته است.

بَراءَةٌ مِنَ اللّهِ وَ رَسُولِهِ إِلَی الَّذینَ عاهَدْتُمْ مِنَ الْمُشْرِکینَ، فَسیحُوا فِی الْأَرْضِ أَرْبَعَهَ أَشْهُرٌ وَ اعْلَمُوا أَنَّکُمْ غَیْرُ مُعْجِزِی اللّهِ وَ أَنَّ اللّهَ مُخْزِی الْکافِرِینَ. (توبه: ۱ و ۲)

خداوند و رسولش از مشرکانی که با آنان پیمان بسته اید، بیزارند. پس [ای مشرکان!] چهار ماه در زمین [مکه آزادید و]سیر کنید و بدانید شما بر خداوند غالب نخواهید شد و همانا خداوند خوارکننده کافران است.

در این آیات به مشرکان پیمان شکن هشدار داده شده است که تا چهار ماه آزادانه در مکه زندگی کنند، ولی پس از آن یا باید اسلام را بپذیرند و از مزایای آن بهره مند شوند یا برای چشیدن عذاب الهی آماده گردند.

پس از نزول آیات، پیامبر به ابوبکر مأموریت داد به مکه برود و چهل آیه اول این سوره را در روز عید قربان با صدای بلند در اجتماع مشرکان قرائت کند. ابوبکر به همراه عده ای به طرف مکه حرکت کرد، ولی پیش از رسیدن به مکه، جبرئیل بر پیامبر نازل شد و ابلاغ کرد که این مأموریت را یا باید خود انجام دهی یا مردی از خاندانت. پیامبر، امیر مؤمنان را طلبید و به او دستور داد آیات را از ابوبکر بگیرد و خود، مأموریت الهی را انجام دهد. علی علیه السلام در محلی به نام جحفه _ بین مکه و مدینه _ به ابوبکر رسید و مأموریت پیامبر را انجام داد.(۱)

۱- مسند احمد، ج ۱، صص ۱۵۰ و ۳۳۱؛ مبارک بن محمد بن اثیر، جامع الاصول، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۰ ه . ق، ج ۹، ص ۴۷۵؛ احمد بن علی نسائی، خصائص، تهران افست، کانون انتشارات شریعت، ص ۲۰.

به جز علی که نترسید و برد و کرد ابلاغ

به مشرکین که پلیدید و رجس و زشت و قَذَر

به جز علی به محمد چه کس وزیر شده است

جز از علی ز که اسلام یافت زینت و فرّ(۱)

مهتر خوبان

مهتر خوبان

پیامبر در میان یاران خود نشسته بود که امیر مؤمنان، علی علیه السلام به سوی آنان آمد. محمد مصطفی صلی الله علیه و آله رضایت خود را از علی مرتضی علیه السلام این گونه بیان داشت: «برادرم آمد.» آنگاه متوجه کعبه شد و درحالی که دست مبارک خود را بر آن نهاده بود، ادامه داد: «قسم به کسی که جانم در دست اوست، این شخص و شیعیانش در قیامت از رستگارانند.» جابر بن عبدالله در ادامه روایت می گوید: آنگاه پیامبر رو به ما کرد و فرمود: «و او نخستین کس از شماست که مؤمن شد. او به عهد الهی باوفاترین، به امر الهی باثبات ترین، عادل ترین مردم، بهترین تقسیم گر و در نزد الهی از همه شما برتر است».(۲)

پس از این ماجرا، این آیه نازل شد:

إِنَّ الَّذینَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصّالِحاتِ أُولئِکَ هُمْ خَیْرُ الْبَرِیَّهِ، جَزاؤُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ جَنّاتُ عَدْنٍ تَجْری مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهارُ خالِدینَ فیها أَبَدًا رَضِیَ اللّهُ عَنْهُمْ وَ رَضُوا عَنْهُ ذلِکَ لِمَنْ خَشِیَ رَبَّهُ. (بینه: ۷ و ۸)

کسانی که ایمان آورده و کار شایسته انجام می دهند، بهترین افرادند.

۱- دیوان انصاری، صص ۴۶ و ۴۷.

۲- کفایه الطالب، صص ۲۴۴ و ۲۴۵؛ الدر المنثور، ذیل آیه ۷ از سوره بیّنه.

پاداش آنان نزد پروردگارشان باغ های بهشتی است که نهرها زیر درختانش جاری است. در آن بهشت جاودانند. خدا از آنان خشنود است و آنان از خداوند راضی هستند. این بهشت مخصوص خداترسان است.

پس از نزول آیه، خاتم انبیا به علی علیه السلام فرمود:

آیا قول خداوند را شنیده ای که می فرماید: «کسانی که ایمان آورده و کار شایسته کردند، بهترین مردمانند؟» [آنان،] تو و شیعیان تو هستند.(۱) وعده گاه من و شما حوض کوثر است. وقتی انسان ها برای حساب حاضر شوند، شما را درحالی که روسپید و نورانی هستید، می خوانند.(۲)

اینکه مقصود قرآن از «خیرالبریه»، علی علیه السلام است، آن قدر مشهور بود که وقتی آن حضرت به سوی یاران رسول خدا صلی الله علیه و آله می آمد، آنان می گفتند: «خیرالبریه» آمده است.(۳)

انسان مداری علی علیه السلام

انسان مداری علی علیه السلام

دو کودک بیمار از درد به خود می پیچیدند و افراد خانه به پرستاری از آنان مشغول بودند که درِ خانه به صدا در آمد و لحظه ای بعد پیامبر و اصحاب برای عیادت از آن دو ــ حسن و حسین علیهماالسلام ــ وارد خانه شدند.

رسول خدا صلی الله علیه و آله از حضرت علی علیه السلام خواست که برای بهبودی

۱- تفسیر طبری، ج ۳۰، ص ۳۶۵.

۲- کفایه الطالب، ص ۲۴۶؛ مجمع البیان، ج ۱۰، ص ۵۲۴؛ الدرالمنثور، ج ۶، ص ۳۷۹.

۳- خوارزمی، مناقب، تهران، نینوا، ۱۹۶۵ م، ص ۶۲؛ الدر المنثور، ج ۶، ص ۳۷۹؛ کفایه الطالب، ص ۲۴۵.

آنـان نـذر کنـد. علی علیـه السـلام نـذر کرد کـه پس از بهبـودی ایشـان، سـه روز روزه بگیرد. فـاطمه زهرا علیهاالسـلام و مستخدمشان، فضّه نیز از امیر مؤمنان پیروی کردند.(۱)

امام علی علیه السلام سه من جو قرض کرد تا با آن سفره افطار خود را آماده کند. زهرای مرضیه علیهاالسلام برای افطار روز اول، سه نـان جـوین تهیـه کرد. پس از اقـامه نمـاز مغرب، در منزل به صـدا در آمـد و فقیری غـذا خـواست. نـان هـا را به فقیر بخشیدند. تنها چیزی که در سفره باقی ماند، یک ظرف آب بود. روز دوم هنگام افطار، یتیمی از آنان غذا طلبید. دوباره نان ها را انفاق کردند و آب، تنها غذای افطارشان بود. روز سوم از آرد باقی مانده چند نان پخته شد، ولی این بار اسیری از گرسنگی بر در خانه آنان می نالیـد. آخرین نان ها را نیز به او دادنـد و آب، تنها خوراکی سـفره خاندان رسول خدا صـلی الله علیه و آله شد.

روز چهارم، حضـرت علی علیه السـلام خـدمت رسول خـدا صـلی الله علیه و آله رسـید، درحالی که آثار ضـعف در چهره اش نمایان بود. در این هنگام پیک وحی با سوره دهر (انسان) در شأن امیر مؤمنان علی علیه السلام و اهل بیت نازل شد:

نیکان از جامی می نوشـند که با عطری خوش آمیخته است. چشـمه ای که بنـدگان خاص خدا از آن می نوشـند. چشـمه ها به دستور آنان است و از هرجا که بخواهند آن را جاری می سازند. آنان به نذر خود وفا

۱- براساس برخی از روایات، امام حسن و امام حسین علیهماالسلام نیز چون والدین گرامی خود نذر کردند.

می کننـد و از روزی که عذابش گسترده است، می ترسـند و غذای خود را با آنکه به آن علاقه [و نیاز]دارند، به فقیر و یتیم و اسیر می بخشند و می گویند ما شما را برای خدا اطعام می کنیم و هیچ پاداش و تشکری از شما نمی خواهیم.(۱)

طلوع ولایت

طلوع ولایت

سه سـال پس از بعثت، پیـامبر به دسـتور پروردگـار، نخسـتین گـام را برای آشـکار کردن دعوت برداشت.(۲) وی چهـل تن از اقوامش را به منزل ابوطالب فراخوانـد. پس از آماده شـدن غذا، رسول خدا صـلی الله علیه و آله فرمود: «بسم الله، بفرمایید!» بعد از غذا، پیامبر شـیر طلبید و پس از نوشـیدن مقداری از آن، رو به حاضـران فرمود: «بسم الله، بنوشـید!» تمام حاضـران نوشـیدند، ولی تمام شیر همچنان باقی بود.(۳) وقتی ابولهب شگفتی حاضران را دید، گفت: این مرد این گونه شما را سحر کرد. آنگاه با جنجال او، رسول خدا صلی الله علیه و آله مجال سخن گفتن نیافت.

شب بعد مجلس برگزار شد و پیامبر فرمود: «فرزندان عبدالمطلب! من شـما را از خداوند، بیم و به آنچه دوست دارید، نوید می دهم. من خیر دنیا و آخرت را برای شما به ارمغان آورده ام. مسلمان شوید و

۱- نک: دهر: ۵ _ ۱۹، برگرفته از: تفسـیر نمونه، ج ۲۵، ص ۳۴۲. این داسـتان به گونه های دیگری نیز نقل شـده که محتوای همه یکی است. نک: الکشاف، ج ۴، ص ۶۷۰؛ تفسیر کبیر، ج ۱۵، جزء ۳۰، ص ۲۴۴؛ مجمع البیان، ج ۱۰، صص ۴۰۴ و ۴۰۵.
۲- «و انذر عشیرتک الاقربین». شعرا: ۲۱۴
۳- در وصف این چهـل تن آورده انـد که هر یـک از آنـان می توانست در هر وعـده غـذا یـک گوسـفند کامـل و یک ظرف بزرگ نوشیدنی مصرف کند.

اطاعت کنید تا هدایت یابید. کدام یک از شما با من برادری و همکاری می کند تا وزیر و جانشین بعد از من شود؟»

کسی پاسخ نداد جز علی. برای بار سوم که سخن رسول خدا صلی الله علیه و آله تکرار شد و تنها، کلام علی علیه السلام سکوت را شکست، محمد مصطفی صلی الله علیه و آله دست بر سینه علی مرتضی علیه السلام نهاد و فرمود: «این، برادر، وصی و جانشین من است. سخن او را بشنوید و از او اطاعت کنید!» وقتی سخن رسول خدا صلی الله علیه و آله به اینجا رسید، حاضران با خنده و تمسخر از جای خود برخاستند و به ابوطالب گفتند: «به ما و تو دستور داد که از فرزندت اطاعت کنیم!»(۱)

روزی شخصی از حضرت علی علیه السلام پرسید: ای امیر مؤمنان! چرا تو از پسرعمویت (پیامبر) ارث می بری، ولی عمویت از او ارث نمی برد؟ حضرت، داستان فوق و سخن پیامبر را به عنوان دلیل مطلب بیان کرد.(۲)

با راست گویان

با راست گویان

در قرآن آمده است: «یا أَیُّهَا الَّذینَ آمَنُوا اتَّقُوا اللّهَ وَ کُونُوا مَعَ الصّادِقینَ؛ ای اهل ایمان! تقوا پیشه کنید و با راست گویان همراه شوید». (توبه: ۱۱۹)

قرآن شناسان بزرگ صدر اسلام، مقصود از راست گویان را پیامبر و علی علیه السلام دانسته اند، چنان که شیعه و سنّی در حدیثی از ابن عباس نقل کرده اند: «همراهی با صادقان یعنی همراهی با علی بن ابی طالب و

۱- مجمع البیان، ج ۷، ص ۲۰۶؛ مسند احمد، ج ۱، ص ۱۱۱؛ کفایه الطالب، ص ۲۰۶؛ المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱۵، ص ۳۳۵.

۲- کفایه الطالب، ص ۲۰۶؛ مجمع الزوائد، ج ۸، ص ۳۰۲؛ الغدیر، ج ۲، ص ۲۷۹.

یارانش؛(۱) علی، سید صادقان است».(۲)

از امام زین العابدین علیه السلام پرسیدند: «مقصود از راست گویان در این آیه چه کسانی هستند؟» امام فرمود: آیا کسی جز هم ردیفان قرآن، فرزندان رسول خدا صلی الله علیه و آله و چراغ های روشن سراغ دارید؟ جز آنان که خداوند ایشان را حجت بر مردم قرار داد؟ آیا حجت های خداوند غیر از کسانی هستند که خداوند از آفات، پاک ساخته و در قرآن دوستی شان را واجب شمرده است؟(۳)

دلالت مضمون آیه بر پیامبر و علی علیه السلام به گونه ای مشهور است که کمتر کتاب تفسیری می توان یافت که به آن اشاره نکرده باشد.(۴)

نه تنها در این آیه، بلکه هر جا سخن از راست گویان است، به فرموده پیامبر، علی علیه السلام افضل آنان است. برای نمونه به این دو آیه بنگرید.

برترین صدیق

برترین صدیق

وَ مَنْ یُطِعِ اللّهَ وَ الرَّسُولَ فَأُولئِکَ مَعَ الَّذینَ أَنْعَمَ اللّهُ عَلَیْهِمْ مِنَ النَّبِیِّینَ وَ الصِّدّیقینَ وَ الشُّهَداءِ وَ الصّالِحینَ وَ حَسُنَ أُولئِکَ رَفیقًا. (نساء: ۶۹)

۱- میرمحمد صالح کشفی، المناقب المرتضوی، بمبئی، چاپ بمبئی، ص ۲۴؛ ینابیع الموده، قم، نشر اسلامبول و بصیرتی، ص ۱۱۹.

۲- تذکره الخواص، ص ۲۰.

۳- ابن حجر هیثمی، الصواعق المحرقه، مصر، چاپ محمدیه، ۱۳۰۸ ه_ . ق، ذیل آیه «وَ اعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللّهِ جَمیعًا...»، باب ۱۱، ص ۱۴۹؛ عبدالحسین شرف الدین موسوی، المراجعات، صیدا، چاپخانه عرفان، ۱۹۵۳ م، صص ۶، ۱۲، ۱۸ و ۳۵.

۴- نک: احقاق الحق، ج ۳، ص ۲۹۶.

هر کس از خداونـد و رسولش اطاعت کنـد، با کسانی که خداوند به آنان نعمت داده است، همراه خواهد بود و آنان پیامبران، صدیقان، شهدا و صالحانند و چه نیکوست دوستی آنان.

خاتم پیامبران در تفسیر «صدیقان» می فرماید:

صدیقان سه کسند:

۱. مؤمن آل فرعون؛(۱)

۲. حبیب نجار، صاحب «یس»؛(۲)

۳. علی بن ابی طالب که برترین آنان است. این سه تن پیامبران زمان خویش را تصدیق کردند و به اندازه یک چشم برهم زدن نیز کفر نورزیدند. این روایت را بسـیاری از قرآن شناسان شیعه و سنّی نقل کرده اند.(۳) ابوبکر شیرازی ذیل این آیه از عبدالله بن عباس، مفسر بزرگ قرآن، چنین نقل کرده است:

مقصود از «نبیّین»، رسول خدا، محمد مصطفی است و «صدیقین» یعنی علی مرتضی؛ «شهدا» یعنی علی و جعفر و حمزه و حسن و حسین، دو

۱- مؤمن آل فرعون، یکی از درباریـان فرعون است که به حضـرت موسـی علیه السـلام ایمـان آورده بود، ولی ایمـان خود را مخفی می کرد و در مواقع لزوم به یاری موسـی علیه السـلام می شتافت. نام او «شمعون» یا «سمعان» یا «حزبیل» یا «خربیل» بود. (نک: تفسیر سوره های قصص: ۲۰ و مؤمن: ۲۸ ـ ۴۵)

۲- حبیب نجار نخستین کسـی است که به فرستادگان عیسی علیه السلام ایمان آورد. او از فرستادگان آن حضرت پرسید: برای چه آمـده ایـد؟ گفتنـد: برای هدایت گمراهان به خداپرستی. او از آنان دلیل خواست و پس از آنکه دلیل خود را اقامه کردند، به آنان ایمان آورد.

۳- تفسیر کبیر، ج ۲۷، ص ۵۷؛ احقاق الحق، ج ۳، ص ۲۴۴؛ ابن ابی الحدید معتزلی، شـرح نهج البلاغه، بیروت، دارالاندلس، ۱۳۷۵، ج ۹، باب ۱۵۴، ص ۱۷۲؛ محمد بن علی بن بابویه، شیخ صدوق، خصال، تهران، کتاب فروشی اسلامیه، چ ۷، ج ۱، ص ۱۷۹.

ریحانه رسول خدا و «صالحین» یعنی سلمان و اباذر. چه نیکوست دوستی آنان... .(۱)

پیشتاز

پیشتاز

خداوند در سوره «زمر» پس از توبیخ کسانی که پروردگار و رسول او را تکذیب کرده اند، به آنان وعده دوزخ می دهد و می فرماید:

... وَ الَّذی جاءَ بِالصِّدْقِ وَ صَدَّقَ بِهِ أُولئِکَ هُمُ الْمُتَّقُونَ، لَهُمْ ما یَشاؤُنَ عِنْدَ رَبِّهِمْ ذلِکَ جَزاءُ الْمُحْسِنینَ. (زمر: ۳۲ _ ۳۴)

... کسی که سخن راست آورد و آن که تصدیق او کرد، پرهیزگارانند که هر چه بخواهند نزد پروردگارشان می جویند و این پاداش نیکوکاران است.

مفسران اهل سنّت، از رسول خدا صلی الله علیه و آله و مفسران بزرگ صدر اسلام نقل کرده اند که مقصود از «کسی که سخن درست آورد»، آخرین رسول خدا و مقصود از «آن که تصدیق او کرد»، نخستین امام است.(۲)

از همه خاصان حق آن کس که بنماید به «صدق»

امتثال «سَبِّحِ اسمَ رَبّک الاعلی»، علی است

قافله عشاق را «السابقون السابقون»

سالکان شوق را کشتی این دریا علی است(۳)

۱- احقاق الحق، ج ۳، ص ۵۴۲.

۲- کفایه الطالب، ص ۲۳۳؛ تفسیر روح المعانی، ج ۳۰، ص ۳. برای اطلاع بیشتر از منابع اهل سنّت، نک: احقاق الحق، ج ۳، ص ۱۷۸؛ مجمع البیان، ج ۸، ص ۴۹۸.

۳- دیوان اشعار الهی قمشه ای، ص ۲۸۶.

هر چند فخر رازی کوشیده است شخص دیگری را به جای علی علیه السلام در ذیل این آیه معرفی کند، ولی در کتاب های دانشمندان اهل سنّت، اثری از این قول دیده نمی شود و فخر رازی دراین مورد، قرآن را با رأی خودش تفسیر کرده است.(۱)

قافله سالار

قافله سالار

از جمله آیاتی که درباره حضرت علی علیه السلام نازل شده، آیه «اولی الامر» است:

یا أَیُّهَا الَّذینَ آمَنُوا أَطیعُوا اللّهَ وَ أَطیعُوا الرَّسُولَ وَ أُولِی ٱلأَمْرِ مِنْکُمْ. (نساء: ۵۹)

ای کسانی که ایمان آورده اید، از خداوند و رسول او و صاحبان امر اطاعت کنید.

منافقان در غزوه تبوک با خودداری از شرکت در جنگ، تصمیم داشتند در غیاب پیامبر و یارانش بر خانواده رسول خدا صلی الله علیه و آله و مجاهدان هجوم آورند. آنگاه که پیامبر از این نقشه آگاه شد، به امیرمؤمنان، علی علیه السلام دستور داد در شهر بماند. منافقان که نقشه خود را نقش بر آب دیدند، دست به توطئه دیگری زدند و شایع کردند که پیامبر، از علی علیه السلام ناخشنود است و به همین دلیل به او اجازه نداده با سپاه اسلام همراه شود. علی علیه السلام برای رفع این توطئه خود را به رسول خدا صلی الله علیه و آله رساند.

۱- تفسیر کبیر، ج ۲۶، ص ۲۸۰.

امام علی علیه السلام می فرماید:

وقتی خدمت رسول خدا صلی الله علیه و آله رسیدم، فرمود: آیا دوست نداری برای من، همانند هارون برای موسی علیه السلام باشی، وقتی به برادرش گفت: «در میان بنی اسرائیل جانشین من باش و اصلاح کن...». (اعراف: ۱۴۲)

این حدیث را بسیاری از علمای اهل سنّت، مانند علامه شیخ سلیمان قندوزی حنفی(۱) و ابوبکر بن مؤمن شیرازی(۲) و نیز مفسران بزرگی چون ابی حیان آندلسی،(۳) علامه نظام الدین حسن نیشابوری،(۴) میرمحمد صالح کشفی ترمذی،(۵) علامه فخرالدین رازی و(۶) علامه شیخ حسن طبرسی رحمه الله (۷) نقل کرده اند.

شیخ سلیمان قندوزی حنفی نقل می کند: «روزی مردی خدمت امیرمؤمنان، علی علیه السلام آمد و پرسید: کمترین چیزی که انسان در پرتو آن در شمار مؤمنان یا کفار یا گمراهان قرار می گیرد، چیست؟ حضرت فرمود: «... اینکه پروردگار، خود و رسولش را به او بشناساند و او از آنان اطاعت کند... و کمترین چیزی که بنده به سبب آن گمراه می شود، این است که حجت خدا و گواه او را که خداوند اطاعت و ولایت او را

۱- ینابیع الموده، ص ۱۱۴.

۲- احقاق الحق، ج ۳، ص ۴۲۵، به نقل از: مناقب کاشی.

۳- محمد بن یوسف ابوحیان، بحرالمحیط، مصر، چاپخانه سعادت، ج ۳، ص ۲۷۸.

۴- تفسیر نیشابوری، در حاشیه تفسیر طبرسی، مصر، چاپ میمنه، ج ۵، ص ۷۹.

۵- مناقب مرتضوی، ص ۳۱.

۶- تفسیر کبیر، ج ۱۰، ص ۱۴۴.

۷- مجمع البیان، ج ۳، ص ۶۴ .

واجب کرده است، نشناسد».

گوهر دل را تو بر استاد صاحب دل سپار

بی ولایش کی توان جانْ ایمن از شرّ داشتن

مرد گفت: ای امیر مؤمنان! آنان را برای من معرفی کن. علی علیه السلام فرمود: کسانی که خداوند آنان را هم ردیف خود و پیامبرش دانسته و فرموده: «ای مؤمنان! از خدا و رسول و صاحبان امر اطاعت کنید.»(۱) مرد گفت: فدایت شوم! روشن تر بیان کن. علی علیه السلام فرمود: آنان که رسول خدا صلی الله علیه و آله در موارد گوناگون و در آخرین روزهای عمرش فرمود: «من دو چیز گران بها در بین شما به جا می گذارم که اگر به دامن آنها دست یازید، هیچ گاه گمراه نمی شوید؛ قرآن و اهل بیت من...».(۲)

مزد رسالت

مزد رسالت

پویای طریق «آتِ ذی القربی» باش

جویای رسیدن به «کرّمنا» باش

پروردگار سبحان به رسول خویش دستور می دهد که پاداش تمام زحمت های طاقت فرسای **۲۳** ساله اش را در یک جمله از مردم بخواهد:

ای پیامبر! به مردم بگو من برای رسالت خودم از شما پاداشی جز دوست داشتن نزدیکانم نمی خواهم و هر کس نیکی کند، ما بر آن

۱- نک: نساء: ۵۹.

۲- ینابیع الموده، ص ۱۱۶.

می افزاییم. به درستی که خداوند آمرزنده و شکرپذیر است.(۱)

پس از نزول این آیه، عده ای از رسول خدا صلی الله علیه و آله پرسیدند: ای فرستاده خدا! نزدیکانت که دوستی شان را بر ما واجب کرده ای، چه کسانی هستند؟ رسول فرمود: «علی، فاطمه و فرزندان آنان».

تمامی مفسران شیعه و قرآن شناسان اهل سنّت، هرگاه از این آیه سخن رانده اند، حدیث فوق را نیز آورده اند.(۲)

پس از نزول این آیه، عده ای پنداشتند پیامبر در پی ترغیب دیگران به دوستی با نزدیکانش است. در این حال آیه نازل شد: «یا می گویند که [پیامبر] بر خداوند دروغ بست... .»(۳) مردمی که چنین گمان ناشایستی داشتند، وقتی این معجزه پیامبر را دیدند، بر ایمانشان افزوده شد، توبه کردند و گفتند: یا رسول الله! شهادت می دهیم که تو راست گو هستی. خداوند نیز در آیه بعد، توبه آنان را پذیرفت و فرمود: «و خداوند توبه بندگانش را قبول می کند و از بدی ها درمی گذرد و به آنچه می کنید، آگاه است».(۴)

فرزندان رسول خدا صلی الله علیه و آله در موارد گوناگون برای اثبات حقانیت

۱- «قُلْ لا أَسْئَلُکُمْ عَلَیْهِ أَجْرًا إِلاَّ الموده فِی الْقُرْبی وَ مَنْ یَقْتَرِفْ حَسَنَهً نَزِدْ لَهُ فیها حُسْنًا إِنَّ اللّهَ غَفُورٌ شَکُورٌ». شورا: ۲۳

۲- الکشاف، ج ۴، ص ۲۲؛ تفسیر طبری، ج ۲۵، صص ۲۴ _ ۲۶، به نقل از: مختصر تفسیر طبری، ج ۲، ص ۲۱۹؛ احمد بن عبدالله طبری، ذخائر العقبی، مصر، مکتبه القدسی، ۱۳۵۶ ه_ . ق، ج ۲۵؛ بحر المحیط، ج ۷، ص ۵۱۶؛ محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، ج ۹، ص ۲۳۵ و ج ۱۰، ص ۳۹۴ و ج ۲۲، ص ۳۲۱.

۳- «أَمْ یَقُولُونَ افْتَری عَلَی اللّهِ کَذِبًا». شورا: ۲۴

۴- «وَ هُوَ الَّذی یَقْبَلُ التَّوْبَهَ عَنْ عِبادِهِ...». شورا: ۲۵؛ شهاب الدین شافعی، رشفه الصادی، مصر، ۱۳۰۳ ه . ق، ص ۲۱، به نقل از: احقاق الحق، ص۱۷.

خود به این آیه تمسک جسته اند، چنان که پس از شهادت حضرت علی علیه السلام، امام حسن مجتبی علیه السلام بر منبر رفت و پس از حمد و ثنای الهی فرمود:

... من از خاندانی هستم که خداوند، پلیدی را از آنان دور کرده و ایشان را پاک گردانیده است. من از خاندانی هستم که پروردگار، دوستی شان را بر تمام مسلمانان واجب کرده و به رسولش چنین دستور داده است: «و بگو تنها پاداشی که برای پیامبری ام از شما می خواهم، دوست داشتن خاندانم است...». (شورا: ۲۳)(۱)

همچنین پس از واقعه کربلا و هنگام اسارت خاندان پیامبر، مردی از اهل شام به امام زین العابدین علیه السلام گفت: خدا را شکر که شما را کشت و بیچاره کرد... . امام فرمود: «آیا قرآن خوانده ای؟» مرد گفت: آری. امام فرمود: «مگر این آیه را نخوانده ای که می فرماید: «[ای پیامبر!] بگو برای پیامبری ام جز دوستی خاندانم چیزی نمی خواهم؟» مرد با شگفتی پرسید: آیا شما آن خاندان هستید؟ امام فرمود: «بلی».(۲)

فخر رازی که در پوشاندن فضایل خاندان پیامبر، گوی سبقت را از دیگران ربوده است، ذیل این آیه، حدیثی از رسول خاتم آورده است:

آگاه باشید هر کس بر دوستی آل محمد بمیرد، اجر شهید دارد. فاطمه پاره تن من است؛ کسی که او را آزار دهد، مرا آزرده است... براساس روایات فراوانی که شک در آنها راه ندارد، ثابت شده است که رسول گرامی اسلام، علی، حسن و حسین علیهم السلام را دوست

۱- اسماعیل ابن کثیر دمشقی، حاکم نیشابوری، مستدرک، ج ۳، ص ۱۷۲.
۲- تفسیر ابن کثیر، بیروت، دارالمعرفه، ۱۴۱۲ هـ . ق، ج ۴، ص ۱۱۲.

داشت. پس بر تمام امت اسلام واجب است که از او پیروی کنند؛ زیرا قرآن به ما دستور داده است از رسول خدا صلی الله علیه و آله پیروی کنیم.(۱)

محبوب قلب ها

محبوب قلب ها

یکی از دعاهایی که پیام آور الهی به علی علیه السلام آموخت، چنین بود:

اللّهُمَ اْجعَلْ لی عِنْدَکَ عَهْدا وَ اجْعَلْ لی فی قُلُوبِ المُؤمنینَ مَوَدةً.(۲)

خدایا! برای من در نزد خود پیمانی قرار ده و مرا محبوب قلب های مؤمنان گردان.

پس از آنکه مولای متقیان این دعا را خواند، این آیه نازل شد:

إِنَّ الَّذینَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصّالِحاتِ سَیَجْعَلُ لَهُمُ الرَّحْمنُ وُدًّا. (مریم: ۹۶)

کسانی که ایمان آورده و عمل شایسته انجام داده اند، به زودی خداوند آنان را محبوب می کند.

شأن نزول این آیه را بسیاری از فرزانگان مانند زمخشری،(۳) ابن جوزی،(۴) محمد انصاری قرطبی،(۵) محب الدین طبری،(۶) جلال الدین سیوطی(۷) و محمدباقر مجلسی(۸) نقل کرده اند.

۱- تفسیر کبیر، ج ۲۷، ص ۱۶۶.

۲- الحاکم الحسکانی، شواهد التنزیل، ج ۱، ص۵۷؛ القرطبی، تفسیر القرطبی، ج ۱۱، ص ۱۶۱.

۳- الکشاف، ج ۳، ص ۴۷.

۴- تذکره الخواص، ص ۲۰.

۵- تفسیر القرطبی، ج ۱۱، ص ۱۶۱.

۶- ذخائر العقبی، ص ۸۹.

۷- الدر المنثور، ج ۴، ص ۲۸۷.

۸- بحارالانوار، ج ۲۴، ص ۳۳۱ و ج ۳۹، ص ۲۸۹.

علی قبله عشق دل ها بُوَد

بُوَد گِل اگر دل نه حیران اوست

ترازوی اعمال باشد علی

ولای علی سنگ میزان اوست

محمد حنفیه می گوید: «هیچ مؤمنی را نمی یابی، مگر اینکه دوستی علی علیه السلام و اهل بیت در قلب اوست».(۱)

این گفتار را با حدیثی که علامه گنجی شافعی و دیگر بزرگان نقل کرده اند، به پایان می بریم:

امیر مؤمنان علی علیه السلام فرمود: «مردی به من گفت: ای اباالحسن! به خدا سوگند که تو را برای خدا دوست دارم.» وقتی نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله آمدم و سخن آن مرد را به پیامبر گفتم... فرمود: «و سپاس خداوند را که قلب های مؤمنان را به تو مشتاق نمود» و آنگاه این آیه (مریم: ۹۶) نازل شد.(۲)

هر آن کس که در دلش بغض علی است

از او زارتر در جهان زار کیست؟(۳)

یکی از نشانه هایی که پیامبر برای شناخت مؤمن از منافق بیان کرده، دوستی و دشمنی با امیر اهل ایمان، علی علیه السلام است. در قرآن کریم آمده

۱- بحر المحیط، ج ۶، ص ۲۲۱.

۲- کفایه الطالب، ص ۲۴۹.

۳- ابوالقاسم فردوسی، شاهنامه فردوسی. تهران، انتشارات سخن، ۱۳۶۹، در باب «گفتار اندر ستایش پیغمبر».

است: «لَتَعْرِفَنَّهُمْ فی لَحْنِ الْقَوْلِ؛ منافقان را از لحن سخن گفتن می شناسی». (محمد: ۳۰)

از اصحاب بزرگ رسول خدا صلی الله علیه و آله چون ابوذر غفاری، ابو سعید خدری و جابر بن عبدالله انصاری نقل شده است که در ادامه این آیه گفته اند: «ما منافقان را از دشمنی شان با علی علیه السلام می شناختیم».(۱)

در روایت دیگری که علمای اهل سنّت از ام سلمه، همسر گرامی رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل کرده اند، چنین آمده است: پیامبر فرمود: «هیچ منافقی علی علیه السلام را دوست ندارد و هیچ مؤمنی با او دشمن نیست».(۲)

پیشتازان

پیشتازان

قافله عشاق را السابقون السابقون

سالکان شوق را کشتی این دریا علی است

در عهد خلافت عثمان، گروهی در مسجد نشسته بودند و فضیلت های خود را برای یکدیگر بیان می کردند، ولی علی علیه السلام ساکت بود. عده ای گفتند: ای ابالحسن! شما هم سخنی بگویید. فرمود: «ای گروه قریش و ای انصار! از شما می پرسم این برتری ها را خداوند به واسطه خودتان به شما عنایت کرده است؟» آنان گفتند: به واسطه محمد صلی الله علیه و آله، رسول خدا. امام فرمود: «آیا می دانید که خداوند در آیات

۱- احقاق الحق، ج ۳، ص ۱۱۰. این روایات را بسیاری از علمای اهل سنّت نقل کرده اند و تنها در کتاب احقاق الحق نام هفده منبع آن ذکر شده است.

۲- هزاران محدث، مفسر، متکلم و... این حدیث را نقل کرده اند. تنها در جلد هفتم احقاق الحق، حدود سیصد منبع آن ذکر شده است.

متعدد کسی را که [در نیکی ها] بر دیگران سبقت گیرد، بر بازماندگان برتری بخشیده است، درحالی که هیچ یک از امت در اسلام بر من سبقت نگرفته است؟» گفتند: درست است. علی علیه السلام ادامه داد: «آیا می دانید وقتی آیه «وَ السّـابِقُونَ السّـابِقُونَ أُولئِکَ الْمُقَرَّبُونَ»(۱) نازل شد، از پیامبر درباره آن پرسیدند. پیامبر فرمود: «خداوند این آیه را درباره پیامبران و اوصیای آنان نازل کرده است و آیا من از تمام انبیا و علی از تمام اوصیا بالاتر نیستیم؟» مردم گفتند: بلی... .(۲)

پس از نزول آیه: «وَ السّابِقُونَ السّابِقُونَ أُولئِکَ الْمُقَرَّبُونَ فی جَنّاتٍ النَّعیم؛ سبقت جویان از همه پیشی گرفته اند. آنان از مقربان و در بهشت های پرنعمت هستند» (واقعه: ۱۰_۱۲) رسول گرامی فرمود: «سبقت جویان (سابقون) سه نفرند: سبقت جوی به حضرت موسی علیه السلام، یوشع بن نون؛(۳) به حضرت عیسی علیه السلام، صاحب یاسین و به محمد رسول الله صلی الله علیه و آله، علی بن ابی طالب علیه السلام است».

این حدیث را مفسران و محدثان بزرگ شیعه و عامه نظیر ابن کثیر،(۴) جلال الدین سیوطی،(۵) محمد بن علی شوکانی یمانی،(۶) سید محمود آلوسی،(۷)

۱- واقعه: ۱۰ و ۱۱.

۲- ینابیع الموده، ص ۶۰.

۳- یوشع بن نون، جانشین حضرت موسی علیه السلام بود که پس از رحلت موسی علیه السلام بنی اسرائیل به رهبری او وارد سرزمین موعود شدند، ولی به دلیل مخالفت با او به عذاب خداوند گرفتار آمدند.

۴- تفسیر ابن کثیر دمشقی، ج ۴، ص ۲۸۳.

۵- الدر المنثور، ج ۶، ص ۱۵۴.

۶- فتح الغدیر، ج ۵، ص ۱۴۸.

۷- تفسیر روح المعانی، ج ۲۷، ص ۱۱۴.

طبرسی،(۱) سبط جوزی،(۲) ابن حجر هیثمی مکی،(۳) میرمحمد صالح کشفی ترمذی(۴) و شیخ سلیمان بلخی قندوزی(۵) در کتاب های خود آورده اند.

برخی کوشیده انـد بـا واژگون جلوه دادن تاریـخ، شخصـی به جز علی علیه السـلام را نخستین مؤمن معرفی کننـد. گویـا اینان هزاران روایت را که صـدها نفر از دانشـمندان امامی، سنّی، زیـدی، اسـماعیلی و حتی خوارج نقل کرده انـد،(۶) ندیـده اند یا نخواسته اند ببینند یا تعصب های جاهلی اجازه نداده است آنها را بپذیرند.

بهای سخن

بهای سخن

سرّ مطلق، والی حق، پیشوای ماخلق

کاشف اسرار قرآن، راز «ما اوحی» علی است

شماری از مسـلمانان مدینه با مزاحمت های بیهوده و پی درپی خود می خواسـتند به صورت محرمانه با پیامبر گفت وگو کنند؛ سخنانی که نه دردی از جامعه برمی داشت و نه اثری معنوی به همراه داشت. در این هنگام از سوی خداوند فرمان رسید:

یا أَیُّهَا الَّذینَ آمَنُوا إِذا ناجَیْتُمُ الرَّسُولَ فَقَدِّمُوا بَیْنَ یَدَیْ نَجْواکُمْ صَدَقَةً

۱- مجمع البیان، ج ۹، ص ۲۱۵.

۲- تذکره الخواص، ص ۲۱.

۳- الصواعق المحرقه، ص ۱۲۳.

۴- المناقب المرتضوی، ص ۴۹.

۵- ینابیع الموده، ص ۶۰ .

۶- برای اطلاع ازاین روایات، نک: احقاق الحق، ج ۷، صص ۴۵۱ _ ۵۷۷.

ذِلِكَ خَيْرٌ لَكُمْ وَ أَطْهَرُ. (مجادله: ۱۲)

ای مؤمنان! هر کس بخواهد با رسول خدا صلی الله علیه و آله محرمانه سخن بگوید، باید قبل از ورود به خانه آن حضرت، در راه خدا صدقه بدهد. این برای شما بهتر و پاکیزه تر است... .

در این آیه مقدار صدقه مشخص نشد، تا مسلمانان ناتوانی مالی را بهانه قرار ندهند. از آن پس خانه رسول خدا صلی الله علیه و آله خلوت شد.

امیرمؤمنان، علی علیه السلام که در آن زمان تنها یک دینار داشت، آن را به ده درهم تبدیل کرد و ده روز صدقه داد. آنگاه نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله آمد و مطلب آموخت. خود آن حضرت دراین باره می فرماید:

هیچ کس قبل از من به آیه «نجوا» عمل نکرد و بعد از من نیز نمی تواند عمل کند.(۱)

دانشمندان بزرگ مسلمان از جمله محمد بن جریر طبری شافعی،(۲) خطیب خازن،(۳) گنجی شافعی،(۴) واحدی نیشابوری،(۵) امام فخرالدین رازی،(۶) علامه مجلسی(۷) و ده ها نفر دیگر این روایت را نقل کرده اند.

در حدیث دیگری که دانشمندان شیعه و اهل سنّت نقل کرده اند،

۱- الدر المنثور، ج ۶، ص ۱۸۵.

۲- تفسیر طبری، ج ۲۸، ص ۱۴.

۳- علی بن محمد خازن، تفسیر الخازن، قاهره، المکتبه التجاریه الکبری، ۱۳۵۷ هـ . ق، ج ۷، ص ۴۴.

۴- کفایه الطالب، ص ۲۴۸.

۵- اسباب النزول، ص ۲۳۵.

۶- تفسیر کبیر، ج ۲۹، ص ۲۷۱.

۷- محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، بیروت، مؤسسه الوفاء، ۱۴۰۴ هـ . ق، ج ۳۵، ص ۳۷۶.

آمـده است که علی علیه السـلام فرمود: «پس از نزول آیه نجوا و دسـتور صـدقه، رسول خدا صـلی الله علیه و آله مرا به محضـر خود فراخوانـد و فرمود: «مقـدار صـدقه چقـدر معیّن شود؟ یک دینار؟» گفتم: «مردم به این مقـدار توانایی ندارند.» فرمود: «نیم دینار؟» گفتم: «باز هم نمی تواننـد.» فرمود: «پس مقـدار صـدقه چقـدر باشـد؟» گفتم: «مقدار بسـیار کمی جو یا گندم.» فرمود: «چقدر دارایی تو اندک است!».(۱)

امیر مؤمنان علی علیه السلام در ادامه فرمود: «و برای من بود که به امت اسلام تخفیف داده شد».(۲)

پس از چند روز آنگاه که برتری «برادر پیامبر» بر مدعیان ثابت شد، این آیه نسخ شد و خداوند فرمود:

ءَأَشْـفَقْتُمْ أَنْ تُقَـدِّمُوا بَيْنَ يَـدَىْ نَجْواكُمْ صَـدَقاتٍ فَـإِذْ لَمْ تَفْعَلُوا وَ تـابَ اللّهُ عَلَيْكُمْ فَـأَقِيمُوا الصَّلاـهَ وَ آتُوا الزَّكـاهَ وَ أَطيعُوا اللّهَ وَ رَسُولَهُ... .(مجادله: ۱۳)

آیا ترسـیدید که هنگام خصوصـی سخن گفتن با رسول خدا صدقه بدهید؟ پس چون نکردید، خداوند از شما توبه پذیر است. نماز به پا دارید و زکات بدهید و از خدا و رسول او اطاعت کنید... .

هیـچ مسـلمانی شـک نـدارد که این آیه، بیان فضـیلت های منحصـر به فرد امام علی علیه السـلام است. علامه ابی الحسن رزین عبدری دراین باره می نویسد:

۱- کفایه الطالب، ص ۳۶.

۲- کفـایه الطالب، ص ۱۳۶؛ تفسیر طبری، ج ۲۸، ص ۱۴؛ ینـابیع الموده، ص ۱۰۰؛ تـذکره الخواص، ص ۲۱؛ الجامع الاحکام القرآن، ج ۱۷، ص ۳۰۲.

... بـدان کـه این آیه دربـاره امیر مؤمنـان علی علیه السـلام است و ثـابت می کنـد که این فضـیلتی منحصـر به فرد برای اوست. خداونـد راه را برای تمام مسـلمانان بازگـذاشت تا به این آیه عمل کننـد؛ زیرا خداونـد برای صدقه، مقداری مشـخص نکرد تا بگویند فقرا توانایی مالی ندارند، بلکه مقدار آن به مردم واگذار شد تا هر کس هر چقدر می تواند صدقه بپردازد، به گونه ای که هر یک از اقوام پیامبر یا یاران او که می خواسـتند، می توانسـتند به آیه عمل کنند و ناتوان نبودند. پس سر باز زدن همگان از عمـل به آیه، دلیـل بر این است که خداونـد علی علیه السـلام را به این فضـیلت مخصوص گردانیـد تا از دیگران بازشـناخته شود. ...هیچ کس ادعا نمی کند(۱) که این فضیلت برای کسی جز امیر مؤمنان است... .(۲)

گفتار را با کلامی از عبدالله بن عمر در بیان فضایل حضرت علی علیه السلام به پایان می بریم:

برای علی سه فضـیلت است که اگر برای کسـی این فضایل بود، از هرچه که خورشـید بر آن می تابد(۳)، برایم بهتر بود. یکی همسری او با فاطمه زهرا علیهاالسلام، دیگری پرچم داری او در روز خیبر و سومی، آیه نجوا.(۴)

۱- فخر رازی برای آنکه بقیه اصـحاب بزرگ رسول خدا صلی الله علیه و آله از این فضیلت عقب نمانند، آستین همت بالا زده و چنین توجیه نابجایی را بیان کرده است: «صـدقه دادن موجب می شـد فقرایی که توانایی مالی نداشـتند، آزرده خاطر شوند و افراد ثروتمند ناراحت می شدند. ازاین رو، صدقه ندادند و رفت و آمد با رسول خدا صلی الله علیه و آله را تعطیل کردند.» اگر این توجیه فخر رازی را بپذیریم، باید تمام انفاق های واجب و مستحب را تعطیل کنیم.

۲- احقـاق الحق، ج ۳، ص ۱۳۳؛ آلوسـی، روح المعانی، ج ۱۴، ص ۲۲۵؛ سـیوطی، الدر المنثور فی تفسـیر المأثور، ج ۶، ص ۱۸۵.

۳- در روایتی آمده است: «از یک گله شتر سرخ مو برایم بهتر است...».

۴- کفایه الطالب، ص ۱۳۶؛ تذکره الخواص، ص ۲۲؛ الجامع الاحکام القرآن، ج ۱۷، ص ۳۰۲.

درود خدا

درود خدا

بزرگ ترین فضیلت امیر مؤمنان علی علیه السلام و اهل بیت علیهم السلام این است که بر تمام مسلمانان واجب است روزی چندین بار در نماز بر آنان درود فرستند؛ زیرا در غیر این صورت، نماز باطل است و هیچ کس دراین باره تردید ندارد. خداوند به مؤمنان دستور می دهد:

إِنَّ اللّهَ وَ مَلائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يا أَيُّهَا الَّذينَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَ سَلِّمُوا تَسْليمًا. (احزاب: ۵۶)

پروردگار و فرشتگان او بر پیامبر صلوات می فرستند. ای مؤمنان! شما نیز بر او صلوات بفرستید و سلام کنید.

پس از نزول این آیه، یاران رسول خدا صلی الله علیه و آله از ایشان پرسیدند: ما چگونگی سلام بر تو را می دانیم، اما صلوات بر تو چگونه است؟ رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «بگویید خدایا! بر محمد و آل او درود فرست، چنان که بر ابراهیم و اهل بیت او درود فرستادی و بر محمد و خاندان او برکت عنایت فرما، چنان که به ابراهیم و آل او برکت عنایت فرمودی. به درستی که تو ستوده و بزرگوار هستی».(۱)

مفسران شیعه و اهل سنّت حدیث فوق را در تفسیر آیه ۵۶ سوره

۱- «اللّهُمَ صَلِّ علی مُحَمّدٍ وَ عَلی آلِ مُحَمّدٍ کَما صَلّیْتَ عَلی آلِ اِبْراهیمَ اِنَّکَ حَمیدٌ مَجیدٌ. اللّهُم بارِکْ عَلی مُحَمَدٍ وَ عَلی آلِ مُحَمَّدٍ کَما بارِکْتَ عَلی آلِ اِبْراهیمَ اِنَّکَ حَمیدٌ مَجِیدٌ.» محمد بن اسماعیل بخاری، صحیح بخاری، مصر، مکتبه الجمهوریه العربیه، ج ۶، ص ۱۵۱ و نیز مدارک ذیل با اندکی اختلاف.

احزاب آورده اند.(۱)

در حدیث دیگری خاتم الانبیا، محمد مصطفی صلی الله علیه و آله فرمود: «هیچ گاه بر من صلوات ناقص نفرستید.» پرسیدند: صلوات ناقص کدام است؟ فرمود: «اینکه بگویید اللّهُمَ صَلِّ عَلی مُحَمّد و ساکت شوید، بلکه باید بگویید اللّهُمَ صَلِّ عَلی مُحَمّدٍ وَ عَلی آلِ مُحَمّد».(۲)

فخرالدین رازی دراین باره می نویسد: «صلوات بر آل محمد، افتخار بزرگی است. ازاین رو، در پایان تشهد باید بر محمد صلی الله علیه و آله و آل او درود فرستاد و این بزرگداشت در حق هیچ کس جز اهل بیت رسول خدا صلی الله علیه و آله یافت نمی شود و تمام این موارد دلیل بر این است که دوستی آنان واجب است.(۳)

در پایان این گفتار با امام شافعی هم صدا می شویم:

ای اهل بیت رسول خدا! دوستی شما در قرآن بر ما واجب شده است و برای عظمت قدر شما همین بس که هر کس در نماز به شما صلوات نفرستد، نماز نخوانده است.(۴)

۱- الدر المنثور، ج ۵، ص ۲۱۵؛ ابونعیم اصفهانی، اخبار اصفهان، لندن، چاپ لندن، ۱۹۳۱ م، ج ۱، ص ۱۳۱؛ تاریخ بغداد و مدینه الاسلام، ج ۶، ص ۲۱۶. برای اطلاع بیشتر نک: احقاق الحق، ج ۳، ص ۲۵۸.

۲- الصواعق المحرقه، ص ۱۴۴.

۳- تفسیر کبیر، ج ۲۷، ص ۱۶۶.

۴- «یا اَهْلِ بَیْتِ رَسُولِ اللّه حُبُّکم فَرْضٌ مِنَ اللّه ِفی الْقُرآنِ اَنْزَلَهُ کَفا کَمْ مِنْ عَظیم الْقَدرِ اِنَّکُم مَنْ لَمْ یُصَلِّ عَلَیْکُم لاصَلاهَ لَهُ.» ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب علیه السلام، ج ۳، ص ۳۱۲.

دریای نور

دریای نور

خداونـد در سوره الرحمن، عروس قرآن، ازدواج امیرمؤمنـان، علی علیه السـلام و دختر رسول اللّه صـلی الله علیه و آله را به دو دریا تشبیه کرده است که از آنها گوهرهای گران بها به دست می آید:

مَرَجَ الْبَحْرَیْنِ یَلْتَقِیانِ بَیْنَهُما بَرْزَخٌ لایَبْغِیانِ، ... یَخْرُجُ مِنْهُمَا اللُّؤْلُؤُ وَ الْمَرْجانُ، فَبِأَیِّ آلاءِ رَبِّکُما تُکَذِّبانِ. (الرحمن: ۱۹ _ ۲۳)

خداوند دو دریا جاری ساخت که به هم می رسـند و میان آن دو حایلی قرار داد که فزونی نمی جویند... . از میان آن دو دریا، لؤلؤ و مرجان برمی آورد. پس کدام یک از نعمت های پروردگارتان را تکذیب می کنید؟

تفسیرهای مفسران بزرگ صدر اسلام از این آیه و نیز گفتار دانشمندان بزرگی چون ابن جوزی،(۱) سیوطی،(۲) آلوسی بغدادی،(۳) میرمحمد صالح کشفی ترمذی حنفی،(۴) سلیمان قندوزی حنفی(۵) و علامه مجلسی(۶) نشان می دهد که مقصود از این دو دریـا که به هم می پیوندنـد، علی علیه السـلام و فاطمه زهرا علیهاالسـلام است. مقصود از حایل بین آن دو نیز رسول خدا صلی الله علیه و آله (۷) است که بین آن دو بود و هیچ گاه از یکدیگر جدا

۱- تذکره الخواص، ص ۲۴۵.

۲- الدر المنثور، ج ۶، ص ۱۴۲.

۳- تفسیر روح المعانی، ج ۲۷، ص ۹۳.

۴- مناقب مرتضوی، ص ۳۹.

۵- ینابیع الموده، ص ۱۱۸.

۶- بحارالانوار، ج ۲۴، ص ۹۷ و ج ۳۷، ص ۶۴.

۷- چنان که در الدر المنثور، تفسیر روح المعانی، تذکره الخواص و دیگر کتاب ها آمده است.

نمی شدند. همچنین منظور از لؤلؤ، امام حسن علیه السلام و مرجان، امام حسین علیه السلام است که از پیوند دو دریای نور به وجود آمدند.

شیخ عزالدین عبدالسلام شافعی دراین باره می نویسد:

فرشته الهی نزد پیامبر آمد و گفت: ای محمد! من فرستاده خداوند محمود هستم تا نور را با نور تزویج کنم. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: چه کسی را؟ فرشته الهی گفت: علی علیه السلام را به فاطمه علیهاالسلام که خداوند بین آنان پیوند زناشویی برقرار کرده است... پیامبر نزد اصحاب آمد و فرمود: «شما را شاهد می گیرم که فاطمه علیهاالسلام را به علی علیه السلام تزویج کردم. پیوند دو دریای نبوت فاطمی و جوانمردی علوی، همان پیوند دو دریایی است که بین آن دو حایلی نیست. آن حایل، تقوای آن دو است که بر یکدیگر برتری جویند و از پیوند نورها، لؤلؤ و مرجان پدید آید».(۱)

نور دانش

نور دانش

ای علی که جمله عقل و دیده ایشمّه ای وا گو از آنچه دیده ای

چون تو بابی آن مدینه علم راچون شعاعی آفتاب حلم را(۲)

کفار به پیامبر خدا تهمت می زدند و می گفتند: تو پیامبر نیستی. خداوند به رسولش فرمان می دهد:

وَ یَقُولُ الَّذینَ کَفَرُوا لَسْتَ مُرْسَلًا قُلْ کَفی بِاللّهِ شَهیدًا بَیْنی وَ بَیْنَکُمْ وَ مَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْکِتابِ. (رعد: ۴۳)

و کسانی کافر شدند می گویند: «تو نفرستاده نیستی.» بگو شهادت

۱- احقاق الحق، ج ۳، صص ۲۷۸ و ۲۷۹.

۲- مثنوی معنوی، دفتر اول.

خداوند و کسی که علم کتاب نزد اوست، میان من و شما کافی است.

ابوسعید خدری که از یاران رسول الهی بود، می گوید: «از پیغمبر اسلام پرسیدم: مقصود قرآن از کسی که مقداری از علم کتاب می دانست ــ و به حضرت سلیمان علیه السلام گفت من تخت بلقیس را در یک چشم برهم زدن حاضر کنم ــ(۱) کیست؟ پیامبر فرمود: «و او، وزیر برادرم، سلیمان بن داوود بود». پرسیدم: مقصود از اینکه خداوند می فرماید: شهادت پروردگار و کسی که علم کتاب نزد اوست، میان من و شما کافی است، چه کسی است؟ فرمود: «و او برادرم، علی بن ابی طالب است».

در این روایت و ده ها روایت دیگر که فرزانگانی چون شیخ سلیمان قندوزی حنفی،(۲) محمد بن احمد قرطبی،(۳) محمدصالح حسینی ترمذی حنفی(۴) و امین الاسلام طبرسی(۵) آن را در کتاب های خود آورده اند، مقصود از کسی که علم کتاب می داند، امیر مؤمنان است.

«هل اتی» قدر و «سلونی» علم و لاهوتی مقام

ملک دین را تاجدار لافتی الاّ علی است(۶)

با این حال برخی کوشیده اند با آوردن این احتمال که شاید مقصود، شخصی به نام عبدالله بن سلام باشد، این فضیلت علی علیه السلام را کم رنگ

۱- «قالَ الَّذی عِنْدَهُ عِلْمٌ مِنَ الْکِتابِ اَنَا اتیکَ بِهِ قَبْلَ اَنْ یَرْتَدَّ اِلَیْکَ طَرْفُکَ...». نمل: ۴۰

۲- ینابیع الموده، ص ۱۰۲.

۳- الجامع الاحکام القرآن، ج ۹، ص ۳۳۶.

۴- مناقب مرتضوی، ص ۲۸.

۵- مجمع البیان، ج ۳، ص ۳۰۱.

۶- دیوان الهی قمشه ای، ص ۲۸۷.

جلوه دهنـد، ولی این سـخن نادرست است؛ زیرا این سوره در مکه نازل شده است، درحالی که عبدالله بن سـلام چند سال بعد در مـدینه مسـلمان شد. افزون بر آن، چگونه نبوت رسول خدا صـلی الله علیه و آله با شـهادت شـخص گمنامی چون عبدالله بن سلام ثابت می شود؟ جالب اینکه در روایات بسـیاری که دانشـمندان بزرگ اهل سـنّت و شـیعه نقل کرده انـد، خود عبدالله بن سلام مقصود از آیه را علی علیه السلام معرفی می کند.(۱)

با آنکه سـلمان فارسی، عمر خود را به یادگیری اسرار انجیل، تورات، زبور و دیگر کتاب های پیامبران پیشین و قرآن گذرانده بود، از صاحبان علم کتاب شـمرده نمی شود. پس چگونه باید این عنوان را به ابن سلام بدهیم که هیچ گاه چیزی از خود بروز نداد. آنچه بود، در نزد علی علیه السلام بود که فرمود:

از من بپرسید پیش از اینکه از میان شما بروم که نزد من علومی است چون دریاهای عمیق.(۲)

این گفتار را با کلام یکی از دانشمندان حنفی به پایان می بریم:

خداونـد، خاتم پیامبران و بهترین آنان را مبعوث نمود و مخلوق را به فضل خود تعظیم کرد. مقتضای عقل این است که بعـد از پیامبر، یکی از بنی هاشم عالِم به تمام اسـرار کتاب خداوند باشد؛ زیرا او از دیگر قریش به پیامبر نزدیک تر است. چنین کسـی باید نخستین مسـلمان باشد تا از اسرار رسالت و وحی آگاه باشد و نیز باید در تمام اوقات نزد پیامبر و مطیع او باشد تا به گفتار و کردار پیامبر آگاهی داشته باشد...

۱- نک: مناقب مرتضوی، ص ۲۸؛ ینابیع الموده، ص ۱۰۲؛ مجمع البیان، ج ۳، ص ۳۰۱.

۲- ینابیع الموده، ص ۱۱۴.

و باید در اخلاق و رفتار، پیامبرگونه و چون فرزند بزرگ پیامبر باشد و این شرط ها در کسی جز علی علیه السلام یافت نمی شود.(۱)

بر تخت بهشت

بر تخت بهشت

مولای متقیان از رسول خدا صلی الله علیه و آله پرسید: «یا رسول الله! کدام یک از ما دو نفر ــ من یا فاطمه ــ را بیشتر دوست داری؟» پیامبر فرمود: «فاطمه را بیشتر از تو دوست دارم و تو از فاطمه برایم عزیزتری.» ابوهریره، از دانشمندان حدیث شناس اهل سنّت که این روایت را از او نقل کرده اند، می گوید:

پیامبر ادامه داد: «ای علی! گویا می بینم که من و تو کنار حوض کوثر هستیم و تو منافقان را از آن دور می کنی و... من و تو و حسن و حسین و فاطمه و عقیل و جعفر در بهشت رو در روی یکدیگر نشسته ایم و شیعیانت در بهشت با ما هستند. آنگاه این آیه را قرائت کرد: «وَ نَزَعْنا ما فی صُدُورِهِمْ مِنْ غِلٍّ إِخْواناً عَلی سُرُرٍ مُتَقابِلِینَ؛ و ما دل های آنان را از ناپاکی پاک کردیم تا چون برادران رو در روی یکدیگر بر تخت ها[ی بهشتی]بنشینند». (حجر: ۴۷)

بسیاری از علما، شأن نزول این آیه را با بیان های گوناگونی از پیامبر، امام علی علیه السلام، امام حسن مجتبی علیه السلام و مفسران بزرگی چون ابن عباس، ابن ابی الاوفی و ابوهریره نقل کرده اند که برای نمونه می توان به امام احمد حنبل،(۲) صالح کشفی حنفی،(۳) شیخ سلیمان قندوزی حنفی،(۴)

۱- احقاق الحق، ج ۳، ص ۲۸۱، به نقل از: ینابیع الموده، ص ۱۰۲.

۲- به نقل از: احقاق الحق، ج ۳، صص ۴ و ۳؛ بحارالانوار، ج ۲۴، ص ۲۶۴.

۳- مناقب مرتضوی، ص ۳۲.

۴- ینابیع الموده، ص ۱۳۲.

انصاری قرطبی(۱) و علامه مجلسی(۲) اشاره کرد.

پشتیبان رسول

پشتیبان رسول

خداوند سبحان در توبیخ برخی از همسران پیامبر که اسرار خانوادگی ایشان را فاش می کردند، فرمود:

إنْ تَتُوبا إِلَى اللّهِ فَقَدْ صَغَتْ قُلُوبُكُما وَ إِنْ تَظاهَرا عَلَيْهِ فَإِنَّ اللّهَ هُوَ مَوْلاهُ وَ جِبْرِيلُ وَ صالِحُ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْمَلائِكَهُ بَعْدَ ذلِكَ ظَهِيرٌ، عَسى رَبُّهُ إِنْ طَلَّقَكُنَّ أَنْ يُبْدِلَهُ أَزْواجًا خَيْرًا مِنْكُنَّ مُسْلِماتٍ مُؤْمِناتٍ قانِتاتٍ تائِباتٍ عابِداتٍ... . (تحریم: ۴ و ۵)

اگر به سوی خدا توبه کنید، بهتر است. به یقین، دل های شما از حق منحرف گشته است و اگر بر ضد پیامبر یاور همدیگر شوید، خداوند، جبرئیل و فرد صالحی از مؤمنان و آنگاه ملائکه پشتیبان او خواهند بود. اگر شما را طلاق دهد، شاید خداوند زنان مؤمن مسلمان فرمانبردار توبه کننده عابد... نصیب او کند.

در روایات بسیاری، حضرت محمد صلی الله علیه و آله، امام علی علیه السلام را فرد صالحی که در آیه بیان شده، معرفی کرده است. اسماء بنت عمیس که از زنان مسلمان صدر اسلام و یکی از همسران ابوبکر بود، می گوید: از

۱- الجامع الاحکام القرآن، ج ۱۰، ص ۳۳. برای اطلاع بیشتر از منابع اهل سنّت، نک: تفسیر روح المعانی، ج ۱۴، ص ۵۳؛ فتح الغدیر، ج ۳، ص ۳۳.

۲- بحارالانوار، ج ۲۴، ص ۲۶۴ و ج ۳۶، ص ۷۲.

رسول خدا صلی الله علیه و آله پرسیدم: مقصود از صالح مؤمنان در این آیه کیست؟ فرمود: «او، علی بن ابی طالب است».

این حدیث را بسیاری از دانشمندان فرزانه، از جمله محمد بن یوسف گنجی شافعی،(۱) شیخ سلیمان قندوزی حنفی،(۲) محمد صالح ترمذی کشفی،(۳) انصاری قرطبی،(۴) علامه مجلسی(۵) و ده ها مفسر و محدث دیگر نقل کرده اند. این حدیث از ابن عباس و حضرت علی علیه السلام نیز نقل شده است.(۶)

این گفتار را با حدیثی از علامه سبط بن جوزی حنفی به پایان می بریم:

سر مبارک سالار شهیدان در تشتی نزد ابن زیاد بود و آن پلید با چوبی که در دست داشت، بر لب های فرزند رسول خدا صلی الله علیه و آله می زد. در این هنگام زید بن ارقم که از یاران رسول خدا صلی الله علیه و آله بود، برآشفت و گفت: ابن زیاد! چوبت را بردار. به خدا قسم، بسیار می دیدم که رسول خدا صلی الله علیه و آله بین این دو لب را می بوسید. بغض زید ترکید و گریه امانش نداد و نتوانست به سخن ادامه دهد. ابن

۱- کفایه الطالب، صص ۱۳۶ _ ۱۳۸.

۲- ینابیع الموده، ص ۹۳.

۳- مناقب مرتضوی، ص ۲۹.

۴- الجامع الاحکام القرآن، ج ۱۸، ص ۱۸۹.

۵- بحارالانوار، ج ۱۷، ص ۲۵۲ و ج ۲۲، ص ۲۳۲.

۶- برای اطلاع بیشتر نک: احقاق الحق، ج ۳، صص ۳۱۱ _ ۳۲۰. عده ای احتمال داده اند که مقصود از «صالح مؤمنان»، افرادی غیر از امیر مؤمنان باشند. کسانی که این گروه به عنوان صالح مؤمنان ذکر کرده اند، بیش از یک نفرند، درحالی که «صالح» مفرد و اطلاق آن بر جمع غلط است.

زیاد گفت: خدا تو را بگریاند! اگر پیرمرد و خرفت نبودی، هم اکنون سر از بدنت جدا می کردم. زید بن ارقم از جای خود بلند شد و فریاد زد: ای مردم! از این پس شما اسیر و در بند خواهید بود. شما فرزند فاطمه را اسیر و از ابن زیاد پیروی کردید... . ای ابن زیاد! برایت حدیثی بخوانم که از آنچه گفتم برایت سخت تر است؛ رسول خدا صلی الله علیه و آله را دیدم که حسن علیه السلام را بر زانوی راست و حسین علیه السلام را بر زانوی چپ خود می نشاند. سپس دست بر سر آنان می نهاد و می گفت: خدایا! من این دو و صالح مؤمنان، علی علیه السلام را به تو می سپارم.(۱)

شاهد

شاهد

مولای متقیان، علی علیه السلام فرمود: «قسم به خدایی که دانه را شکافت و جانداران را آفرید، اگر برای من جایگاهی برای قضاوت گسترده شود، بین یهودیان به تورات، مسیحیان به انجیل، اهل زبور به زبور و بین مسلمانان به قرآن حکم می کنم. سوگند به آن که جانم به دست اوست، هیچ مردی از قریش... نیست، مگر اینکه درباره او آیه ای از قرآن می دانم که او را به سوی بهشت می برد یا به آتش می کشاند.» مردی پرسید: ای امیرمؤمنان! آیه ای که درباره شما نازل شده، چیست؟ فرمود: «آیه من این است: «آیا کسی که از طرف پروردگار خود دلیلی روشن (قرآن) دارد و شاهدی از او آن را می خواند... [با کسی که دلیلی ندارد،

۱- تذکره الخواص، ص ۲۳۱.

برابر است؟]»(۱) رسول خدا صلی الله علیه و آله همان کسی است که از طرف خداوند دلیل روشن دارد و من شاهد بر آن هستم».(۲)

علی ساجد، علی عابد، علی زاهد، علی شاهد

علی جنت، علی رضوان، علی هادی، علی رهبر

علی اعلم به هر برهان، علی سرمایه ایمان

علی نور دل خوبان، علی سلطان دین پرور

در حدیث دیگری که آن را مفسران بزرگی چون بغوی شافعی،(۳) محمد بن احمد قرطبی،(۴) جلال الدین سیوطی،(۵) امین الاسلام طبرسی(۶) و ده ها مفسر و محدث بزرگ نقل کرده اند، حضرت علی علیه السلام خود را مصداق شاهد پیامبری محمد صلی الله علیه و آله معرفی کرده است.

فخر رازی نیز در سومین تفسیری که از این آیه کرده است، می نویسد:

مراد، علی بن ابی طالب است و معنای آیه چنین است: علی علیه السلام این دلیل روشن را می خواند و شاهد پیامبر است؛ یعنی او فضیلتی دارد که از محمد صلی الله علیه و آله محسوب می شود.(۷)

۱- نک: هود: ۱۷.

۲- تذکره الخواص، ص ۲۶.

۳- حسین بن مسعود بغوی، معالم التنزیل، ۱۲۱۷ ه_ . ق، ج ۳، ص ۱۸۳.

۴- الجامع الاحکام القرآن، ج ۹، ص ۱۶.

۵- الدر المنثور، ج ۳، ص ۵۸۶.

۶- مجمع البیان، ج ۳، ص ۱۰۰؛ بحارالانوار، ج ۷، ص ۲۵۱. برای اطلاع بیشتر نک: احقاق الحق، ج ۳، صص ۳۵۲ _ ۳۵۹.

۷- تفسیر کبیر، ج ۱۷، ص ۲۰۱.

شوق وصال

شوق وصال

«مردی از امام علی علیه السلام پرسید: مقصود قرآن از این آیه: «مِنَ الْمُؤْمِنینَ رِجالٌ صَدَقُوا ما عاهَدُوا اللّهَ عَلَیْهِ فَمِنْهُمْ مَنْ قَضی نَحْبَهُ وَ مِنْهُمْ مَنْ یَنْتَظِرُ...؛ بعضی از مؤمنان مردانی هستند که به عهدی که با خدا بسته بودند، عمل کردند. پس عده ای از آنان میثاق خود را به پایان بردند و عده ای منتظرند... .» (احزاب: ۲۳)، چیست؟ علی علیه السلام فرمود: «این آیه درباره من، عمویم حمزه و پسرعمویم، عبیده، فرزند حارث نازل شده است. عبیده در روز بدر، میثاق خود را با شهادت به پایان آورد و عمویم حمزه در روز احد به پیمانش عمل کرد.» آنگاه حضرت درحالی که با دست به سر و صورتش اشاره می کرد، ادامه داد: «اما من منتظرم تا شقی ترین مردم صورتم را با خون سرم حنا بندد. این عهد و پیمانی است که حبیبم رسول خدا صلی الله علیه و آله با من بسته است».(۱)

سرخ شد چهره زردم اگر از خون سرم

باز شد راه وصال از طرف دادگرم

در روایت دیگری که از بزرگانی چون محمد صالح کشفی حنفی،(۲) گنجی شافعی،(۳) ابن جوزی حنفی،(۴) شیخ سلیمان قندوزی(۵) و علامه مجلسی(۶) نقل شده، مقصود از «کسی که منتظر است»، امام مؤمنان،

۱- ابن صباغ مالکی، الفصول المهمه، چاپ نجف، ص ۱۱۳

۲- مناقب مرتضوی، ص ۳۵.

۳- کفایه الطالب، ص ۲۴۹.

۴- تذکره الخواص، ص ۲۶.

۵- ینابیع الموده، ص ۹۶.

۶- بحارالانوار، ج ۲۰، ص ۲۳۲ و ج ۲۴، ص ۳۰.

علی علیه السلام است.

علی حق را ولی باشد، علی نور جلی باشد

همه مدح علی باشد به قرآن از الف تا یا(۱)

تمام ایمان و تمام کفر

تمام ایمان و تمام کفر

در نبرد احزاب، مسلمانان به دلیل کمبود نیرو براساس طرح پیشنهادی سلمان فارسی، اطراف شهر مدینه را خندق کنده بودند تا دشمن نتواند از هر سو به آنان حمله کند. یک روز جنگجوترین فرد قریش، عمرو بن عبدود، به همراه دو نفر دیگر توانستند از خندق بگذرند. وقتی عمرو در برابر مسلمانان قرار گرفت، گفت:

که ای مهتران قریشی نسبپلنگان و گردان قوم عرب

کجایند گردان و مردان مردکه آیند امروز اندر نبرد(۲)

تنها کسی که سکوت مرگ بار یاران رسول خدا صلی الله علیه و آله را شکست، صاحب ذوالفقار حیدری بود که از رسول خدا صلی الله علیه و آله اذن مبارزه خواست، ولی آن حضرت به وی اجازه میدان نداد. برای بار سوم قوی ترین قهرمان کفر فریاد برآورد: «از بس فریاد زدم و هماورد طلبیدم، گلویم گرفت. بیایید تا شما را روانه بهشت کنم یا شما مرا به سوی جهنم برید...».

۱- سیدتقی منتظری، مخزن الفضائل، اصفهان، ص ۲۲.

۲- میرزا محمد ابراهیم مروزی جوهری.

رسول گرامی اسلام، عمامه خود را بر سر جانشین خود نهاد و او را به میدان فرستاد. وقتی امیر مؤمنان در مقابل عمرو بن عبدود قرار گرفت، پیامبر فرمود: «تمام ایمان در مقابل تمام کفر قرار گرفته است».(۱)

پس از گفت وگوی کوتاهی که بین دو دلاور ردّ و بدل شد، چکاچک شمشیرها، نفس لشکریان را در سینه حبس کرد. ناگاه غریو «الله اکبر» امیرمؤمنان به دو لشکر فهماند که جنگ پایان یافته و عمرو بن عبدود بر خاک افتاده است.

پس از فداکاری علی علیه السلام و سیاست هایی که برخی از تازه مسلمانان به کار بستند، لشکر کفر مجبور به عقب نشینی و بازگشت به مکه شد. آنگاه این آیه نازل گشت:

وَ رَدَّ اللّهُ الَّذینَ کَفَرُوا بِغَیْظِهِمْ لَمْ یَنالُوا خَیْرًا وَ کَفَی اللّهُ الْمُؤْمِنینَ الْقِتالَ وَ کانَ اللّهُ قَوِیًّا عَزیزًا. (احزاب: ۲۵)

خداوند کافران را با بغض و کینه برگرداند. آنان به هیچ خیری دست نیافتند و خداوند مؤمنان را از جنگ کفایت کرد (بدون جنگ پیروز شدند) و خدا همواره نیرومند شکست ناپذیر است.

در روایت های بسیاری آمده است که مسلمانان صدر اسلام هنگامی که این آیه را تلاوت می کردند، می گفتند: «خداوند با علی علیه السلام جهاد را از مسلمانان کفایت کرد».

دانشمندانی چون علامه گنجی شافعی،(۲) ابی حیان اندلسی،(۳) شیخ

۱- «بَرَزَالاِیمانُ کُلُّهُ عَلَی الشِّرکِ کله». بحارالانوار، ج ۳۹، ص ۳

۲- کفایه الطالب، ص ۲۳۴.

۳- بحرالمحیط، ج ۷، ص ۲۲۴.

سلیمان قندوزی حنفی،(۱) میرمحمد صالح کشفی ترمذی،(۲) محمود آلوسی(۳) و علامه مجلسی(۴) این روایت را نقل کرده اند.

سر منزل

سر منزل

در سوره انبیا آمده است:

إِنَّ الَّذینَ سَبَقَتْ لَهُمْ مِنَّا الْحُسْنی أُولئِکَ عَنْها مُبْعَدُونَ، لایَسْمَعُونَ حَسیسَها وَ هُمْ فی مَا اشْتَهَتْ أَنْفُسُهُمْ خالِدُونَ. (انبیا: ۱۰۱ و ۱۰۲)

آنان که نیکی ما برایشان پیش فرستاده شده است، از آتش جهنم دورند. آنان آواز جهنم را نمی شنوند و در بهشت به آنچه مشتاقند، جاودانند.

امیر مؤمنان علی علیه السلام با اشاره به این آیه می فرمود: «من از این افراد هستم.» در روایت دیگری از دانشمندان اهل سنّت چنین آمده که این آیه در شأن علی علیه السلام نازل شده است و او در نماز این آیه را می خواند.

از میان دانشمندان فرزانه ای که دو روایت فوق را نقل کرده اند، می توان به این افراد اشاره کرد: ابی الفداء ابن کثیر؛(۵) ابی حیان اندلسی؛(۶)

۱- ینابیع الموده، ص ۹۴.

۲- مناقب مرتضوی، ص ۳۱.

۳- تفسیر روح المعانی، ج ۲۱، ص ۱۵۶.

۴- بحارالانوار، ج ۲۰، ص ۲۳۳.

۵- تفسیر ابن کثیر، ج ۳، ص ۱۹۸.

۶- بحر المحیط، ج ۶، ص ۳۴۲.

میرمحمد صالح کشفی ترمذی حنفی؛(۱) آلوسی بغدادی؛(۲) جلال الدین سیوطی(۳) و علامه مجلسی.(۴)

آینه خدانما

آینه خدانما

به غلط برفته آن کس که تو را خدای داند

که خدا نه ای ولی آینه خدانمایی

قرآن کریم، پیامبران را اسوه انسان ها معرفی می کند. از جمله این پیامبران، حضرت عیسی علیه السلام است. پیامبر خاتم، امیر مؤمنان را به حضرت عیسی علیه السلام تشبیه کرد و فرمود:

ای علی! تو همانند حضرت عیسی علیه السلام هستی؛ عده ای یهودی آن قدر با او دشمنی کردند که به مادرش تهمت های ناشایست زدند، پس هلاک شدند. مسیحیان آن قدر او را دوست داشتند که به او جایگاهی دادند که شایسته آن نبود (او را فرزند خدا خواندند). آنان نیز هلاک شدند.

چنان که علمای بزرگ شیعه و اهل سنّت نقل کرده اند، امیر مؤمنان در ادامه این حدیث فرمود:

ای مردم! آگاه باشید که دو گروه به خاطر من هلاک شوند: یکی آنان که در دوستی من زیاده روی می کنند و گروه دوم کسانی که

۱- مناقب مرتضوی، ص ۳۳.

۲- تفسیر روح المعانی، ج ۱۷، ص ۸۹ .

۳- الدر المنثور، ج ۴، ص ۳۳۹.

۴- بحارالانوار، ج ۳۹، ص ۳۰۷ و ج ۳۶، ص ۱۲۷.

کینه مرا به دل دارند و از سر دشمنی به من تهمت می زنند.(۱)

در حدیث دیگری می خوانیم: پیامبر فرمود:

ای علی! تـو هماننـد عیسی علیه السـلام هستی کـه قـوم او سه گروه شدنـد: گروهی به او ایمـان آوردنـد که پیروان واقعی او (حواریـون) هسـتند. گروه دیگری بـا او دشـمنی کردنـد که یهودنـد و گروه سوم دربـاره او زیـاده روی کردنـد، چنـدان که از پرسـتش خداوند بیرون رفتند و آنان نصارا هسـتند. امت من نیز به سه گروه تقسـیم می شوند: عده ای تو را دوست دارند و در عمل از تو پیروی می کننـد؛ این گروه مؤمناننـد. گروه دیگر با تو دشـمنی می کنند؛ آنان طلحه و زبیر و پیروان آنان (ناکثین)، معاویه و پیروانش (قاسطین) و خوارجند. دسـته سوم درباره تو زیاده روی می کنند که گمراهانند. ای علی! تو و شیعیان تو در بهشت هستید و دشمن تو و کسی که درباره ات زیاده روی کند، دوزخی اند».(۲)

در روایت معتبری که حافظ ابوبکر بن مردوبه و عده ای دیگر نقل کرده اند، پس از آنکه پیامبر حضرت علی علیه السلام را به عیسی علیه السـلام تشبیه کرد، عده ای از منافقان گفتند: راضـی نشد علی را به کسی تشبیه کند، مگر حضرت عیسی. پس این آیه در پاسخ آنان نازل شد:

وَ لَمّا ضُرِبَ ابْنُ مَرْیَمَ مَثَلًا إِذا قَوْمُکَ مِنْهُ یَصِدُّونَ. (زخرف: ۵۷)

وقتی فرزند مریم برای آنان مثل زده شد، آنگاه قوم تو با تو به مجادله می پردازند.

۱- بحارالانوار، ج ۲۵، ص ۲۸۵؛ علی بن حسام الـدین متقی هنـدی، کنزالعمال، بیروت، مؤسسه الرساله، ۱۳۷۲، ج ۱۱، ص ۳۲۴؛ ینابیع الموده، ج ۱، ص ۳۲۸.

۲- بحارالانوار، ج ۹، ص ۲۳۶؛ مناقب مرتضوی، ص ۳۲.

این خلاصه ای بود از مطالبی که علمای بزرگی چون امام احمد حنبل،(۱) محب الدین طبری،(۲) شیخ سلیمان قندوزی حنفی،(۳) شیخ محمد صالح کشفی حنفی،(۴) علامه مجلسی(۵) و ده ها تن دیگر آن را نقل کرده اند.

درود خدا

درود خدا

تاج انعام ولایت بر سرش

خلعت تفسیر قرآن در برش

خداوند متعالی در سوره «صافات» از برخی پیامبران و اولیای الهی نام می برد و بر آنان درود می فرستد و این درود را پاداش کارهای نیک آنان برمی شمرد. از جمله افرادی که خداوند بر آنان سلام کرد، «آل یاسین» است:

سَلامٌ عَلی إِلْ یاسینَ إِنّا کَذلِکَ نَجْزِی الْمُحْسِنینَ. (صافات: ۱۳۰ و ۱۳۱)

سلام بر آل یاسین؛ ما این گونه پاداش نیکوکاران را می دهیم.

بی شک، مقصود از آل یاسین، اهل بیت پیامبر است. احمد بن محمد انصاری قرطبی،(۶) ابی حیان اندلسی،(۷) ابن کثیر دمشقی(۸) و علامه

۱- به نقل از: بحارالانوار، ج ۲۵، ص ۲۸۶.

۲- ذخائر العقبی، ص ۹۲.

۳- ینابیع الموده، ص ۱۰۹.

۴- مناقب مرتضوی، ص ۳۲.

۵- بحارالانوار، ج ۲۵، ص ۲۸۶. برای اطلاع بیشتر نک: احقاق الحق، ج ۳، صص ۳۹۷ _ ۴۱۲.

۶- الجامع الاحکام القرآن، ج ۱۵، ص ۱۱۹.

۷- بحرالمحیط، ج ۷، ص ۳۷۳.

۸- تفسیر ابن کثیر، ج ۴، ص ۲۰.

مجلسی(۱) از جمله کسانی هستند که به این نکته اشاره کرده اند.

ابن حجر از امام فخرالدین رازی نقل کرده است: «اهل بیت پیامبر در پنج چیز با آن حضرت مساوی هستند:

۱. در سلام: برای سلام به پیامبر می گوییم: «اَلسّلامُ عَلیکَ اَیُّها النَّبی وَ رَحْمَهُ اللهِ وَ بَرَکاتُه». برای سلام به خاندان رسول الله صلی الله علیه و آله می گوییم: «سلام علی آل یاسین».

۲. در صلوات: در تشهد نماز به پیامبر و آل او صلوات می فرستیم.

۳. در طهارت و پاکی: قرآن به رسول خدا صلی الله علیه و آله می فرماید: «طه؛ ای طاهر.» (طه: ۱)، درباره خاندان رسول الله نیز می فرماید: «و خداوند شما را پاک گرداند، پاکیزگی نکو». (احزاب: ۳۳)

۴. در حرام بودن صدقه بر آنان.

۵. در محبت و دوستی.(۲)

دشمنی برای خدا

دشمنی برای خدا

در کنار چاه های بدر دو لشکر در مقابل هم ایستاده بودند. لشکر اسلام با سیصد نفر بدون تجهیزات کافی و لشکر کفر با یک هزار نفر و وسایل پیشرفته نظامی. در این میان، سه تن از مردان دلیر لشکر کفر به

۱- بحارالانوار، ج ۲۳، ص ۱۶۸.

۲- الصواعق المحرقه، ص ۸۹، به نقل از: احقاق الحق، ج ۳، ص ۴۵۱.

نام های عتبه، شیبه و ولید با غروری خاص روبه روی سپاه اسلام آمدند و هماورد طلبیدند. سه تن از مسلمانان پیش رفتند، ولی کافران، جنگیدن با این تازه مسلمانان را نپذیرفتند و گفتند: هم شأن ما برای جنگ کسی جز اقوام خودمان نیستند. ازاین رو، امیر مؤمنان، حمزه و عبیده پا به میدان نهادند و خود را معرفی کردند.

علی علیه السلام در برابر ولید قرار گرفت. با اولین ضربه ذوالفقار، دست ولید از بدن جدا شد و ولید راه فرار در پیش گرفت و در میانه راه به هلاکت رسید. حمزه سیدالشهدا و عبیده نیز حریفان خود را کشتند و با این فداکاری، مسلمانان توانستند با حمله ای برق آسا کافران را شکست دهند. پس از پایان جنگ این آیه نازل شد:

هذانِ خَصْمانِ اخْتَصَمُوا فی رَبِّهِمْ فَالَّذینَ کَفَرُوا قُطِّعَتْ لَهُمْ ثِیابٌ مِنْ نارٍ یُصَبُّ مِنْ فَوْقِ رُؤُسِهِمُ الْحَمیمُ یُصْهَرُ بِهِ ما فی بُطُونِهِمْ وَ الْجُلُودُ. (حج: ۱۹ و ۲۰)

این دو [گروه]برای خداوند با هم دشمن شده اند. پس آنان که کافر شدند، برای آنان پیراهن هایی از آتش بریده و از بالای سرشان از آب حمیم جهنم ریخته می شود که با آن، آنچه در شکم آنان است و پوست ها گداخته می شود.

ده ها تن از مفسران و محدثان از جمله مسلم و بخاری چنین نوشته اند:

ابوذر قسم یاد می کرد که این آیه درباره افرادی که در روز بدر در مبارزه درخشیدند، یعنی علی علیه السلام، حمزه و عبیده و دشمنان این سه،

یعنی عتبه، شیبه و ولید نازل شده است.(۱)

در روایت دیگری حضرت علی علیه السلام درباره نزول آیه ۱۹ و ۲۰ سوره حج می فرماید: «این آیه درباره مبارزه ما در بدر نازل شده است. من در روز قیامت، نخستین شخصی خواهم بود که برای دادخواهی نزد پروردگارم زانو می زنم».(۲)

نزول این آیه درباره افراد یاد شده، آن قدر مشهور است که قاضی نورالله شوشتری در کتاب احقاق الحق، شانزده مدرک با ۱۲۳ سند از نوشته های دانشمندان اهل سنّت درباره آن گردآورده است.(۳)

راه راست

راه راست

گر صراط مستقیمی بایدت در راه دین

چاره نبود مر تو را جز مهر حیدر داشتن

تمامی مسلمانان دست کم روزی ده بار در نماز از خداوند می خواهند آنان را به راه راست هدایت کند؛ راه افرادی که به آنان نعمت عطا شده است، نه راه آنان که مورد خشم قرار گرفته اند و نه راه گمراهان.(۴) مفسران و محدثان، «صراط مستقیم» را در قرآن به راه اهل بیت پیامبر تفسیر کرده اند که به برخی از آنها اشاره می کنیم.

علامه ثعلبی به نقل از مفسران صدر اسلام چنین نقل می کند: «صراط

۱- صحیح مسلم، ج ۸، ص ۲۴۵، به نقل از: احقاق الحق، ج ۳، ص ۵۵۲؛ صحیح بخاری، مصر، ج ۶، ص ۱۲۴.
۲- الدر المنثور، ج ۴، ص ۳۴۸.
۳- احقاق الحق، ج ۳، ص ۵۵۲ به بعد.
۴- نک: حمد: ۶ و ۷.

مستقیم یعنی راه محمد صلی الله علیه و آله و خاندان او».(۱)

در روایت دیگری مفسر بزرگ اهل سنّت، وکیع بن جراح از قول ابن عباس در تفسیر آیه «اهْدِنَا الصِّراطَ الْمُسْتَقیمَ»، چنین آورده است: «یعنی مرا به راه دوستی پیامبر و خاندانش هدایت کن».(۲)

در سوره مؤمنون نیز از صراط مستقیم سخن به میان آمده است:

وَ إِنَّکَ لَتَدْعُوهُمْ إِلی صِراطٍ مُسْتَقیمٍ، وَ إِنَّ الَّذینَ لا یُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَهِ عَنِ الصِّراطِ لَناکِبُونَ. (مؤمنون: ۷۳ و ۷۴)

به راستی که تو آنان را به «صراط مستقیم» می خوانی و به تحقیق آنان که به آخرت ایمان ندارند، از این راه رو گردانند.

در اینجا نیز صراط مستقیم به راه پیامبر و آل او تفسیر شده است. دراین باره به ذکر دو روایت بسنده می کنیم: محمد صالح کشفی ترمذی از محدث حنبلی چنین نقل می کند: «مقصود از راه راست در قول خداوند: «آنان که به آخرت ایمان ندارند، از راه راست بیرون می روند»، راه پیامبر و اهل بیت اوست».(۳)

در روایت دیگری که شیخ سلیمان قندوزی حنفی و دیگر مفسران نقل کرده اند، بزرگ مفسر قرآن و امیر مؤمنان، این راه را دوستی خاندان رسالت می داند.(۴)

۱- بحارالانوار، ج ۲۳، ص ۲۱۱.

۲- بحارالانوار، ج ۲۴، ص ۱۶.

۳- مناقب مرتضوی، ص ۴۹، به نقل از: احقاق الحق، ج ۳، ص ۵۵۷.

۴- ینابیع الموده، ص ۱۱۴.

خداوند در سوره انعام، نعمت های الهی را برمی شمرد(۱) و می فرماید:

وَ أَنَّ هذا صِراطی مُسْتَقیمًا فَاتَّبِعُوهُ وَ لاتَتَّبِعُوا السُّبُلَ فَتَفَرَّقَ بِکُمْ عَنْ سَبیلِهِ... . (انعام: ۱۵۳)

این صراط مستقیم من است. پس، از آن پیروی کنید و به دنبال راه های مختلف نروید که از این راه بازمی مانید... .

عده ای از محدثان بزرگ از جمله شیخ ابراهیم ثقفی که از علمای بزرگ اهل سنّت است، چنین نوشته است:

رسول خدا صلی الله علیه و آله وقتی این آیه را خواند، فرمود: «من از خداوند خواستم که این راه مستقیم را برای من قرار دهد».

در روایت دیگری حسن بصری، از دانشمندان مشهور اهل سنّت، در ادامه این آیه آورده است:

این، راه علی بن ابی طالب و فرزندان اوست که راه مستقیم و دین مستقیم است. از آن پیروی کنید که راه روشنی است و کژی در آن، راه ندارد.(۲)

مفسران فرزانه شیعه نیز صراط مستقیم را به راه پیامبر و آل او تفسیر کرده اند.(۳)

دریا دلان

دریا دلان

از جمله آیاتی که نور بر چهره «نور خدا»، علی علیه السلام می تاباند، آیه ای است که از شرح صدر امیر مؤمنان سخن می گوید:

۱- هر چند در این آیات از چیزهایی که بر امت های پیش از اسلام حرام بود، سخن به میان آمده است، ولی آن چیزها بر مسلمانان هم حرام است.

۲- به نقل از: احقاق الحق، ج ۳، ص ۵۴۳.

۳- نورالثقلین، ج ۱، ص ۹۴۴.

أَفَمَنْ شَرَحَ اللّهُ صَدْرَهُ لِلإِسْلامِ فَهُوَ عَلی نُورٍ مِنْ رَبِّهِ فَوَیْلٌ لِلْقاسِیَهِ قُلُوبُهُمْ مِنْ ذِکْرِ اللّهِ أُولئِکَ فی ضَلالٍ مُبینٍ. (زمر: ۲۲)

کسی که خداوند برای اسلام به او شرح صدر عطا فرمود. او با نوری از پروردگار همراه است. پس وای بر کسی که در غفلت از یاد خدا سنگ دل شده است. این گونه افراد در گمراهی آشکار هستند.

مفسران، نزول این آیه را درباره امیرمؤمنان و حمزه سیدالشهدا و دشمنان آنان، یعنی ابولهب و فرزندانش می دانند، چنان که واحدی نیشابوری،(۱) محمد انصاری قرطبی،(۲) علامه احمد طبرسی(۳)، علامه مجلسی(۴) و چندین مفسر دیگر نوشته اند علی علیه السلام و حمزه افرادی هستند که خداوند به آنان شرح صدر عنایت فرمود، و ابولهب و فرزندانش کسانی هستند که در غفلت از یاد خدا، سنگ دل شده اند.

شرط هدایت

شرط هدایت

خداوند مهربان برای آمرزش گناهان چند شرط قرار داده است:

وَ إِنّی لَغَفّارٌ لِمَنْ تابَ وَ آمَنَ وَ عَمِلَ صالِحًا ثُمَّ اهْتَدی. (طه: ۸۲)

کسی که به راستی توبه کند و مؤمن شود و عمل صالح انجام دهد، سپس هدایت گردد، من حتما گناه او را می آمرزم.

امیر مؤمنان علی علیه السلام در روایتی که شیعیان(۵) و اهل سنّت(۶) آن را نقل

۱- اسباب النزول، ص ۲۱۰.

۲- التفسیر القرطبی، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۵ه_ . ق، ج ۱۵، ص ۲۴۷.

۳- ذخائر العقبی، ص ۸۸.

۴- بحارالانوار، ج ۳۵، ص ۳۹۶.

۵- مجمع البیان، ج ۷، ص ۲۳؛ بحارالانوار، ج ۲۴، ص ۶۵.

۶- ینابیع الموده، ص ۱۱۰.

کرده اند، فرمود: «یعنی به ولایت ما هدایت شود».

دم به دم، دم از ولای مرتضی باید زدن

دست دل در دامن آل عبا باید زدن

پیشوایی بایدت جستن ز اولاد رسول

پس قدم مردانه در راه خدا باید زدن(۱)

براساس روایات دیگری که دانشمندانی چون ابن حجر هیثمی مکی،(۲) شیخ سلیمان قندوزی حنفی،(۳) میرمحمد صالح کشفی ترمذی حنفی(۴) و طبرسی(۵) نقل کرده اند، امیر مؤمنان فرمود: «اگر کسی توبه کند، ایمان آورد و عمل شایسته انجام دهد، ولی به ولایت ما هدایت نشده باشد، این کارها او را بی نیاز نخواهد کرد».

گر مهر علی نباشد اندر دل تو

مسکین تو و سعی های بی حاصل تو

سوز دعا

سوز دعا

روز پرشکوه و تاریخی غدیر خم به همان اندازه که برای مؤمنان شادی آور بود، برای منافقان ناگوار بود. آن روز گذشت و آن اجتماع

۱- مخزن الفضائل، ص ۹، شعر از شاه نعمت الله ولی.

۲- الصواعق المحرقه، ص ۱۵۱.

۳- ینابیع الموده، ص ۱۱۰.

۴- مناقب مرتضوی، ص ۲۵.

۵- مجمع البیان، ج ۷، ص ۲۳.

بزرگ در شهرها و روستاها پراکنده شدند و خبر جانشینی علی مرتضی علیه السلام را در تمام سرزمین های اسلامی منتشر کردند.

یکی از منافقان(۱) که پدرش در جنگ بدر به دست حیدر کرار کشته شده بود، از شنیدن این خبر، بسیار خشمگین شد و راه مدینه را در پیش گرفت. وقتی به حضور رسول خدا صلی الله علیه و آله رسید، با ناراحتی گفت: ای محمد! به ما دستور دادی از بت پرستی دست برداریم و به خدای یگانه ایمان آوریم و به پیامبری تو اعتراف کنیم، پذیرفتیم. دستور دادی نماز بخوانیم، قبول کردیم. فرمودی روزه بگیرید و به حج روید، جهاد کنید و زکات بپردازید، همه را انجام دادیم. باز راضی نشدی و اینک این جوان (علی علیه السلام) را بر ما حاکم کردی و گفتی: «هر که من مولای اویم، علی مولای اوست». بگو بدانم این کار از سوی خداوند بوده یا از سوی خودت؟ پیامبر رحمت با مهربانی پاسخ داد: «قسم به خدایی که جز او خدایی نیست، این امر از طرف خداوند بود».

آن مرد درحالی که از ناراحتی سیاه شده بود، از محضر پیامبر بیرون آمد و گفت: خدایا! اگر این سخن واقعا از توست، از آسمان بر سر ما سنگ ببار یا ما را به عذابی دردناک گرفتار کن. و چه زود دعایش مستجاب شد؛ هنوز بر شتر خود ننشسته بود که سنگی چون سنگ هایی

۱- این مرد از اهالی مدینه نبود و مردم مدینه که این حدیث را نقل کرده اند، او را به خوبی نمی شناختند و نام او را نمی دانستند. عده ای او را جابر بن نصر، دسته ای نفر بن حارث، گروهی حارث بن نعمان و گروهی نعمان بن حارث نامیده اند.

که بر سر اصحاب فیل فرود آمده بود، بر سرش فرود آمد و او را به هلاکت رساند. در این هنگام آیات سوره معارج نازل شد:

سَأَلَ سائِلٌ بِعَذابٍ واقِعٍ لِلْکافِرینَ لَیْسَ لَهُ دافِعٌ. (معارج: ۱ و ۲)

سؤال کننده درخواست کرد که عذاب واقع شود؛ عذابی که هیچ چیز نمی تواند آن را از کافران دفع کند... .

داستان فوق و شأن نزول این آیات را بسیاری از علمای بزرگ مانند ابی عبدالله حاکم نیشابوری،(۱) امام ابواسحاق ثعلبی،(۲) ابن صباغ مالکی(۳) و امین الاسلام طبرسی(۴) نقل کرده اند.

اعراف

اعراف

اعراف، مکانی است مرتفع که بهشتیان و دوزخیان از فراز آن دیده می شوند و حایلی است بین بهشت و جهنم. در قرآن کریم آمده است:

... وَ عَلَی ٱلأَعْرافِ رِجالٌ یَعْرِفُونَ کُلًّا بِسیماهُمْ وَ نادَوْا أَصْحابَ الْجَنَّهِ أَنْ سَلامٌ عَلَیْکُمْ... . (اعراف: ۴۶)

... و بر اعراف مردانی هستند که همه را با علامت هایی که دارند می شناسند. اینان به بهشتیان ندا می کنند: سلام بر شما... .

اصبغ بن نباته، از یاران امام مؤمنان می گوید:

۱- المستدرک علی الصحیحین، بیروت، نشر مکتب مطبوعات اسلامی، ج ۲، ص ۵۰۲، تفسیر سوره معارج.

۲- به نقل از: احقاق الحق، ج ۳، ص ۵۸۲.

۳- به نقل از: احقاق الحق، ج ۳، ص ۵۸۲.

۴- مجمع البیان، ج ۱۰، ص ۳۵۲.

نزد علی علیه السلام بودم که شخصی به نام ابن الکواء به محضر ایشان آمد و پرسید این مردان چه کسانی هستند؟ علی علیه السلام فرمود: «وای بر تو ای ابن الکواء! ما در روز قیامت بین بهشت و دوزخ ایستاده ایم. هر کس دوستدار ما باشد، او را از چهره اش می شناسیم و او را داخل بهشت می کنیم. هر کس نیز دشمن ما باشد، او را از چهره اش می شناسیم و او داخل دوزخ می شود».(۱)

شیخ سلیمان قندوزی که این حدیث از او نقل شده است، در ادامه با سندی دیگر، سخن مولای متقیان را چنین نقل می کند:

اعراف ما هستیم که خداوند از راه شناخت ما شناخته می شود... اگر خداوند اراده می کرد خود را به مردم می شناساند، ولی ما را وسیله توجه به خود قرار داد. پس کسی که از ولایت بیرون رود یا دیگری را برتر از ما بشناسد، [از راه راست بازگشته و] دوزخی است.(۲)... مردم به سوی چشمه های تیره ای رفته اند که آب تیره از یکی وارد دیگری می شود، اما کسی که به سوی ما بیاید، به چشمه های صافی دست یافته که به امر پروردگار جاری شده است؛ نه تمام می شود و نه قطع می گردد.(۳)

دل اگر خداشناسی همه در رخ علی بین

به علی شناختم من به خدا قسم خدا را

در حدیثی دیگر، سلمان فارسی می گوید:

بیش از ده بار از رسول خدا صلی الله علیه و آله شنیدم که به امیر مؤمنان فرمود: «ای علی! تو و امامان که از فرزندان تو هستند، «اعراف» بین بهشت و

۱- الغدیر، ج ۵، ص ۲۲۵.

۲- به آیه ۷۴ سوره مؤمنون اشاره دارد.

۳- ینابیع الموده، ج ۱، ص ۳۰۴.

جهنمید. تنها کسـی که شما را بشناسد و شما نیز او را بشناسید، داخل بهشت می شود، و داخل جهنم نمی شود، مگر کسی که منکر شما باشد و شما او را انکار کنید». (۱)

این خلاـصه ای بـود از آنچه افرادی چـون ابن حجر هیثمی مکی، شـیخ سـلیمان قنـدوزی حنفی، کشـفی ترمـذی حنفی و امین الاسلام طبرسی با عبارت های گوناگون از علی علیه السلام و فرزندان پاکش نقل کرده اند.

در شجاعت شیر ربّانیستی

در شجاعت شیر ربّانیستی

در قرآن کریم می خوانیم:

... فَسَوْفَ يَأْتِی اللّهُ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَ يُحِبُّونَهُ أَذِلَّهٍ عَلَی الْمُؤْمِنِينَ أَعِزَّهٍ عَلَی الْكـافِرِينَ يُجاهِـدُونَ فی سَبِيـلِ اللّهِ وَ لايَخافُونَ لَوْمَهَ لائِمٍ ذلِكَ فَضْلُ اللّهِ يُؤْتيهِ مَنْ يَشاءُ وَ اللّهُ واسِعٌ عَليمٌ. (مائده: ۵۴)

... به زودی خداونـد قـومی را برمی انگیزد که آنـان را بسـیار دوست دارد و آنـان نیز دوسـتدار پروردگارنـد. دربـاره مؤمنـان، فروتن و در برابر کـافران، سـرافراز و مقتدرنـد. در راه خداونـد جهاد می کننـد و از نکوهش هیـچ کس بیم ندارنـد. این فضـل خداوند است که به هر که بخواهد، می دهد و رحمت خداوند وسیع و او داناست.

یهودیان با شکسـتن پیمان هایی که با پیامبر بسـته بودند، با دشمنان خداوند و رسول متحد شدند. ازاین رو، رسول الله صلی الله علیه و آله بـا آنـان به نبرد پرداخت. از جمله این یهودیان، یهودیان خیبر بودنـد. پیامبر در جلسه شورای فرمانـدهی فرمود: «فردا پرچم را به دست کسی می دهم که او

۱- ینابیع الموده، ج ۱، ص ۳۰۴.

خداوند و پیامبرش را دوست دارد و پروردگار و رسولش او را دوست دارند؛ کسی که از جنگ نمی گریزد».

فردای آن روز رسول خدا صلی الله علیه و آله پرچم را به دست ساقی کوثر، علی علیه السلام سپرد. ایشان در نخستین حمله، بسیاری از یهودیان مانند مرحب خیبری و برادرش را به قتل رساند. سپس هنگامی که دشمنان به دژ خود پناهنده شدند، با قدرت الهی درِ دژ را از جا کند و پس از شکست دشمن، پیروزمندانه بازگشت.

مورخان، محدثان و مفسرانی که از نبرد خیبر سخن رانده اند، این حدیث را درباره امیر مؤمنان می دانند. بسیاری از مفسران بزرگ، شأن نزول آیه یاد شده را در جریان نبرد خیبر و فداکاری مولای متقیان ذکر کرده اند که می توان به ابی حیان اندلسی،(۱) طبرسی(۲) و امام فخرالدین رازی(۳) اشاره کرد.

امام فخر رازی در این باره می نویسد:

عده ای بر اینکه این آیه درباره علی علیه السلام نازل شده است، دو دلیل آورده اند: یکی اینکه رسول خدا صلی الله علیه و آله در نبرد چنین فرمود: «فردا پرچم را به دست کسی می دهم که او خدا و رسول را دوست دارد و... .» و آن شخص کسی جز علی علیه السلام نبود و این همان مطلبی است که در آیه از آن سخن رفته است. پس ثابت می شود که مقصود از آیه، علی علیه السلام است. دیگر اینکه بعد از این آیه خداوند

۱- بحر المحیط، ج ۳، ص ۵۱۱.

۲- مجمع البیان، ج ۳، ص ۲۰۸.

۳- تفسیر کبیر، ج ۱۲، ص ۲۰.

می فرماید: «سرپرست شما خداوند و پیامبرش و کسانی هستند که ایمان آورده و در حال رکوع صدقه می دهند.»(مائده: ۵۵) این آیه نیز درباره علی علیه السلام است. بنابراین، سیاق آیه نشان می دهد که آیه قبلی نیز درباره علی علیه السلام است.(۱)

البته باید گفت دلیل شیعیان تنها دو مطلب فوق نیست، بلکه همچنین روایاتی است که مفسران بزرگ صدر اسلام چون حذیفه، عمار، ابن عباس و فرزندان رسول خدا، امام باقر علیه السلام و امام صادق علیه السلام در تفسیر این آیه فرموده و مفسران شیعه و اهل سنّت آن را نقل کرده اند.

بنا بر روایتی پس از نزول این آیه، پیامبر دست به پشت سلمان زد و فرمود: «آنان سلمان و قوم او هستند.» در این صورت چون سلمان از شیعیان امیر مؤمنان بود و قوم او و یعنی ایرانیان نیز از پیروان علی علیه السلام هستند، پس ثابت می شود مولای متقیان، پیشوای کسانی است که خدا و رسول را دوست دارند و پروردگار و پیامبرش هم آنان را دوست دارند.(۲)

خاندان پاک

خاندان پاک

آنگاه که پیامبر رحمت، اتاق کوچک ام سلمه را با وجود نورانی خویش منور ساخته بود، جبرئیل با این پیام نازل شد:

... إِنَّما یُرِیدُاللّهُ لِیُذْهِبَ عَنْکُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَیْتِ وَ یُطَهِّرَکُمْ تَطْهیرًا. (احزاب:۳۳)

... اراده الهی بر این تعلق گرفته است که پلیدی را از شما دور کند و

۱- تفسیر کبیر، ج ۱۲، ص ۲۰.

۲- برای اطلاع بیشتر نک: احقاق الحق، ج ۳، ص ۱۹۷.

کاملاً شما را پاک گرداند.

رسول خدا صلی الله علیه و آله، علی مرتضی علیه السلام، فاطمه زهرا علیهاالسلام، امام حسن مجتبی علیه السلام و سیدالشهدا علیه السلام را فرا خواند و در زیر عبایی گرد آورد. سپس فرمود:

خدایا! اینان اهل بیت من هستند. پلیدی را از آنان دور کن و ایشان را پاکیزه گردان.(۱) خدایا! اینان آل محمدند. درودها و برکات خود را بر آل محمد فرو فرست که تو ستوده و بزرگواری.(۲)

ام سلمه، همسر رسول خدا صلی الله علیه و آله که شاهد این جریان بود، خواست با اهل بیت همراه شود، ولی پیامبر اجازه نداد و فرمود: «تو جایگاه خودت را داری؛ از همسران پیامبر و از خوبان هستی».(۳)

روایت کرده اند حضرت رسول به مدت شش ماه وقتی از نماز صبح بازمی گشت، آنگاه که به خانه فاطمه زهرا علیهاالسلام می رسید، می فرمود: «رحمت خداوند بر شما باد. پروردگار می خواهد پلیدی را از شما دور و شما را کاملاً پاک کند».

راویان، مفسران و مورخان بی شماری این روایات و تفسیر آن را

۱- مستدرک حاکم، ج ۲، ص ۴۱۶؛ عزالدین ابن الاثیر جوزی، اسدالغابه، دارالشعب، ج ۲، ص ۱۲؛ محمد بن طلحه نصیبی، مطالب السؤول فی مناقب آل الرسول، فرهادمیرزا، ۱۲۸۷ه_ . ق، تهران، ص ۸؛ یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستیعاب، حیدرآباد دکن، دائره المعارف النظامیه، ۱۳۳۶ ه_ . ق، ج ۲، ص ۴۶۰؛ حمزه بن یوسف سهمی، تاریخ جرجان، بیروت، عالم مکتب، ۱۴۰۷ ه_ . ق، ص ۴۶؛ و... .

۲- به نقل از: ذخائر العقبی، ص ۲۱.

۳- مستدرک حاکم، ج ۲، ص ۴۱۶؛ اسدالغابه، ج۲، ص ۱۲؛ مطالب السؤول فی مناقب آل الرسول، ص ۸؛ الاستیعاب، ج ۲، ص ۴۶۰؛ تاریخ جرجان، ص ۴۶.

نقل کرده اند. تنها در کتاب احقاق الحق، حدود هشتاد منبع آن از کتاب های اهل سنّت گردآوری شده است.(۱)

در تفسیر آیه: «وَ أْمُرْ أَهْلَکَ بِالصَّلاهِ وَ اصْطَبِرْ عَلَیْها؛ اهل خانه خودت را به نماز وادار و بر آن پایدار باش» (طه: ۱۳۲) نیز آورده اند که پس از نزول این آیه، پیامبر به مدت شش ماه هنگام نماز صبح به در خانه امیرمؤمنان می آمد و می فرمود: «رحمت خدا بر شما باد! وقت نماز است. خداوند می خواهد پلیدی را از شما دور کند و کاملاً پاکتان سازد».(۲)

دشمنان علی علیه السلام مورد لعن خدا

دشمنان علی علیه السلام مورد لعن خدا

خداوند متعالی به مؤمنان فرمان می دهد بر پیامبر خدا صلوات فرستند(۳) و پیامبر نیز به مؤمنان دستور می دهد همراه صلوات بر پیامبر، بر آل او نیز صلوات فرستند و مردم را از صلوات ناتمام بازمی دارد.

خداوند منان پس از اینکه مسلمانان را از آزار رسول خدا صلی الله علیه و آله و وصی او، علی مرتضی علیه السلام بازمی دارد می فرماید:

إِنَّ الَّذینَ یُؤْذُونَ اللّهَ وَ رَسُولَهُ لَعَنَهُمُ اللّهُ فِی الدُّنْیا وَ الْآخِرَهِ وَ أَعَدَّ لَهُمْ عَذابًا مُهینًا وَ الَّذینَ یُؤْذُونَ الْمُؤْمِنینَ وَ الْمُؤْمِناتِ بِغَیْرِ مَا اکْتَسَبُوا فَقَدِ احْتَمَلُوا بُهْتانًا وَ إِثْمًا مُبینًا. (احزاب: ۵۷ و ۵۸)

کسانی که خدا و رسول او را آزار دهند، خداوند در دنیا و آخرت بر آنان لعنت فرستاده و برایشان عذابی دردناك فراهم آورده است و

۱- احقاق الحق، ج ۲، صص ۵۰۲ ـ ۵۶۲.

۲- کفایه الطالب، ص ۳۷۷.

۳- «إِنَّ اللّهَ وَ مَلائِکَتَهُ یُصَلُّونَ عَلَی النَّبِیِّ یا أَیُّهَا الَّذینَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَیْهِ وَ سَلِّمُوا تَسْلیمًا». احزاب: ۵۶

کسانی که مردان و زنان مؤمن را بدون آنکه گناهی داشته باشند، آزار می دهند، بهتان سنگینی به دوش کشیده و گناهی بزرگ مرتکب شده اند.

به گفته مفسران بزرگ قرآن، این آیه درباره حضرت علی علیه السلام نازل شده است؛ زیرا منافقان، آن حضرت را آزرده و او را تکذیب می کردند. از میان مفسرانی که این تفسیر را آورده اند، می توان به محمد انصاری قرطبی،(۱) بیضاوی،(۲) علامه طبرسی،(۳) خازن بغدادی(۴) و واحدی(۵) اشاره کرد.

در روایت معتبری آمده است:

... مولای متقیان، علی علیه السلام مقداری از موی خود را گرفت و گفت: پیامبر درحالی که موی خودش را گرفته بود، فرمود: «ای علی! هر کس به یک تار موی تو آسیب برساند، مرا آزرده است و هر که مرا اذیت کند، خدا را آزرده است و هر که خدا را اذیت کند، لعنت خداوند برای اوست».(۶)

کعبه ایمان

کعبه ایمان

ایزد متعال به رسول خود می فرماید:

۱- الجامع الاحکام القرآن، ج ۱۴، ص ۲۴۰.

۲- عبدالله بن عمر بیضاوی، تفسیر بیضاوی، دارالفکر، بیروت، ۱۳۸۴، ج ۴، ص ۴۷.

۳- مجمع البیان، ج ۴، ص ۳۷۰، جزء ۸.

۴- التفسیر الخازن، ج ۵، ص ۲۲۷.

۵- اسباب النزول، ص ۲۷۳.

۶- « ...حدثنی الحسین بن علی علیه السلام وَ هُوَ آخِذٌ بِشَعْرِهِ قالَ حَدَّثَنی عَلی بْنِ ابی طالِبٍ علیه السلام وَ هُوَ آخِذٌ بِشَعْرِهِ قالَ حَدَّثَنی رَسُولُ اللهِ صلی الله علیه و آله وَ هُوَ آخِذٌ بِشَعْرِهِ فَقالَ: مَنْ آذی شَعْرَةً مِنْکَ فَقَد آذانی وَ مَنْ آذانی فَقَد آذی اللهِ وَ مَنْ آذی اللهَ فَعَلَیْهِ لَعْنَهُ الله». مجمع البیان، ج ۸، ص ۵۸۰.

وَ إِنْ يُرِيدُوا أَنْ يَخْدَعُوكَ فَإِنَّ حَسْبَكَ اللّٰهُ هُوَ الَّذِی أَيَّدَكَ بِنَصْرِهِ وَ بِالْمُؤْمِنِينَ. (انفال: ۶۲)

اگر دشمنان به فکر فریب تو باشند، مطمئن باش خداوند تو را کفایت می کند. اوست که به نصرت خود و یاری مؤمنان تو را پیروز کرد.

بزرگ ترین مفسر قرآن، رسول عالمیان، در این باره می فرماید: «شبی که به معراج رفتم، بر عرش چنین نوشته شده بود: هیچ خدایی جز اللّه نیست و محمد صلی الله علیه و آله رسول خداوند است و او را با یاری علی پیروز کردم.» علامه جلال الدین سیوطی پس از نقل این روایت، ادامه می دهد که این فرموده پیامبر، همان معنای آیه است که خداوند می فرماید: «اوست که به نصرت خود و یاری مؤمنان تو را پیروز کرد.»(۱) افزون بر سیوطی، این حدیث را بسیاری از فرزانگان خاصه و عامه نقل کرده اند که برای نمونه می توان به علامه مجلسی،(۲) گنجی شافعی(۳) و قندوزی حنفی(۴) اشاره کرد.

پیروان رسول

پیروان رسول

در ادامه آیه پیشین، خداوند به محبت و الفتی که بین مؤمنان برقرار کرده است، اشاره می کند و سپس می فرماید:

یا أَيُّهَا النَّبِیُّ حَسْبُكَ اللّٰهُ وَ مَنِ اتَّبَعَكَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ. (انفال: ۶۴)

ای پیامبر! برای حمایت تو خداوند و مؤمنانی که از تو پیروی می کنند، کافی است.

۱- الدر المنثور، ج ۳، ص ۱۹۹.

۲- بحارالانوار، ج ۲۷، ص ۲.

۳- کفایه الطالب، ص ۱۱۰.

۴- ینابیع الموده، ص ۹۴.

چنان که بعضـی از مفسـران اهل سنّت گفته اند، مفسران اتفاق نظر دارند که در این آیه مقصود از مؤمنانی که پیرو رسول خدا صلی الله علیه و آله هسـتند، علی علیه السـلام است. از میان افرادی که به این تفسیر اشاره کرده اند، می توان به مفسر و محدث حنبلی، عزالدین عبدالرزاق،(۱) علامه کشفی ترمذی،(۲) حافظ ابونعیم اصفهانی(۳) و علامه مجلسی(۴) اشاره کرد.

رسوایی منافقان

رسوایی منافقان

عبدالله بن ابی، سـرکرده منافقان، روزی در مدینه به امیر مؤمنان برخورد و شـروع به چاپلوسـی کرد. مولای متقیان که او را می شناخت، فرمود: «ای عبدالله! تقوا پیش گیر و نفاق را کنار بگذار.» عبدالله گفت: ای اباالحسن! آرام باش. به خدا قسم که ایمان ما مثل ایمان شـماست. علی علیه السـلام چیزی نگفت و به راه خود ادامه داد. وقتی او دور شد، عبدالله رو به دیگر منافقان کرد و پرسید: کار من چطور بود؟ همکارانش او را ستایش کردند، ولی خداوند از چهره آنان پرده برداشت و این آیه نازل شد:

وَ إِذا لَقُوا الَّذینَ آمَنُوا قـالُوا آمَنّا وَ إِذا خَلَوْا إِلی شَـیاطینِهِمْ قـالُوا إِنّا مَعَکُمْ إِنَّمـا نَحْنُ مُسْـتَهْزِؤُنَ اللّهُ یَسْـتَهْزِئ بِهِمْ وَ یَمُـدُّهُمْ فی طُغْیانِهِمْ یَعْمَهُونَ. (بقره: ۱۴ و ۱۵)

۱- احقاق الحق، ج ۳، ص ۱۹۶.

۲- مناقب مرتضوی، ص ۵۴.

۳- الغدیر، ج ۲، ص ۵۱.

۴- بحارالانوار، ج ۳۶، ص ۵۱.

[منافقـان] چون به مؤمنان می رسـند، می گوینـد: ما هم ایمان آورده ایم، ولی وقتی با شـیاطین [و هم فکران خودشان]تنها می مانند، می گویند: آنان را مسخره کردیم. خداوند آنان را مسخره کرده و رهایشان می کند تا در گمراهی خود حیران بمانند.

محمـد حنفیـه در تفسـیر این آیه می گویـد: «منافقـان گفتنـد: مـا علی بن ابی طـالب را مسـخره کردیم. پس خداونـد نیز آنـان [منافقان] را مسخره می کند؛ یعنی در آخرت عقوبت مسخره کردن امیر مؤمنان را به آنان می دهد».(۱)

از میان مفسرانی که این تفسیر را نقل کرده اند، می توان به ثعلبی، هذیل و مجاهد(۲) اشاره کرد. همچنین گنجی شافعی(۳) و علامه مجلسی(۴) نیز این تفسیر را از ابن عباس نقل کرده اند.

یگانه مؤمن

یگانه مؤمن

در قرآن کریم می خوانیم:

الَّذینَ آمَنُوا وَ لَمْ یَلْبِسُوا إیمانَهُمْ بِظُلْمٍ أُولئِکَ لَهُمُ الْأَمْنُ وَ هُمْ مُهْتَدُونَ. (انعام: ۸۲)

مؤمنانی که ایمان خود را به ستم نیالودند، آنان در امنیت بوده و به حقیقت هدایت یافته اند.

۱- یعقوب جعفری، سیمای امـام علی علیه السـلام در قرآن، انتشارات اسوه، ۱۳۸۱، ص ۴۱؛ عبیدالله حسـکانی، شواهد التنزیل قواعد التفضیل، تهران، انتشارات وزارت ارشاد اسلامی، ۱۴۱۱ هـ . ق، ج ۱، ص ۹۴.

۲- احقاق الحق، ج ۳، ص ۵۳۵.

۳- کفایه الطالب، ص ۲۱.

۴- بحارالانوار، ج ۳۶، ص ۱۲۲.

مفسران معتقدند این آیه درباره مولای متقیان نازل شده است، چنان که ابن عباس می گوید:

این آیه مختص علی علیه السلام است. به خدا قسم هیچ کس به پیامبر ایمان نیاورد، مگر بعد از آنکه مدتی مشرک بود، به جز امیر مؤمنان علی علیه السلام که حتی یک لحظه هم مشرک نبود.

ابوبکر شیرازی در ادامه حدیث فوق نقل می کند که آنگاه ابن عباس این آیه را خواند: «أُولئِکَ لَهُمُ اْلأَمْنُ».(۱)

در روایت دیگری می خوانیم که ابان بن تغلب از امام باقر علیه السلام تفسیر این آیه را پرسید، حضرت فرمود:

ما معتقدیم این آیه درباره امیر مؤمنان علی علیه السلام و اهل بیت او نازل شده است؛ زیرا آنان بودند که حتی یک چشم بر هم زدن هم مشرک نشدند و لات و عزّی را نپرستیدند. او نخستین شخصی بود که با پیامبر نماز خواند و اولین کسی بود که پیامبر را تصدیق کرد. پس این آیه درباره او نازل شده است.(۲)

باب سلم

باب سلم

خداوند در سوره بقره، از جانبازی بهترین سرباز اسلام، فرمانده مؤمنان و مولای متقیان در «لیله المبیت» یاد کرده است، سپس به مؤمنان دستور می دهد:

یا أَیُّهَا الَّذینَ آمَنُوا ادْخُلُوا فِی السِّلْمِ کَافَّهً وَ لاتَتَّبِعُوا خُطُواتِ الشَّیْطانِ إِنَّهُ لَکُمْ عَدُوٌّ مُبینٌ. (بقره: ۲۰۸)

۱- احقاق الحق، ج ۳، ص ۵۴۳.

۲- بحارالانوار، ج ۲۳، ص ۳۶۷.

ای کسانی که ایمان آورده اید! همگی در «سلم» داخل شوید و از وسوسه های شیطان پیروی نکنید که او برای شما دشمنی آشکار است.

بسیاری از مفسران صدر اسلام و آنان که قرآن و تفسیر آن را از زبان پیامبر شنیده بودند، در تفسیر این آیه آورده اند که مراد از «سلم»، ولایت علی علیه السلام است.

چنان که علامه قندوزی حنفی در روایتی به نقل از زوج بتول و برادر رسول آورده است که:

آگاه باشید! پرچمی که آدم با آن به زمین فرود آمد و تمام آنچه پیامبران اولین و آخرین به واسطه آن فضیلت یافتند، در عترت و خاندان خاتم رسولان جمع است. کدام راه را برگزیده اید؟ کجا می روید؟ درحالی که در میان شما افرادی هستند چون اصحاب کهف که مَثَل آنان چون باب حطه(۱) است و آنان دَرِ سلم هستند که خداوند می فرماید: «همگی از در سلم داخل شوید».(۲)

از میان دیگر دانشمندان بزرگواری که این تفسیر را نقل کرده اند، می توان به حافظ ابونعیم،(۳) حاکم(۴) و علامه طبرسی(۵) اشاره کرد. البته باید

۱- باب حطه، یکی از درهای شهر بیت المقدس است و حطه به معنای طلب بخشش گناهان نیز آمده است که به بنی اسرائیل دستور داده شد برای آنکه توبه آنها قبول شود، سجده کنان وارد قریه بیت المقدس شوند و طلب بخشش کنند. برای اطلاع بیشتر نک: تفسیر نمونه، ج ۱، ص ۱۸۲ و تفسیر آیه ۵۸ سوره بقره از دیگر تفاسیر.

۲- ینابیع الموده لذوی القربی، ج ۱، ص ۳۳۲.

۳- احقاق الحق، ج ۳، ص ۵۳۶.

۴- ینابیع الموده، ص ۱۱۱.

۵- مجمع البیان، ج ۲، ص ۳۰۲.

گفت تقریبا تمامی تفاسیر شیعه این معنا را به نقل از درِ علم رسول خدا صلی الله علیه و آله و فرزندان گرامی اش نقل کرده اند.(۱)

که من شهر علمم علی ام در است

درست این سخن قول پیغمبر است

برای «سلم» معانی دیگری چون اسلام و تسلیم خداوند بودن نیز بیان شده است که امیر مؤمنان علی علیه السلام، امیر آن معانی است.

شاخه طوبی

شاخه طوبی

الَّذینَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصّالِحاتِ طُوبی لَهُمْ وَ حُسْنُ مآبٍ. (رعد: ۲۹)

خداوند به آنان که ایمان آورده و عمل صالح انجام داده اند، «طوبی» و نیکوترین فرجام ها را وعده می دهد.

حال باید پرسید که منظور از «طوبی» چیست؟

در تفسیر «طوبی» روایات زیادی در کتاب های عامه و خاصه آمده است. علامه انصاری قرطبی(۲) و قندوزی حنفی(۳) در روایتی آورده اند که عده ای از رسول خدا صلی الله علیه و آله پرسیدند: طوبی که در قرآن آمده یعنی چه؟ ایشان فرمود: «طوبی درختی است که اصل آن در خانه من است و شاخه های آن در بهشت». دیگر بار پرسیدند، فرمود: «آن درختی است که اصل آن در خانه علی علیه السلام و شاخه های آن در بهشت است.» گفتند: یا رسول الله! بار اول که پرسیدیم، فرمودید: اصل آن در خانه من است

۱- نک: بحارالانوار، ج ۲۴، باب اِنَّ السِّلَمَ الْوَلایَه، ص ۱۹۵.

۲- الجامع الاحکام القرآن، ج ۹، ص ۳۱۷.

۳- ینابیع الموده، ص ۱۳۱.

و این بار فرمودید در خانه علی؟ اشرف مخلوقات فرمود: «آری، چون خانه من و علی در بهشت یکی است».

در روایت دیگری که آن را عالمان برجسته عامه همچون کشفی ترمذی(۱)، سیوطی(۲) و دانشوران نامی خاصه چون علامه مجلسی(۳) و دیگران نقل کرده اند، می خوانیم: «طوبی درختی است که اصل آن در خانه علی علیه السلام و شاخه های آن در خانه های بهشتیان است و هیچ خانه بهشتی نمی یابی، مگر آنکه شاخه ای از آن درخت در آن خانه است.» این گفتار را با کلامی از علامه طباطبایی رحمه الله به پایان می آوریم:

طوبی که مهم ترین درخت بهشت است، سنبل و علامت پاکیزگی، فرح و چشم روشنی، خیر و کرامت، گوارایی، نیکی و تمام خوبی هاست که چنان که گفتیم، اصل این خوبی ها در خانه رسول خدا صلی الله علیه و آله و علی مرتضی علیه السلام است و شاخه های آن در خانه تمام بهشتیان که از آن استفاده می کنند و این گونه است که بقیه معانی که از طوبی شده است، به یک معنا برمی گردد.(۴)

نخستین پیروان

نخستین پیروان

در هنگامه ای که قتل و غارت و خشونت و وحشی گری، گریبان گیر جامعه عرب بود، خورشید هدایت و ایمان در شب عربستان درخشید.

۱- مناقب مرتضوی، ص ۵۸.

۲- الدر المنثور، ج ۴، ص ۵۹.

۳- بحارالانوار، ج ۸، صص ۱۴۳ و ۱۵۰.

۴- سید محمدباقر موسوی همدانی، ترجمه تفسیر المیزان، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۷۴، ج ۱۱، ص ۳۵۷. همچنین برای اطلاع بیشتر نک: تفسیر نمونه، ج ۱۰، ص ۲۱۰.

در آن حال تنها دو قمر به دور آن به گردش درآمدند که نخستینِ آن، اولینْ امام مؤمنان بود. خداوند در قرآن هرگاه که سخن از مؤمنان می شود، این مؤمن را می ستاید. از جمله در آیه ای می فرماید:

وَ السّـٰابِقُونَ الْأَوَّلُونَ مِنَ الْمُهاجِرِينَ وَ الْأَنْصارِ وَ الَّذينَ اتَّبَعُوهُمْ بِإِحْسانٍ رَضِيَ اللّهُ عَنْهُمْ وَ رَضُوا عَنْهُ وَ أَعَدَّ لَهُمْ جَنّاتٍ تَجْرى تَحْتَهَا الْأَنْهارُ خالِدينَ فيها أَبَدًا ذلِكَ الْفَوْزُ الْعَظيمُ. (توبه: ۱۰۰)

کسانی از مهاجران و انصار که از نخستین مؤمنان بودند و افرادی که در نیکی از آنان پیروی کردند، خداوند از آنان راضی است و آنان نیز از پروردگار خویش خشنودند. پروردگارشان برای آنان بهشت هایی با نهرهای روان فراهم کرده است که در آن بهشت ها برای همیشه جاودانند و این، کامیابی بزرگ است.

مفسران شیعه و سنّی در تفسیر این آیه، نخستین مؤمن را معرفی کرده اند، چنان که حاکم، از دانشمندان اهل سنّت، می نویسد: «هیچ اختلافی بین تاریخ نویسان وجود ندارد که علی علیه السلام اولین مسلمان است.»(۱) علامه ثعلبی و دیگر دانشمندان عالی قدر در روایتی آورده اند که مولای متقیان فرمود:

برادر رسول خدا صلی الله علیه و آله من هستم و منم صدیق اکبر و کسی این صفت را به جز برای من نمی آورد و بعد از من کسی را به این صفت نمی خواند، مگر دروغ گوی تهمت زننده. من هفت سال پیش از اینکه دیگران مسلمان شوند، اسلام آوردم.(۲)

به جز ثعلبی، افرادی چون قرطبی،(۳) حاکم نیشابوری،(۴) هیثمی،(۵)

۱- الجامع الاحکام القرآن، ج ۸، ص ۲۳۶.

۲- احقاق الحق، ج ۳، ص ۳۸۶؛ بحارالانوار، ج ۳۸، ص ۲۳۹.

۳- الجامع الاحکام القرآن، ج ۸، ص ۲۳۶.

۴- الجامع الاحکام القرآن، ج ۸، ص ۲۳۶.

۵- الصواعق المحرقه، ص ۱۵۹.

ابن تیمیّه(۱) و تمامی دانشمندان شیعه، مولای متقیان را اولین مؤمن دانسته اند.

بت شکن

بت شکن

در سال هشتم هجری پیامبر برای پاک سازی خانه خدا از آثار پلید کفار، با سپاه دوازده هزار نفری خود به سوی شهر مکه حرکت کرد. این حرکت چنان پنهانی انجام شد که تا هنگام رسیدن لشکر اسلام به نزدیک مکه، مشرکان کینه توز از آن اطلاعی نداشتند. ازاین رو، نتوانستند با مسلمانان مبارزه کنند و مکه بدون خون ریزی فتح شد. پس از فتح مکه، پیامبر به سوی مسجدالحرام حرکت کرد و با چوب دستی خویش به شکستن بت ها و پاک کردن خانه خدا از آلودگی ها پرداخت. لحظاتی بعد، مظاهر قدرت و ثروت مشرکان، زیر پای مسلمانان لگدکوب شد و تنها چند بت بزرگ که بر فراز خانه کعبه نصب شده بودند، خودنمایی می کردند.

حضرت محمد صلی الله علیه و آله به علی علیه السلام دستور داد بر شانه وی قدم نهد و بت ها را به زیر افکند. مولای متقیان در این باره می فرماید:

[آن روز] پیامبر به من فرمود: «بنشین». من در کنار کعبه نشستم. او قدم بر کتف من نهاد و فرمود: «بلند شو.» وقتی دید نمی توانم، دستور داد بنشینم و او پایین آمد. سپس فرمود: «قدم بر شانه من گذار و هبل را به زیر افکن.» قسم به آن که دانه را شکافت و گیاهان را رویاند، وقتی

۱- علی حسینی، رأس الحسین، دارالکتب، قم، ۱۳۸۲، ص ۲۳.

پیـامبر مرا بلنـد کرد، گویا به بلنـدای آسـمان رسـیده بودم و از آنجا بر فراز کعبه رفتم. مشـرکان، هبل را با آهن و مس محکم کرده بودنـد. من آن را کنـدم و به دسـتور پیامبر از بالای کعبه به زیر افکنـدم. آنگاه این آیه نازل شـد: «وَ قُلْ جاءَ الْحَقُّ وَ زَهَقَ الْباطِلُ إِنَّ الْباطِلَ کانَ زَهُوقًا؛ بگو حق آمد و باطل از بین رفت. به درستی که باطل از بین رفتنی است». (اسراء: ۸۱)

علامه ابوبکر شیرازی،(۱) شیخ موفق بن احمد(۲) و علامه مجلسی(۳) به نزول این آیه به گونه ای که بیان شد، تصریح کرده و چـون امـام احمـد حنبـل،(۴) حـاکم نیشـابوری،(۵) محب الـدین طبری،(۶) متقی هنـدی،(۷) خطیـب بغـدادی،(۸) خطیب خوارزمی(۹) و بزرگانی دیگر، جریان بت شکنی علی علیه السلام را یادآور شده اند.

نور بر نور

نور بر نور

در سوره نور آمـده است: «خداونـد نور آسـمان ها و زمین است.» آنگاه نور خداونـد به چراغ دانی تشبیه شده است که در آن چراغی روشن افروخته شده؛ چراغی در آینه چون ستاره درخشان که از درخت پربرکت زیتون

۱- به نقل از: احقاق الحق، ج ۳، ص ۵۵۰.

۲- به نقل از: شهاب الدین ابن معتوق، غایه المرام، قم، انوارالهدی، ۱۳۷۴، ص ۴۳۰.

۳- بحارالانوار، ج ۳۸، ص ۷۶.

۴- مسند حنبل، ج ۱، صص ۸۴ و ۱۵۱.

۵- مستدرک، ج ۲، ص ۳۶۶.

۶- احمد بن عبدالله محب الدین طبری، ریاض النظره، بیروت، دارالکتب العلمیه، ج ۲، ص ۲۰۰.

۷- کنزالعمال، ج ۶، ص ۴۰۷.

۸- تاریخ بغداد، ج ۱۳، ص ۳۰۲.

۹- خطیب خوارزمی، مناقب، قم، مؤسسه النشر اسلامی، ۱۴۱۱ه . ق، چ ۲، ص ۱۲۳.

برافروخته شده است، نه شرقی و نه غربی، نوری است که بدون سوزندگی آتش روشنی می بخشد؛ نوری بر نور. در ادامه نیز آمده است: «خداوند هر که را بخواهد به نور خودش هدایت می کند و این مثال ها را خداوند برای مردم می آورد و خداوند به هر چیز داناست».(۱)

لازم است بدانیم خداوند این مثال را برای چه آورده است و مقصود از چراغ دان و چراغ در این آیه چیست؟ در روایتی که دانشمندان مسلمان چون علامه ابن مغازلی شافعی،(۲) علامه ابوبکر خضرمی(۳) و علامه مجلسی(۴) آورده اند، مقصود از چراغ دانی که در آن چراغ های روشن افروخته شده است، فاطمه زهرا علیهاالسلام و مقصود از چراغ هایی که چون ستاره درخشان نور می دهند، امام حسن و امام حسین علیهماالسلام است. و منظور از نورهایی که بدون سوزندگی می درخشند، فرزندان فاطمه زهرا علیهاالسلام و علی مرتضی علیه السلام یعنی ائمه هدی هستند که یکی پس از دیگری می درخشند.

امام باقر علیه السلام در تفسیر این آیه می فرماید:

مقصود خداوند از چراغ دانی که در آن چراغی می درخشد، نور علمی است که در سینه پیامبر می درخشید. مقصود از چراغی که در آبگینه

۱- «اللّهُ نُورُ السَّماواتِ وَ الْأَرْضِ مَثَلُ نُورِهِ کَمِشْکاهٍ فیها مِصْباحٌ الْمِصْباحُ فی زُجاجَهٍ الزُّجاجَهُ کَأَنَّها کَوْکَبٌ دُرِّیٌّ یُوقَدُ مِنْ شَجَرَهٍ مُبارَکَهٍ زَیْتُونَهٍ لا شَرْقِیَّهٍ وَ لا غَرْبِیَّهٍ یَکادُ زَیْتُها یُضیءُ وَ لَوْ لَمْ تَمْسَسْهُ نارٌ نُورٌ عَلی نُورٍ یَهْدِی اللّهُ لِنُورِهِ مَنْ یَشاءُ وَ یَضْرِبُ اللّهُ الْأَمْثالَ لِلنّاسِ وَ اللّهُ بِکُلِّ شَیْءٍ عَلیمٌ». نور: ۳۵

۲- به نقل از: هاشم بن سلیمان بحرانی، کفایه الخصام، تهران، احیاء کتاب، ۱۳۷۲، ص ۴۰۴.

۳- به نقل از: شهاب الدین شافعی، رشفه الصادی، مصر، ۱۳۰۳ ه_ . ق، ص ۲۹.

۴- به نقل از: بحارالانوار، ج ۲۳، ص ۳۰۴.

است، علم پیامبر است که بر سینه علی علیه السلام تابید و از آنجا درخشیدن گرفت. علمی که پیامبر به علی علیه السلام آموخت، از درخت مبارک «نور علم» سرچشمه گرفته بود که شرقی و غربی، یهودی و نصرانی نبود. نوری که می درخشد بدون آنکه بسوزاند؛ یعنی اینکه عالِم آل محمد صلی الله علیه و آله علم خود را آشکار می کند پیش از آنکه از او بپرسند [مشکلات مردم را حل می کند]. نوری بر نور؛ یعنی امامان و پیشوایان از آل محمد علیهم السلام درحالی که مؤید به نور علم هستند، یکی پس از دیگری می آیند که از بدو ظهور آدم علیه السلام تا هنگام قیامت چنین است و هیچ گاه زمین خالی از حجت نمی ماند.(۱)

بهشت زمین

بهشت زمین

در سوره نور، خداوند از خانه هایی سخن می گوید که اراده الهی بدان تعلق گرفته است و دارای مقامی والا هستند:

فی بُیُوتٍ أَذِنَ اللّهُ أَنْ تُرْفَعَ وَ یُذْکَرَ فیهَا اسْمُهُ یُسَبِّحُ لَهُ فیها بِالْغُدُوِّ وَ الْآصالِ. رِجالٌ لا تُلْهیهِمْ تِجارَةٌ وَ لا بَیْعٌ عَنْ ذِکْرِ اللّهِ وَ إِقامِ الصَّلاهِ وَ إِیتاءِ الزَّکاهِ یَخافُونَ یَوْمًا تَتَقَلَّبُ فیهِ الْقُلُوبُ وَ الْأَبْصارُ لِیَجْزِیَهُمُ اللّهُ أَحْسَنَ ما عَمِلُوا وَ یَزیدَهُمْ مِنْ فَضْلِهِ وَ اللّهُ یَرْزُقُ مَنْ یَشاءُ بِغَیْرِ حِسابٍ (نور: ۳۶ _ ۳۸)

در خانه هایی که خداوند اجازه داده است بلندمرتبه شوند، بامدادان و شبانگاهان ذکر خدا به میان می آید. مردانی که خرید و فروش و تجارت، آنان را از ذکر خدا و اقامه نماز و پرداخت زکات بازنمی دارد و از روزی که دل و دیده ها در آن روز مضطرب است، می ترسند تا خداوند در مقابل بهترین کردارشان به ایشان پاداش نیک

۱- مجمع البیان، ج ۷، ص ۲۲۶.

عطا فرماید و از فضل و احسان خویش بر آنان بیفزاید، و خداوند به هر که بخواهد روزی بی حساب عنایت می فرماید.

آنگاه که رسول خدا صلی الله علیه و آله این آیات را خواند، ابابکر به خانه مولای متقیان اشاره کرد و پرسید: آیا خانه علی و فاطمه نیز از این خانه هاست؟ حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود: «آری، از عالی ترین آن خانه ها».

رسول خدا صلی الله علیه و آله با این سخن، مقصود از مردانی را که هیچ چیز، آنان را از ذکر خدا و نماز و زکات بازنمی دارد، مشخص کرده و بیان داشته است که مولای متقیان، مصداق بارز این آیات است.

تفسیر فوق را بسیاری، از جمله علامه سیوطی،(۱) آلوسی،(۲) ثعلبی،(۳) علامه مجلسی(۴) و مؤلف تفسیر نورالثقلین(۵) نقل کرده اند. در بسیاری از روایات، خانه های ائمه: نیز از مصداق های این پیوست شمرده شده است.(۶)

رهنما

رهنما

وَ مَنْ یُسْلِمْ وَجْهَهُ إِلَی اللّهِ وَ هُوَ مُحْسِنٌ فَقَدِ اسْتَمْسَکَ بِالْعُرْوَهِ الْوُثْقی وَ إِلَی اللّهِ عاقِبَهُ اْلأُمُورِ. (لقمان: ۲۲)

۱- الدر المنثور، ج ۵، ص ۵۰.

۲- تفسیر روح المعانی، ج ۱۸، ص ۱۵۷.

۳- بحارالانوار، ج ۲۳، ص ۳۳۲.

۴- بحارالانوار، ج ۲۳، ص ۳۲۵.

۵- تفسیر نورالثقلین، ج ۳، ص ۶۱۰.

۶- تفسیر نورالثقلین، ج ۳، صص ۶۰۲ _ ۶۱۱.

به یقین، هر که با اخلاص رو به سوی خدا آورد و نکوکار باشد، به دستگیره محکم الهی چنگ زده و سرانجام کارها به سوی خداوند برمی گردد.

این کلام ثقل اکبر است که ثقل اصغر را معرفی می کند و از ما می خواهد به آویزه محکم الهی دست یازیم، ولی آیا بدون شناخت دستگیره می توان بدان آویخت؟ در حدیثی آمده است که پیامبر فرمود: «ای علی! عروه الوثقی تویی».(۱)

علامه ابن شاذان، از فرزانگان عامه، در حدیثی آورده است:

پیامبر فرمود: «ای مردم! خداوند برای شما دری قرار داده است که هر که از آن داخل شود، از آتش جهنم و هراس قیامت در امان خواهد ماند». ابی سعید خدری ایستاد و گفت: یا رسول الله! آن در را برای ما معرفی فرما! امین وحی فرمود: «او علی بن ابی طالب است؛ امیر مؤمنان، سرور وصی پیامبران، برادر رسول عالمیان و خلیفه پروردگار بر جهانیان. ای مردم! هر که بخواهد به عروه الوثقی و دستگیره محکم الهی دست یابد، باید به ولایت علی بن ابی طالب دست یازد. ولایت او چون ولایت من است و اطاعت از او چون اطاعت از من. هر که بخواهد به من اقتدا نماید، او را به ولایت علی بن ابی طالب و فرزندانش سفارش می کنم. آنان گنجینه های علم من هستند.» در این هنگام جابر بن عبدالله انصاری برخاست و گفت: یا رسول الله! آنان (امامان بعد از شما) چند نفرند؟ حضرت فرمود: «ای جابر! خدایت رحمت کند که از تمام اسلام پرسیدی. تعداد آنان به اندازه

۱- مناقب خوارزمی، ص ۶۱؛ محمد بن حسن طوسی، امالی قم، دارالثقافه، ۱۳۷۲، ص ۳۵۱؛ بحارالانوار، ج ۲۸، ص ۴۵؛ احقاق الحق، ج ۳، ص ۵۶۶.

ماه هاست که در کتاب خداونـد دوازده ماه است.(۱) آنان به تعداد چشـمه هایی هستند که برای قوم موسی علیه السلام جاری شـد [که قرآن می فرماید: برای آنان دوازده چشـمه جوشـیدن گرفت.(۲)] تعـدادشان به اندازه فرماندهان بنی اسـرائیل بود که خداونـد می فرمایـد: «از میان آنان دوازده سالار برانگیختیم.»(۳) ای جـابر! پس ائمه دوازده نفرنـد. نخستین آنـان، امیر مؤمنان علی علیه السلام و آخرین آنان قائم آل محمد عج الله تعالی فرجه الشریف است».(۴)

نه تنها ابن شاذان، بلکه دانشـمندان دیگر اهل سـنّت نیز روایات بسـیاری از پیامبر نقل کرده انـد که در آن تصـریح شـده است جانشـینان پیامبر دوازده نفرنـد. در روایتی که شـیخ سـلیمان قنـدوزی حنفی و بسـیاری دیگر از علمای عامه نقل کرده انـد، می خوانیم:

پیـامبر فرمود: «من سـید پیـامبرانم و علی سـرور اوصـیاست و اوصـیای من بعـد از خودم دوازده نفرنـد؛ نخستین آنان، علی علیه السلام و آخرین آنان حضرت مهدی عج الله تعالی فرجه الشریف است».(۵)

اینکه جانشـینان پیـامبر دوازده نفرنـد و همگی از قریش و بنی هاشم هسـتند، آن قـدر مشـهور است که بسـیاری از عالمان اهل سنّت، بخش مهمی از نوشـته هـای خود را به این حـدیث پیـامبر اختصاص داده انـد. در کتاب عمـده از بیست طریق نقل شـده است که پیامبر فرمود: «خلفا بعد از

۱- «إِنَّ عِدَّهَ الشُّهُورِ عِنْدَ اللّهِ اثْنا عَشَرَ شَهْرًا فی کِتابِ اللّهِ». توبه: ۳۶

۲- «وَ إِذِ اسْتَسْقی مُوسی لِقَوْمِهِ فَقُلْنَا اضْرِبْ بِعَصاکَ الْحَجَرَ فَانْفَجَرَتْ مِنْهُ اثْنَتا عَشْرَهَ عَیْنًا». بقره: ۶۰

۳- «وَ بَعَثْنا مِنْهُمُ اثْنَیْ عَشَرَ نَقیبًا». مائده: ۱۲

۴- کفایه الخصام، ص ۳۴۳.

۵- ینابیع الموده، ص ۴۴۴.

رسول خدا صلی الله علیه و آله دوازده نفرند که همه از قریش خواهند بود.» در صحیح بخاری با سه سند و از سه طریق و در کتاب صحیح مسلم نیز از نه طریق و سند، این روایت ها نقل شده است. در صحیح ابی داوود سه حدیث در این باب آمده و ترمذی نیز یکی از این احادیث را نقل کرده است.

در روایت معتبر دیگری می خوانیم:

سلمان فارسی گوید: یک روز به محضر رسول خدا صلی الله علیه و آله شرفیاب شدم. دیدم حسین علیه السلام روی زانوی پیامبر نشسته است و او صورت حسین را می بوسد و به او می گوید: «تو سید و سروری. پدر و برادرت نیز چنین هستند. تو، امام، فرزند امام و برادر امامی. تو، پدر و برادرت از حجت های الهی هستید و تو، پدر نه تن از حجت های خداوند هستی که نهمین آنان قائم آل محمد و مهدی است».(۱)

در روایات بسیار، قرآن کریم کلمه «لا اله الا اللّه» و نیز عروه الوثقی معرفی شده است که با توجه به آنچه گفته شد، تمام این امور می تواند ما را به سوی خداوند رهنمون شود. در روایتی از اهل سنّت در ادامه آیه ۲۲ سوره لقمان می خوانیم:

این آیه درباره علی علیه السلام نازل شده است و او، نخستین کسی است که با اخلاص رو به درگاه الهی آورد و نیکوکار بود؛ یعنی مؤمن و مطیع بود و به آویزه الهی که همان «لا اله الا اللّه» است، چنگ زد.(۲)

همان گونه که مشاهده می شود، در این روایت هرچند عروه الوثقی به «لا اله الا اللّه» تفسیر شده است، ولی مصداق بارز آن را علی علیه السلام

۱- ابن شهر آشوب، مناقب، ج ۳، ص ۲۲۶.

۲- ینابیع الموده، باب ۳۷، ص ۱۱۱. در این کتاب، «عروه الوثقی» به دوستی آل محمد صلی الله علیه و آله هم تفسیر شده است.

می دانـد. در روایاتی که عروه الوثقی به قرآن تفسیر شده است، به فرموده پیامبر، علی علیه السـلام با قرآن و قرآن با علی علیه السلام است و از یکدیگر جدا نمی شوند.(۱)

کلام حق

کلام حق

در مدینه بین امیر مؤمنان، علی علیه السـلام و فاسقی به نام ولید بن عقبه(۲) اختلاف افتاده بود. ولید به علی علیه السلام گفت: سـاکت بـاش! تو کودکی و من بزرگوار. زبانم از تو گویاتر، نیزه ام تیزتر، قلبم قوی تر و یارانم بیشتر است. برادر رسول و زوج بتول که از این همه فخرفروشـی بی جـا ناراحت شـده بود، در پاسـخ او بیش از یک کلمه نگفت. علی علیه السـلام فرمود: «ای فاسق! ساکت.» پس از این ماجرا از سوی پروردگار متعالی این آیه نازل شد:

أَ فَمَنْ کـانَ مُؤْمِنًا کَمَنْ کانَ فاسِـقًا لایَسْـتَوُونَ أَمَّا الَّذینَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصّالِحاتِ فَلَهُمْ جَنّاتُ الْمَأْوی نُزُلاً بِما کانُوا یَعْمَلُونَ وَ أَمَّا الَّذینَ فَسَـقُوا فَمَأْواهُمُ النّارُ کُلَّما أَرادُوا أَنْ یَخْرُجُوا مِنْها أُعیدُوا فیها وَ قیلَ لَهُمْ ذُوقُوا عَذابَ النّارِ الَّذی کُنْتُمْ بِهِ تُکَذِّبُونَ. (سـجده: ۱۸ _ ۲۰)

آیا کسـی که مؤمن باشد، همانند فردی فاسق است؟ [نه] اینان برابر نیستند، اما افرادی که ایمان آورده و عمل صالح انجام داده انـد، به خـاطر اعمـال نیکشـان در بهشت فرود می آینـد و امـا افرادی که فـاسق شـده انـد، جایگـاه آنـان جهنم است که هرگاه بخواهند از آن خارج

۱- الامالی شیخ طوسی، ص ۴۶۰؛ کنزالعمال، ج ۱۱، ص ۶۰۳؛ السیوطی، الجامع الصغیره، ج ۲، ص ۱۷۷.

۲- در برخی منابع عقبه بن ابی معیط آمده است که ظاهرا مقصود همان ولید بن عقبه بن ابی معیط است.

شوند، به آن بازگردانده می شوند و به آنان گفته می شود: بچشید عذابی که آن را تکذیب می کردید.

ده ها تن از مفسران، محدثان و مورخان عامه و خاصه، شأن نزول این آیه را این چنین نقل کرده اند که از جمله می توان به علامه ابن عربی معافری،(۱) بغوی،(۲) طبری،(۳) گنجی شافعی،(۴) خازن،(۵) شوکانی(۶) و علامه طبرسی(۷) اشاره کرد.

جانشین شایسته

جانشین شایسته

خداوند رحیم در قرآن کریم می فرماید:

النَّبِیُّ أَوْلی بِالْمُؤْمِنینَ مِنْ أَنْفُسِهِمْ وَ أَزْواجُهُ أُمَّهاتُهُمْ وَ أُولُوا الْأَرْحامِ بَعْضُهُمْ أَوْلی بِبَعْضٍ فی کِتابِ اللّهِ مِنَ الْمُؤْمِنینَ وَ الْمُهاجِرینَ... . (احزاب: ۶)

پیامبر به مؤمنان از خودشان سزاوارتر [و نزدیک تر] است و همسرانش، مادران مؤمنان هستند و اقوام نسبی در کتاب خدا برای همدیگر از مؤمنان و مهاجران سزاوارترند... .

با توجه به این آیه، تنها کسی که این اولویت را درباره پیامبر دارد، علی علیه السلام است. در آیه، نوع اولویت مشخص نشده است. پس مقصود،

۱- جامع الاحکام القرآن، ج ۲، ص ۱۵۳.
۲- حاشیه تفسیر الخازن، ج ۵، ص ۱۷۸.
۳- تفسیر طبری، ج ۲۱، ص ۶۱.
۴- کفایه الطالب، ص ۵۴.
۵- تفسیر الخازن، ج ۵، ص ۱۸۷.
۶- فتح الغدیر، ج ۴، ص ۲۴۷.
۷- تفسیر مجمع البیان، ج ۴، ص ۳۳۲.

اولویت در تمام امور از جمله جانشینی پیامبر است و چون کسانی که پس از پیامبر حکومت را به دست گرفتند، از اولوالارحام پیامبر نبودند، امیرمؤمنان به این منصب سزاوارتر بود.

در تفسیر دیگری، آیه چنین معنا شده است: «اولوالارحامی که از مؤمنان و مهاجران باشد، سزاوارتر است.» براساس این معنا نیز تنها دارنده تمام این صفات، امیر مؤمنان است. علامه کشفی ترمذی حنفی دراین باره می گوید: «مفسران اتفاق نظر دارند که این آیه درباره علی علیه السلام نازل شده است؛ زیرا تنها کسی که از نزدیکان و اقوام پیامبر و مؤمن و مهاجر بود، علی بود».(۱)

امامان معصوم علیهم السلام و علمای شیعه، با این آیه، امامت علی علیه السلام را اثبات کرده اند که بعضی از این استدلال ها در کتاب های عامه نیز دیده می شود. امام فخر رازی، استدلال محمد نفس زکیه(۲) را این گونه شرح می دهد:

محمد بن عبدالله (نفس زکیه) در نامه ای که به منصور دوانیقی نوشته است، با این آیه به امامت و خلافت علی علیه السلام استدلال کرده و می گوید: این آیه بر ثبوت اولویت و برتری دلالت می کند و چون نوع برتری را مشخص نکرده است، پس باید آن را به اولویت در تمام موارد حمل کرد که امامت و خلافت نیز از آن موارد است. از طرفی ابابکر از ارحام و اقوام پیامبر نبود؛ چون وقتی پیامبر سوره برائت را از

۱- مناقب مرتضوی، ص ۶۲.

۲- ابوعبدالله، محمد نفس زکیه، فرزند عبدالله محض، فرزند حسن مثنی، فرزند امام حسن مجتبی علیه السلام، یکی از سرداران شجاع و غیور بود که در عهد منصور عباسی خروج کرد و در نیمه رمضان سال ۱۴۵ ه . ق به شهادت رسید.

او باز پس گرفت، فرمود: این پیام را باید یا خودم یا کسی که از من باشد، به مشرکان ابلاغ کند. پس ابوبکر از ارحام پیامبر نبود و ولایت برایش ثابت نمی شود.(۱)

از میان دیگر افرادی که تفسیر فوق را نقل کرده اند، می توان به ابوبکربن مردویه،(۲) فضل بن شاذان(۳) و علامه مجلسی(۴) اشاره کرد.

مخلوق قرب پروردگار

از جمله آیاتی که فضایل بی شمار علی علیه السلام را بیان می کند، این آیه است:

وَ اتَّبِعُوا أَحْسَنَ ما أُنْزِلَ إِلَيْكُمْ مِنْ رَبِّكُمْ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَكُمُ الْعَذابُ بَغْتَةً وَ أَنْتُمْ لاتَشْعُرُونَ أَنْ تَقُولَ نَفْسٌ يا حَسْرَتى عَلى ما فَرَّطْتُ فى جَنْبِ اللّهِ وَ إِنْ كُنْتُ لَمِنَ السّاخِرينَ. (زمر: ۵۵ و ۵۶)

از بهترین چیزی که به سوی شما فرستاده شده، پیروی کنید، قبل از آنکه عذاب ناگهانی، شما را فرا گیرد، درحالی که شما نمی فهمید. آنگاه که شخص می گوید: افسوس بر آن کوتاهی که در راه قرب به خدا انجام دادم و بر اینکه من از مسخره کنندگان بودم.

اهل سنّت در حدیثی به نقل از ابابکر آورده اند:

رسول خدا صلی الله علیه و آله به علی علیه السلام گفت: «ای علی! من و

۱- به نقل از: احقاق الحق، ج ۳، ص ۴۲۰. فخر رازی پس از نقل این استدلال می نویسد: «پاسخ این استدلال این است که اگر این دلالت صحیح بود، عباس، عموی پیامبر به امامت سزاوارتر بود؛ چون او از علی به پیامبر نزدیک تر بود.» در جواب فخر رازی می توان گفت که آیه، ولایت را برای ارحامی که مؤمن و مهاجر باشند ثابت می کند، درحالی که عباس مهاجر نبود.

۲- به نقل از: احقاق الحق، ج ۳، ص ۴۱۹.

۳- به نقل از: بحارالانوار، ج ۱۰، ص ۳۷۹.

۴- بحارالانوار، ج ۲۳، صص ۲۵۷ و ۲۵۸.

تو از قرب خداوند خلق شده ایم.» او پرسید: «قرب خداوند چیست؟» رسول الله فرمود: «رازی پوشیده و گنجینه ای از علم است که تنهـا ما دو تن از آن خلق شـده ایم. پس کسـی که دوسـتدار ما باشـد، به عهـد الهی وفا نموده و کسـی که کینه ما را به دل دارد، در قیامت می گوید: افسوس بر من به خاطر کوتاهی که در قرب خداوند انجام دادم».(۱)

آنچه از این حدیث و امثال آن درمی یابیم، این است که پیامبر و علی علیه السلام گنجینه ای از علوم الهی و اسراری هستند که افراد عادی از آن بی بهره اند. مولای متقیان در خطبه ای می فرماید:

من پیشوایی هـدایت شده هسـتم. پدر یتیمان و فقیرانم. سـرپرست بیوه زنانم. پناهگاه هر ضـعیفم. محل امنی برای هر ترسـیده و رهبر مؤمنان به سوی بهشـتم. ریسـمان محکم الهی منم. من، آویزه مسـتحکم خداوندم. کلمه تقوا منم. چشم خدا، زبان گویای پروردگار و دست خداونـدم. من قرب یزدان هسـتم که در قرآن می فرمایـد: «روزی که شـخص می گوید: افسوس بر کوتاهی که در حضور خدا انجام دادم».(۲)

این گفتار را با حدیثی از علامه نعمانی، از علمای برجسته عامه، به پایان می بریم:

عده ای از اهالی یمن به محضـر رسول خدا صلی الله علیه و آله رسیدند. پیامبر فرمود: «اینان گروهی هستند دارای قلبی پاک و ایمانی محکم و فرمانده ای پیروز. از میان اینها عده ای، به همراه هفتاد هزار نفر برای یاری من و جانشـینم قیام می کنند. اهالی یمن پرسیدند: ای رسول خدا صلی الله علیه و آله ! وصی تو کیست؟ فرمود: آن که خداوند دستور داده

۱- احقاق الحق، ج ۳، ص ۵۷۲. مشابه این روایت در بحارالانوار، ج ۳۹، ص ۲۳۹ آمده است.

۲- بحارالانوار، ج ۴، ص ۹.

است به آن ریسمان محکم الهی چنگ زنید و فرموده است: «همگی به ریسمان محکم الهی آویخته و متفرق نشوید». (آل عمران: ۱۰۳)

مردم پرسیدند: آن ریسمان کدام است؟ فرمود: همان که خداوند می فرماید: «هر کجا باشند، ذلیل می شوند، مگر اینکه به ریسمانی از طرف خداوند و ریسمانی از طرف مردم دست یازند.» (آل عمران: ۱۱۱) آویزه الهی، قرآن است و آویزه مردمی، وصی من. دوباره مردم پرسیدند: ای فرستاده خدا! وصی شما کیست؟ امین وحی خداوند فرمود: او کسی است که شخص گنه کار می گوید: «افسوس به خاطر تقصیرهایی که در نزد قرب الهی انجام دادم...» (زمر: ۵۶) مردمی که می خواستند هر چه زودتر جانشین پیامبر را بشناسند، پرسیدند: ای رسول خدا! قرب الهی چیست؟ فرمود: آن چیزی است که خداوند می فرماید: «روزی ظالم دست خود را به دندان گزیده، می گوید: «ای کاش راهی به سوی پیامبر در پیش گرفته بودم.» (فرقان: ۲۷) این راه شامل وصی من نیز می شود. مردم گفتند: قسم به خدایی که تو را به حق فرستاد، او را به ما نشان ده که ما مشتاق دیدن او هستیم. وقتی پیامبر چند صفت دیگر او را گفت، مردم دریافتند که مقصود علی علیه السلام است. پیامبر نیز به آنان بشارت بهشت داد و این گروه با امیر مؤمنان در نبرد جمل و صفین شرکت کردند و همان گونه که پیامبر وعده داده بود، در رکاب امیر مؤمنان جان باختند.(۱)

این روایت و دیگر احادیثی که بیان شد، در کتاب های شیعیان نیز آمده که علامه مجلسی در بحارالانوار آنها را گردآوری کرده است.(۲)

۱- احقاق الحق، ج ۳، ص ۵۷۰؛ بحارالانوار، ج ۳۶، ص ۱۷.

۲- نک: بحارالانوار، ج ۴، ص ۹ و ج ۳۶، ص ۱۷؛ مجمع البیان، ج ۸، ص ۷۸۷.

دست انتقام الهی

دست انتقام الهی

وجود پیامبر رحمت، مانع فرود صاعقه انتقام الهی بر مردم نادان بود، ولی پس از رحلت آن بزرگوار، افراد کورباطن و گمراهی چون قاسطین، مارقین و ناکثین، در آتش انتقام خداوند سوختند و وعده الهی تحقق یافت.

قرآن که یکی از وجوه معجزه بودن آن، پیشگویی آن است، در این باره خطاب به رسول خدا صلی الله علیه و آله می فرماید:

أَ فَأَنْتَ تُسْمِعُ الصُّمَّ أَوْ تَهْدِی الْعُمْیَ وَ مَنْ کانَ فی ضَلالٍ مُبینٍ فَإِمّا نَذْهَبَنَّ بِکَ فَإِنّا مِنْهُمْ مُنْتَقِمُونَ أَوْ نُرِیَنَّکَ الَّذی وَعَدْناهُمْ فَإِنّا عَلَیْهِمْ مُقْتَدِرُونَ. (زخرف: ۴۰ _ ۴۲)

آیا تو می توانی به این کرها سخنی بیاموزی یا کورهایی را که [دانسته] در گمراهی آشکار فرو رفته اند، هدایت کنی؟ پس ما یا تو را به جوار خود برده و بعد از تو از آنان سخت انتقام می کشیم یا عذابی را که به آنان وعده داده ایم، به تو نشان می دهیم. به یقین، ما بر [هلاک]آنان قادریم.

بنا به گفته مفسران بزرگ صدر اسلام و حاملان علوم قرآن و پرده برداران وجوه فرقان، چون ابن عباس، جابر بن عبداللّه و حذیفه یمانی، وقتی این آیه نازل شد، پیامبر فرمود:

خداوند به وسیله علی علیه السلام انتقام می گیرد. اوست که از ناکثین _ طلحه و زبیر و یاران پیمان شکن آنان _ و قاسطین _ یعنی معاویه و

اذنابشان ــ و مارقین ــ یعنی خوارج نهروان ــ انتقام می گیرد.(۱)

در حدیث دیگری که علمای شیعه و اهل سنّت روایت کرده اند، می خوانیم:

جابر بن عبداللّه انصاری گوید: من در حجه الوداع در سرزمین منا از همه مردم به پیامبر نزدیک تر بودم. حضرت فرمود: «مبادا شما بعد از من به کفر برگردید و همدیگر را بکشید. به خدا قسم! اگر چنین شوید، مرا در گروه پیشتاز لشکری می بینید که با شما می جنگد یا علی با شما می جنگد.» و کلمه «یا علی» را سه بار تکرار کرد. آنگاه دیدیم پیامبر برای دریافت وحی آماده شد و این آیه نازل گردید: «اگر تو را ببریم پس از آنها انتقام می گیریم». سپس فرمود: به علی بن ابی طالب.

علامه طبرسی،(۲) سیوطی،(۳) نیشابوری،(۴) کشفی حنفی(۵) و قندوزی حنفی(۶) این تفسیر را آورده اند.

مردود شدگان مخالف جانشینی علی علیه السلام

مردود شدگان مخالف جانشینی علی علیه السلام

در خانه کعبه گر بود منزل تووز زمزم اگر سرشته باشد گل تو

۱- الدرالمنثور، ج۶، ص۱۸؛ بحارالانوار، ج۳۲، صص ۳۱۱و۳۱۲ با اندکی اختلاف در متن حدیث.

۲- مجمع البیان، ج ۹، ص ۴۹.

۳- الدر المنثور، ج ۶، ص ۱۸.

۴- تفسیر نیشابوری (چاپ شده در حاشیه تفسیر طبری)، ج ۲۵، ص ۵۷.

۵- مناقب مرتضوی، ص ۵۳.

۶- ینابیع الموده، ص ۹۸.

گر مهر علی نباشد اندر دل تومسکین تو و سعی های بی حاصل تو(۱)

خداونـد به افرادی که از «قرآن ناطق» روی گردان شدند و در این امر با رسول خدا صـلی الله علیه و آله مخالفت کردند، وعده عذاب می دهد و تمام اعمالشان را باطل اعلام می کند:

إِنَّ الَّذينَ كَفَرُوا وَ صَدُّوا عَنْ سَبيلِ اللّهِ وَ شَاقُّوا الرَّسُولَ مِنْ بَعْدِ ما تَبَيَّنَ لَهُمُ الْهُدى لَنْ يَضُرُّوا اللّهَ شَيْئًا وَ سَيُحْبِطُ أَعْمالَهُمْ.(محمد: ۳۲)

افرادی که کافر شدند و از راه خدا بازداشتند و بعد از آنکه هدایت برای آنان آشکار شد، [باز هم] با رسول خدا صلی الله علیه و آله مخالفت ورزیدند، آنان به خدا ضرر نمی رسانند و به زودی خداوند کردارشان را نابود می کند. مفسران قرآن و افرادی چون علامه ابی بکر مردویه،(۲) علامه کشفی ترمذی حنفی(۳) و دیگر دانشمندان اهل سنّت و شیعه(۴) در تفسیر این آیه آورده اند:

مقصود از افرادی که مردم را از راه خدا بازمی دارنـد و با آنکه هـدایت برایشان آشـکار شـده، باز هم با رسول خدا صـلی الله علیه و آله مخالفت می ورزند، کسانی هستند که با آنکه می دانستند علی علیه السلام، جانشین پیامبر است، اما در امر امامت با او مخالفت می کردند.

بیعت رضوان

بیعت رضوان

در سال ششم هجری با آنکه هنوز مکه به دست مسلمانان فتح نشده بود، رسول گرامی اسلام به قصد زیارت بیت الله الحرام به همراه

۱- ابی بکر طایبادی.

۲- علی بن عیسی اربلی، کشف الغمه، تبریز، محمدباقر کتابچی، ۱۳۸۱، ص ۹۳.

۳- مناقب مرتضوی، ص ۶۱.

۴- بحارالانوار، ج ۲۳، ص ۳۸۶.

۱۵۰۰ نفر از یاران خود، مدینه را به سوی مکه ترک کرد. وقتی به منطقه حدیبیه رسیدند، کفار قریش پیام فرستادند که به هیچ وجه اجازه نمی دهند پیامبر و یارانش وارد مکه شوند. چون عمر بن خطاب در جنگ ها هیچ کافری را نکشته بود، پیامبر از او خواست برای مذاکره با سران قریش به مکه برود و به آنان بفهماند مقصود رسول خدا صلی الله علیه و آله تنها حج خانه خداست، ولی عمر از انجام این دستور سر باز زد. از طرفی چون بیشتر فرماندهان مشرکان به وسیله ذوالفقار مولای متقیان به هلاکت رسیده بودند، پیامبر نمی توانست وصی و جانشین خود را برای انجام این مأموریت روانه سازد. ازاین رو، عثمان بن عفان که او نیز در هیچ نبردی به کفار آسیبی نرسانده بود، برای این مأموریت انتخاب و همراه عده ای راهی مکه شد. برخلاف انتظار، سران کفر، سفیران را دستگیر و زندانی کردند و شایعه شد که آنان را کشته اند. انتشار این خبر موجی از خشم و غضب در یاران رسول خدا صلی الله علیه و آله پدید آورد. پیامبر در زیر درختی نشست و مسلمانان با آن حضرت پیمان بستند که تا آخرین قطره خون خود در یاری دین خداوند بکوشند. این پیمان به بیعت رضوان معروف شد(۱) و آیات زیر از این پیمان سخن می گوید:

لَقَدْ رَضِیَ اللّهُ عَنِ الْمُؤْمِنینَ إِذْ یُبایِعُونَکَ تَحْتَ الشَّجَرَهِ فَعَلِمَ ما فی

۱- پس از این پیمان پیامبر دستور داد مسلمانان با مقابله به مثل، کفار قریش را به اسارت بگیرند. وقتی تعداد اسیران قریش به پنجاه نفر رسید، کفار مجبور شدند با مسلمانان از در صلح درآیند و قرارداد حدیبیه را امضا کنند. طبق آن عهدنامه، پیامبر آن سال از انجام حج صرف نظر کرد و سال بعد این واجب الهی را به جا آورد.

قُلُوبِهِمْ فَأَنْزَلَ السَّكِينَهَ عَلَيْهِمْ وَ أَثابَهُمْ فَتْحًا قَرِيبًا. (فتح: ۱۸)

خداوند از مؤمنانی که در زیر درخت با تو پیمان بستند، راضی است و از آنچه در قلب آنان است، آگاه است. ازاین رو، قلب آنان را آرامش می دهد و به زودی پیروزی درخشانی نصیبشان می کند.

علامه گنجی شافعی،(۱) کشفی ترمذی،(۲) علامه مجلسی(۳) و دیگر دانشمندان علوم اسلامی،(۴) در تفسیر این آیه می نویسند:

این آیه درباره افراد حدیبیه نازل شده است و سزاوارترین شخص به این آیه، علی بن ابی طالب است؛ زیرا خداوند در ادامه می فرماید: «به زودی خداوند پیروزی درخشانی نصیب آنان می کند».

دانشمندان و مفسران اتفاق نظر دارند که مقصود از این پیروزی بزرگ، «فتح خیبر» بود که به دست علی علیه السلام حاصل شد و کسی دراین باره شکی ندارد.

امام باقر علیه السلام می فرماید:

از جابر بن عبدالله انصاری پرسیدم: «آیا علی علیه السلام نیز جزو مؤمنان در آیه بیعت رضوان بود؟» جابر گفت: او سرور و شریف ترین آنان بود.(۵)

امام راکعان

امام راکعان

اسلام ز تیغ کج ما یافت قوام

۱- کفایه الطالب، ص ۲۴۸.

۲- مناقب مرتضوی، ص ۵۴.

۳- بحارالانوار، ج ۳۸، ص ۲۱۷.

۴- خطیب خوارزمی، مناقب، ص ۲۷۶؛ بحارالانوار، ج ۳۶، ص ۱۲۱.

۵- بحارالانوار، ج ۲۴، ص ۹۳.

مايیم ستون مستقیم اسلام

در منزلت منازل ما تنزیل

جبریل و کتاب و محکمات و احکام(۱)

خداوند رحیم در قرآن کریم، پیامبر و یارانش را چنین معرفی می کند:

مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللّهِ وَ الَّذینَ مَعَهُ أَشِدّاءُ عَلَی الْکُفّارِ رُحَماءُ بَیْنَهُمْ تَراهُمْ رُکَّعًا سُجَّدًا یَبْتَغُونَ فَضْلاً مِنَ اللّهِ وَ رِضْوانًا سیماهُمْ فی وُجُوهِهِمْ مِنْ أَثَرِ السُّجُودِ ذلِکَ مَثَلُهُمْ فِی التَّوْراهِ وَ مَثَلُهُمْ فِی الْإِنْجیلِ کَزَرْعٍ أَخْرَجَ شَطْأَهُ فَآزَرَهُ فَاسْتَغْلَظَ فَاسْتَوی عَلی سُوقِهِ یُعْجِبُ الزُّرّاعَ لِیَغیظَ بِهِمُ الْکُفّارَ وَعَدَ اللّهُ الَّذینَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصّالِحاتِ مِنْهُمْ مَغْفِرَهً وَ أَجْرًا عَظیمًا. (فتح: ۲۹)

محمد صلی الله علیه و آله پیام آور خداوند است و آنان که با او هستند، در برابر کافران سخت گیر و با مؤمنان مهربانند؛ آنان را می بینی که در حال رکوع و سجودند و عنایت و خشنودی خداوند را می طلبند. علامت های آنان آثار سجده ای است که بر پیشانی شان نقش بسته است و این مَثَل آنان در تورات است. و اما مَثَل آنان در انجیل، چون زراعتی است که سبزه نورسته برآورده و سپس آن را قوی نمود تا محکم شده و بر ساقش ایستاد تا کشاورزان را به تعجب و کافران را به خشم آورد. خداوند به مؤمنانی که عمل نیک انجام می دهند، وعده آمرزش و پاداشی بزرگ می دهد.

به گفته مفسران بخش های زیادی از آیه در شأن علی علیه السلام است. در ابتدای آیه و بیان ویژگی های یاران پیامبر، مهم ترین ویژگی آنان، رکوع

۱- دیوان شهریار، ج ۲، ص ۳۳۶.

و سجود فراوان و طلب عنایت و خشنودی خداوند معرفی شده است. به اتفاق نظر همه مسلمانان، هیچ یک از یاران رسول خدا صلی الله علیه و آله به اندازه علی مرتضـی علیه السلام نماز نخواند و در رکوع و سجود نبود. ازاین رو، همان گونه که مفسران بزرگی چون علامه آلوسـی(۱) و مجلسـی(۲) و محـدثان مشـهوری چون ترمـذی حنفی(۳) بـه نقـل از ابن عبـاس آورده انـد، مقصود از رکوع و سجودکنندگان در این آیه، سرور ساجدان، امام راکعان، امیر مؤمنان، علی علیه السلام است.

نه تنها در این آیه، بلکه در آیات دیگری نیز که درباره عبادت است، علی علیه السـلام، امیر عابدان است. شیخ ابوبکر شیرازی در رسـاله اعتقاد(۴) و دیگر مفسـران، در تفسـیر ایـن آیـه: «آنـان مقـدار کمی از شب می خوابیدنـد و در سـحرها اسـتغفار می کردند»، (ذاریات: ۵۵) آورده انـد: «این آیه درباره علی علیه السـلام نازل شده است؛ زیرا او یک سوم شب را می خوابید و در دو سوم دیگر شب به عبادت می پرداخت».

در حـدیثی که صـدها نفر از دانشـمندان مسـلمان نقل کرده اند، علی علیه السـلام فرمود: «پیش از آنکه حتی یک نفر مسـلمان شود یا نماز بخواند، من هفت سال با رسول خدا صلی الله علیه و آله نماز خواندم».(۵)

پروردگار متعالی در ادامه آیه، پیامبر و یارانش را به گیاهی تشبیه

۱- تفسیر روح المعانی، ج ۲۶، ص ۱۱۷.

۲- بحارالانوار، ج ۳۶، ص ۱۸۷.

۳- مناقب مرتضوی، ص ۶۶.

۴- احقاق الحق، ج ۳، ص ۵۷۶.

۵- مناقب مرتضوی، ص ۶۶؛ بحارالانوار، ج ۳۶، ص ۲۰۳.

می کند که پس از رویش، به سرعت رشد می کند تا روی پای خود می ایستد. در تفسیر این آیه نیز مفسران گفته اند: «اسلام به وسیله علی علیه السلام توانست روی پای خود بایستد.» آلوسی،(۱) سیوطی،(۲) نیشابوری(۳) و زمخشری(۴) به این مطلب تصریح کرده اند.

خداوند در ادامه آیه می فرماید: «این گیاه و رشد آن باعث خشم کافران می شود.» به فرموده مفسران بزرگی چون ابن عباس در ذیل این آیه، به واسطه علی علیه السلام، کافران به خشم می آمدند. از میان فرزانگانی که این تفسیر را نقل کرده اند، می توان به(۵) آلوسی بغدادی(۶) احمد بن محمد زهری،(۷) ابابکر بن مردویه و علامه مجلسی(۸) اشاره کرد. در پایان آیه سخن از مؤمنانی است که عمل صالح انجام داده اند و خداوند وعده آمرزش و پاداشی بزرگ به ایشان می دهد. وقتی این آیه نازل شد، عده ای از رسول خدا صلی الله علیه و آله پرسیدند: این آیه درباره چه کسی نازل شده است؟ پیامبر فرمود: «وقتی روز قیامت شود، پرچمی از نور سفید برافراشته می شود و منادی ندا می دهد: سرور مؤمنان و افرادی که به بعثت پیامبر

۱- تفسیر روح المعانی، ج ۱۶، ص ۱۱۷.

۲- الدر المنثور، ج ۶، ص ۸۳.

۳- تفسیر نیشابوری در حاشیه تفسیر طبری، ج ۲۶، ص ۶۳.

۴- الکشاف، ج ۳، ص ۴۶۹.

۵- تفسیر روح المعانی، ج ۱۳، ص ۲۸۱؛ احقاق الحق، ج ۳، ص ۳۶۰.

۶- تفسیر روح المعانی، ج ۱۳، ص ۲۸۱.

۷- تفسیر روح المعانی، ج ۱۳، ص ۲۸۱.

۸- بحارالانوار، ج ۷، ص ۲۶۲ و ج ۲۴، ص ۳۲۲ با اندکی تغییر با آنچه در متون اهل سنّت آمده است.

ایمـان آورده انـد، بـه پاخیزنـد. علی بـن ابی طـالب برمی خیزد و پرچـم بـه دست او سـپرده می شـود و تمـام مؤمنـان ـ اعم از مهـاجران و انصـار و دیگران ـ زیر آن پرچم جمع می شونـد. آنگـاه برای علی منبری از نـور الهی نصب می شود و مردم در محضـر او حاضر می شوند و او پاداش و نور [اعمال]شان را بدان ها می دهد و در پایان به آنان گفته می شود: شما اوصاف و جایگاه خودتان را در بهشت شـناختید، چنان که خـدایتان می فرمایـد: «به درستی که نزد من برایتان آمرزش و پاداشـی بزرگ است.»(۱) سـپس علی علیه السـلام برمی خیزد و افرادی که زیر پرچم او مانـده اند، راهی بهشت می شوند و پس از حسابرسـی تمام مردم، عـده ای برای آتش باقی میماننـد... . تفسیر آیه ۱۰ سوره مائـده: «وَ الَّذینَ کَفَرُوا وَ کَذَّبُوا بِآیاتِنا أُولئِکَ أَصْحابُ الْجَحِیمِ؛ کسانی که کافر شده و آیات ما را تکذیب می کنند، یاران آتش هسـتند» نیز همین است و مقصود، انکار ولایت علی علیه السلام است که رعایت حق او بر تمام مردم واجب است.»(۲)

صدرنشین

صدرنشین

یاران پیامبر، آن حضـرت را چون نگین انگشتری در میان گرفته بودنـد و از بهشت و نعمت های آن سـخن می راندنـد. رسول خـدا صـلی الله علیه و آله فرمود: «نخسـتین فردی که وارد بهشت می شود، علی مرتضـی علیه السـلام است.» ابودجـانه انصـاری گفت: ای رسول خدا! به ما خبر داده بودی که تا

۱- مضمون این کلام خداوند در چند آیه آمده است. از جمله مائده: ۹ و فاطر: ۷.

۲- احقاق الحق، ج ۳، ص ۴۷۳، به نقل از: حسکانی، شواهد التنزیل، ج ۲، ص ۲۵۳؛ بحارالانوار، ج ۸، ص ۴.

شما وارد بهشت نشوید، پیامبران نمی توانند وارد بهشت شوند و تا امت تو داخل بهشت نگردند، دیگر امت ها حق ورود به آن را ندارند؟ پیامبر فرمود: «بلی، ای ابودجانه! مگر نمی دانی که خداوند را پرچمی از نور است که دستگیره آن پرچم از یاقوت ساخته شده است و بر آن نور چنین نوشته اند: «هیچ خدایی جز الله نیست. محمد رسول اللّه است. اهل بیت پیامبر بهترین مردم هستند» و این پرچم دار، علی بن ابی طالب و در قیامت پیشواست. و آنگاه با دست مبارک به علی علیه السلام زد. پیشوای متقیان، امیر مؤمنان از شنیدن این روایت خوشحال شد و فرمود: «خدا را سپاس که ما را به وسیله شما کرامت و شرافت عنایت کرد.» آنگاه پیامبر فرمود: «ای علی! هیچ بنده ای که به مودت و دوستی تو خو گرفته باشد، نیست، مگر اینکه خداوند در قیامت او را همراه ما محشور می کند». آنگاه این آیه را قرائت فرمود: «فی مَقْعَدِ صِدْقٍ عِنْدَ مَلیكٍ مُقْتَدِرٍ؛ در مجلسی پسندیده و نزد سلطانی قدرتمند». (قمر: ۵۵)

آنچه آمد، خلاصه ای بود از روایتی که دانشمندان عامه و خاصه چون کاشفی ترمذی،(۱) قندوزی حنفی،(۲) ابوبکر بن مردویه،(۳) برهان حنفی،(۴) علامه مجلسی(۵) و فرات کوفی(۶) نقل کرده اند.

۱- مناقب مرتضوی، ص ۴۸.

۲- ینابیع الموده، ص ۱۳۲.

۳- کشف الغمه، ص ۹۵.

۴- احقاق الحق، ج ۳، ص ۳۹۷.

۵- بحارالانوار، ج ۲۷، ص ۱۲۹ و ج ۳۶، ص ۶۴.

۶- بحارالانوار، ج ۸، ص ۵، به نقل از: تفسیر فرات کوفی، ص ۴۵۶.

فصل دوم: علی علیه السلام در سخن پیامبر اسلام

علی؛ صراط مستقیم

پیامبر خدا در خطبه ای فرمود: «ای مردم! ماه خدا (ماه رمضان) به شما روی آورده است، با برکت و رحمت و مغفرت... .» آنگاه فضیلت ماه رمضان را برشمرد.

سپس گریه کرد. علی علیه السلام عرض کرد: «یا رسول اللّه! سبب گریه شما چیست؟» فرمود: «ای علی! گریه می کنم برای آنچه حلال می شمارند از تو در این ماه؛ مثل این است که می بینم تو اراده نماز کرده ای و شقی ترینِ انسان ها از اولین تا آخرین، ضربه ای به سر تو می زند و محاسنت را با خون سرت خضاب (رنگین) می کند».

علی علیه السلام پرسید: «ای پیامبر خدا! در این حال آیا در سلامت دین به سر می برم؟ [در آن حال، حضرت علی علیه السلام به فکر خود و زندگی نیست، بلکه تنها از سلامت دین و اینکه بر صراط مستقیم کشته می شود یا نه جویا می شود.]پیامبر پاسخ داد: «در سلامت دین به سر می بری.» علی فرمود: «این از محل های شکر و بشارت است»؛ یعنی این بشارت و مژده ای است که به من می دهی و جای شکر آن باقی است.

سپس پیامبر فرمود: «ای علی! هر کس تو را بکشد، مرا کشته و هر کس به تو بغض بورزد، به من بغض ورزیده و هر کس به تو دشنام

دهد، مرا دشنام داده است؛ زیرا تو از منی؛ مانند خود من. روح تو از روح من است و سرشت تو از سرشت من (گِل تو از گِل من است) و خداوند، من و تو را از نور خودش آفرید. خداوند برگزید من و تو را. مرا برگزید برای نبوت و تو را برگزید برای امامت. پس هر کس امامتت را انکار کند، به تحقیق، نبوت مرا انکار کرده است».(۱)

دانش علی

علقمه از ابن مسعود نقل می کند: نزد پیامبر بودم که از علم حضرت علی علیه السلام سؤال شد. پیامبر فرمود: «حکمت را ده قسمت کردند؛ نه قسمت آن را به علی و یک قسمت آن را به دیگران دادند و علی علیه السلام به آن یک قسمت هم عالم تر است از دیگران».(۲)

علی؛ دروازه دانش

حاکم نیشابوری از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل می کند که حضرت فرمود: «من شهر علمم و علی دَرِ آن شهر است؛ پس هر کس اراده کند علم را، باید از دَرِ آن وارد شود»؛ یعنی هرکس بخواهد به علوم من دست یابد، باید از راه علی علیه السلام وارد شود.(۳)

علی؛ فاروق دین

ابولیلی غفاری گفت: شنیدم که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

به زودی بعد از من فتنه ای (آشوبی) به پا می شود. پس هرگاه چنین شد، ملازم و همراه علی بن ابی طالب علیه السلام باشید. به درستی که او

۱- ینابیع الموده، صص ۱۶۶ و ۱۶۷؛ امالی صدوق، مجلس بیستم، ح ۴.
۲- ینابیع الموده، ج ۱، ص ۲۱۵؛ البدایه و النهایه، ج ۷، ص ۳۹۶؛ محمد بن احمد الذهبی، میزان الاعتدال، بیروت، دارالمعرفه، ۱۳۸۲ ه_ . ق، ج ۱، ص ۱۲۴.
۳- المستدرک، ج ۳، ص ۱۲۶.

نخستین کسی است که به من ایمان آورده است و اولین کسی است که در قیامت با من مصافحه می کند (دست می دهد). او راست گوی بزرگی است. او فاروقِ این امت است (فاروق یعنی تفکیک کننده بین حق و باطل) و سخن و فعل او فصل ختام بین حق و باطل است. وجود شریفش محک و معیار حق و باطل است که هر جا او باشد، حق و هر کس با او نباشد، باطل است. او یعسوب (محور) مؤمنان است.(۱)

عبادت بی ولای علی؛ عبادت بی روح و جان

پیامبر از خانه زینب، دختر جحش، خارج شد و به خانه ام سلمه (همسرش) آمد. آن روز نوبت ام سلمه بود که پیامبر در خانه اش باشد. پس از مدتی حضرت علی علیه السلام آمد. پیامبر فرمود:

ای ام سلمه! او را دوست بدار. گوشت او از گوشت من است، خون او از خون من و او صندوق علم من است (مرکز و خزینه علم من است). گوش کن و شهادت بده؛ به درستی که او می جنگد با ناکثین (ناکث از نکث می آید؛ یعنی پیمان شکن و منظور، طلحه و زبیر و عایشه اند که جنگ جمل را به راه انداختند) و با قاسطین (قاسط از قسط می آید؛ قسط دو معنای متضاد دارد. قسط مساوی با عدل و همچنین مساوی با ظلم است و در اینجا منظور ظالمان امت است و همان معاویه و اهل شام را شامل می شود که جنگ صفین را به راه انداختند) و با مارقین (در اینجا منظور خوارج نهروان هستند که جنگ نهروان را برپا کردند). بعد از من، او درهم شکننده دشمنان من و احیاکننده سنّت من است. [ای ام سلمه!]گوش کن و شهادت ده (شاهد باش). اگر بنده ای [از بندگان خدا] عبادت کند خداوند را

۱- میزان الاعتدال، ج ۱، ص ۱۸۸؛ ابن حجر، لسان المیزان، بیروت، مؤسسه اعلمی، ۱۳۹۰ هـ . ق، چ ۲، ج ۲، ص ۴۱۴.

هزار سال و هزار سال و هزار سال در بین رکن و مقام [در مکه]و ملاقات کند خدای را درحالی که بغض علی و عترت من در او باشد، خداوند او را در قیامت به رو در جهنم می افکند.(۱)

شکوه علی

علی علیه السلام فرمود: روزی که خیبر را به قدرت خدا فتح کردم، رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

اگر نمی گفتند طایفه ای از امت من [درباره تو] آنچه نصارا درباره حضرت عیسی بن مریم گفته اند (یعنی اگر نمی ترسیدم که بعضی از طایفه های مسلمان بگویند درباره تو آنچه را درباره عیسی گفته اند و او را پسر خدا خواندند)، سخنی درباره تو می گفتم که مرور نکنی (عبور نکنی) بر طایفه ای از مسلمانان، مگر اینکه از خاک پاهایت (خاک کف کفش هایت، خاک جای پایت) و از زیادی آب وضویت جهت شفاخواهی بر دارند [ولی می ترسم و نمی گویم].

پس کافی است [در مقام و منزلت تو] که تو از منی و من از تو. از من ارث می بری و از تو ارث می برم. تو برای من به منزله هارون هستی برای موسی، مگر اینکه بعد از من پیامبری نیست. (یعنی همان طور که هارون جانشین موسی بود، تو هم جانشین منی، جز اینکه چون بعد از من پیامبری نیست و پیامبری به من ختم می شود، تو پیامبر نیستی، ولی جانشین من هستی).(۲)

پاداش ضربت شمشیر علی علیه السلام

«ضربه شمشیر امیرمؤمنان علی علیه السلام [به عمرو بن عبدود] در روز خندق (جنگ خندق)، بر همه اعمال (عبادت های) امت من تا قیامت

۱- ابن عساکر، تاریخ مدینه دمشق، بیروت، دارالفکر، للطباعه و النشر، ۱۴۱۵ هـ . ق، ج ۴۲، ص ۴۷۰؛ کشف الغمه، ج ۱، ص ۹۰؛ ینابیع الموده، ج ۱، ص ۳۹۰.

۲- الموفق خوارزمی، المناقب، ص ۱۵۹.

برتری دارد».(۱)

علی علیه السلام؛ بهترین فرد بشر

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «علی بهترین فرد بشر است؛ هر که در این شک کند، کافر است».(۲)

رسول رحمت در کلامی دیگر فرمود: «هر کس نگوید علی بهترین فرد مردم است، کافر شده است».(۳)

به همین دلیل، اصحاب رسول خدا صلی الله علیه و آله هر وقت علی علیه السلام را می دیدند که می آید، به یکدیگر می گفتند: «خَیْرُ الْبَرّیه؛ بهترین انسان ها» آمد.(۴)

علی علیه السلام و شیعیانش؛ رستگاران روز جزا

جابر بن عبدالله انصاری می گوید: نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله بودیم که علی علیه السلام از راه رسید. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «به آن خدایی که جانم به دست اوست، این (علی) و شیعیانش، تنها و تنها ایشان، رستگاران روز قیامتند».(۵)

پیامبر خدا فرمود: «ای علی! خدای تعالی تو را و ذرّیه ات و فرزندانت و خانه ات و شیعیانت و دوستان شیعیانت را آمرزیده است».(۶)

۱- ینابیع الموده، ج ۱، ص ۴۱۲.
۲- تاریخ بغداد، ج ۷، ص ۴۷۱؛ محمدباقر موسوی، علی در کتب اهل سنّت، تهران، پورشاد، ۱۳۸۲، ص ۲۰۲.
۳- احمد بن علی بن حجر عسقلانی، تهذیب التهذیب، حیدرآباد دکن، دائره المعارف النظامیه، ۱۳۲۷ هـ . ق، ج ۹، ص ۴۱۹.
۴- تفسیر سیوطی، در ذیل آیه: «ان الذین آمنوا و عملوا الصالحات هم خیر البریه»؛ علی در کتب اهل سنّت، ص ۲۰۳.
۵- ینابیع الموده، ج ۱، ص ۱۹۷.
۶- محمد بن عبدالکریم شبستری، کنوز الحقائق، طهران، ص ۹۲؛ مجمع الزوائد، ج ۹، ص ۱۳۱؛ ابن حجر، صواعق المحرقه، ص ۹۶؛ علی در کتب اهل سنّت، ص ۲۰۳.

اطاعت از علی علیه السلام ؛ اطاعت از خدا

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

هر که مرا اطاعت کند، خدای را اطاعت کرده و هر که مرا نافرمانی کند، خدای را نافرمانی کرده است و هر که علی را اطاعت کند، مرا اطاعت کرده و هر که علی را نافرمانی کند، مرا نافرمانی کرده است.(۱)

آن حضرت در جایی دیگر فرمود: «حق علی بر مسلمانان، حق پدر بر فرزندان است».(۲)

جابر می گوید: از رسول خدا صلی الله علیه و آله درحالی که بازوهای علی علیه السلام را گرفته بود، شنیدم که با صدای بلند می فرمود:

هذا اَمیرُ الْبَرَرَهِ وَ قاتِلُ الفَجَرَهِ، مَنْصُورٌ مَنْ نَصَرَهْ، فَخْذُولٌ مَنْ خَذَلَهُ.(۳)

این پیشوای ابرار و نیکان و کشنده فجار است. کسی است که یاورانش یاری می شوند و آنان که از یاری اش مضایقه کنند، بیچاره خواهند شد.

علی علیه السلام همواره با حق و حق همواره با علی علیه السلام است

ام سلمه (همسر پیامبر) می گوید: از پیامبر شنیدم که فرمود: «علی با حق است و حق با علی است و یک چشم بر هم زدن از هم جدا نمی شوند تا کنار حوض کوثر مرا ببینند».(۴)

۱- مستدرک الصحیحین، ج ۳، ص ۱۲۱.

۲- ریاض النضره، ج ۲، ص ۱۶۷؛ کنوز الحقائق، ص ۶۴.

۳- احمد بن عبدالله ابونعیم، حلیه الاولیاء، قاهره، مکتبه الدخانچی، ۱۳۵۱، ج ۱، ص ۶۴؛ الصواعق المحرقه، ص ۷۶؛ مؤمن شبلنجی، نور الابصار، قم، شریف الرضی، ۱۳۷۳، ص ۷۳؛ مجمع الزوائد، ج ۹، ص ۱۱۲؛ ریاض النضره، ج ۲، ص ۲۰۷؛ متقی، کنزالعمال، ج ۳، ص ۳۱۹؛ مستدرک الصحیحین، ج ۳، ص ۱۲۹، روایاتی به این مضمون دارند.

۴- تاریخ بغداد، ج ۱۴، ص ۳۱۱.

علی علیه السلام با قرآن و قرآن با علی علیه السلام

ام سلمه نقل می کند که پیامبر فرمود: «علی با قرآن است و قرآن با علی است؛ از هم جدا نمی شوند تا کنار حوض کوثر مرا ببینند».(۱)

نظر به علی علیه السلام ؛ عبادت

معاذه غفاریه می گوید: روزی به خانه عایشه وارد شدم، دیدم علی علیه السلام در حال خارج شدن است و رسول خدا صلی الله علیه و آله به عایشه می گوید: «ای عایشه! این مرد محبوب ترین و گرامی ترین مردان نزد من است. حق او را بشناس و احترامش را داشته باش».

این بود تا روزی بعد از جنگ جمل ــ جنگی است که عایشه با همکاری طلحه و زبیر بر ضد علی علیه السلام به راه انداخت ــ به عایشه گفتم: امروز دلت با علی علیه السلام چگونه است بعد از آن فرمایشاتی که آن روز رسول خدا صلی الله علیه و آله درباره علی علیه السلام به تو فرمود؟ گفت: ای معاذه! دلم چگونه می تواند باشد درباره مردی که هر وقت بر ما وارد می شد و پدرم ابوبکر نیز در منزل ما بود، از نظر کردن به روی او خسته نمی شد. می پرسیدم: پدرجان (ابوبکر)! چرا این قدر به روی علی علیه السلام نگاه می کنی؟ می گفت: دخترم از رسول خدا صلی الله علیه و آله شنیدم که می فرمود: «النَّظَرُ اِلی وَجْهِ علی عِبادَه؛ نظر کردن به روی علی عبادت است».(۲)

ذریّه رسول خدا صلی الله علیه و آله در صلب علی

۱- مستدرک الصحیحین، ج ۳، ص ۱۲۴؛ کنز العمال، ج ۶، ص ۱۵۳؛ حامد حسین بن محمدقلی کنتوری، فیض القدیر، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۶، ج ۴، ص ۳۵۶؛ مجمع الزوائد، ج ۹، ص ۱۴۳؛ الصواعق المحرقه، ص ۷۶؛ نورالابصار، ص ۷۵، روایاتی قریب به این مضمون نقل می کنند، به نقل از: علی در کتب اهل سنّت، ص ۲۰۹.

۲- ریاض النضره، ج ۲، ص ۲۱۹؛ علی در کتب اهل سنّت، ص ۲۱۰.

عبدالله بن عباس روایت می کند: من و پدرم، عباس بن عبدالمطلب، نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله نشسته بودیم که علی بن ابی طالب وارد شد و سلام کرد. رسول خدا صلی الله علیه و آله پاسخ سلامش را گفت و اظهار مسرت و بشاشت فرمود. برخاست با او معانقه کرد و بین دو چشمش را بوسید و در طرف راست خود بنشانید. عباس گفت: یا رسول اللّه! او را دوست می داری؟

فرمود: «ای عمو! به خدا سوگند خدای تعالی او را بیشتر از من دوست می دارد؛ چه خدای تعالی ذریّه هر پیغمبری را در صلب خود او قرار داده، ولی ذریّه مرا در صلب این (علی) قرار داده است».(۱)

دوست دار علی؛ دوست دار خدا و نبی

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

ای علی! امت بعد از من با تو دشمنی و نیرنگ می کنند و تو تا زنده ای، بر ملت من و دین من زنده خواهی بود و بر سنّت من نیز کشته می شوی. هر کس تو را دوست بدارد، مرا دوست داشته و هر کس تو را دشمن بدارد، مرا دشمن داشته است و به زودی این، به وسیله این، خضاب می شود. (یعنی محاسنت به خون سرت رنگین می گردد).(۲)

پاداش دوستان علی علیه السلام و کیفر دشمنانش

زید بن ارقم گفت: رسول خدا صلی الله علیه و آله برای ما سخنرانی کرد و فرمود:

هر که می خواهد زندگی و مرگش همچون زندگی و مرگ من باشد

۱- تاریخ بغداد، ج ۱، ۳۱۶. ریاض النضره، ج ۲، ۱۶۸.

۲- مستدرک الصحیحین، ج ۳، ص ۱۲۷؛ تاریخ بغداد، ج ۴، ص ۴۰؛ ریاض النضره، ج ۲، ص ۱۶۶.

و در آن بهشت که خدا به من وعده داده است با من باشد، علی بن ابی طالب را دوست بدارد؛ چون او شما را هرگز از هدایت بیرون و به گمراهی داخل نمی کند.(۱)

عمار بن یاسر گفت: از رسول خدا صلی الله علیه و آله شنیدم که می فرمود: «ای علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست بدارد و درباره ات راست بگوید و وای به حال آن کس که تو را دشمن بدارد و درباره ات دروغ بگوید».(۲)

پیامبر خدا فرمود:

هر کس می خواهد مانند زندگی مرا داشته باشد و همانند من بمیرد و در جنت عدن که پروردگارم آن را به پا داشته است، مسکن گزیند، باید بعد از من، علی و دوستان علی را دوست بدارد و به امامان بعد از من که همه از عترت منند، اقتدا کند؛ چون آنان از طینت من خلق شده اند و از علمی و فهمی جداگانه بهره مند شده اند. وای به حال کسی از امت من که فضایل آنان را تکذیب و رَحِمْ مرا نسبت به آنان قطع کند؛ چه خداوند شفاعت مرا به آنان نمی رساند.(۳)

آن خاتم رسولان در جایی دیگر فرمود: «ای علی! همین تو را بس است که دوست دارانت در دمِ مرگ، حسرتی و در قبر وحشتی و در قیامت فزعی ندارند».(۴)

از منظر رسول خدا صلی الله علیه و آله «دوستی علی علیه السلام گناهان را می خورد،

۱- مستدرک الصحیحین، ج ۳، ص ۱۲۸؛ مجمع الزوائد، ج ۹، ص ۱۰۸؛ حلیه الاولیاء، ج ۴، ص ۳۴۹؛ کنز العمال، ج ۶، ص ۱۵۵.

۲- مستدرک الصحیحین، ج ۳، ص ۱۳۵؛ تاریخ بغداد، ج ۹، ص ۷۱؛ مجمع الزوائد، ج ۹، ص ۱۳۲؛ ریاض النضره، ج ۲، ص ۲۱۵.

۳- حلیه الاولیاء، ج ۱، ص ۸۶؛ کنزالعمال، ج ۶، ص ۲۱۷.

۴- تاریخ بغداد، ج ۴، ص ۱۰۲.

آنچنان که آتش، هیزم را».(۱)

و هنگـامی که از آن حضـرت پرسـیدند: آیـا برای عبـور از آتش دوزخ، جوازی هست (پلی هست)؟ فرمود: «آری». پرسـیدند: چیست؟ فرمود: «محبت علی بن ابی طالب علیه السلام ».(۲)

بدیهی است که دوستی بدون تبرّا مفهومی ندارد و همچنین کسی که ولایت را بپذیرد و دوست حضرت شود، به گناه فکر هم نمی کند، چه برسد که گناهی انجام دهد.

رفتار با علی؛ رفتار با نبی

ام سـلمه می گوید: من از رسول خدا صـلی الله علیه و آله شـنیدم که می فرمود: «هر کس علی علیه السـلام را دشـنام دهد، مرا دشنام داده و هر کس مرا دشنام دهد، خدای را دشنام داده است».(۳)

ابن عبـاس بعـد از اینکه نابینا شـد، از مجلسـی از مجالس قریش عبور می کرد که به علی بن ابی طالب ناسـزا می گفتنـد. او به عصاکش خود گفت: مرا برگردان و چون او را برگردانید، به بانگ بلند گفت: کدام یک از شما به خدا ناسزا می گفت؟ همه با تعجب گفتند: سـبحان الله! کسی که خدا را ناسزا بگوید، مشرک است. گفت: کدام یک از شما به رسول خدا صلی الله علیه و آله ناسـزا می گفت؟ باز گفتند: سـبحان اللّه! ناسـزا به رسول خدا، کفر است. گفت: کدام یک از شـما بود که به علی ناسـزا می گفت؟ گفتند: اما این را ما گفتیم. ابن عباس گفت: پس بشنوید که من خدای را شاهد

۱- کنوز الحقائق، صص ۶۲ و ۶۳؛ کنزالعمال، ج ۶، ص ۱۵۸؛ ریاض النضره، ج ۲، ص ۳۱۵.

۲- تاریخ بغداد، ج ۳، ص ۱۶۱ و ج ۴، ص ۱۹۴.

۳- مستدرک الصحیحین، ج ۳، ص ۱۲۱؛ کنزالعمال، ج ۶، ص ۴۰۱.

می گیرم که از رسول خدا صلی الله علیه و آله شنیدم که می فرمود: «هر کس علی را ناسزا بگوید، مرا ناسزا گفته و هر کس مرا ناسزا بگوید، خدای را ناسزا گفته است و هر کس خدا را ناسزا بگوید، خدا با رو به آتشش می افکند».(۱)

به تصویر کشیدن دریای بی کران فضایل و مناقب مولای متقیان، علی بن ابی طالب علیه السلام کاری بس دشوار، بلکه محال و همچون جای دادن اقیانوسی بی کران در ظرفی محدود است.

با این همه، از آنجا که دشمنان سعی کردند مانع نشرِ صفات و فضایل این دریای نور شوند، تاکنون صدها کتاب و نوشته در بیان عظمت آن شخصیت بی نظیر نوشته شده و جالب اینکه بسیاری از آنها به دست کسانی نوشته شده است که شیعه نیستند.

۱- علی در کتب اهل سنّت؛ به نقل از: مستدرک الصحیحین، ج ۱، ص ۱۲۱؛ مسند احمد، ج ۶، ص ۳۲۳؛ ذخائر العقبی، ص ۶۶، ریاض النضره، ج ۲، ص ۱۶۶.

فصل سوم: سیمای امام علی علیه السلام از نگاه دیگران

اشاره

فصل سوم: سیمای امام علی علیه السلام از نگاه دیگران

این بخش، گوشه ای از سخنان نویسندگان اهل سنّت و اندیشمندان غیراسلامی را درباره علی علیه السلام بیان می کند. هر چند با وجود سخنانی که از زبان پروردگار و رسول گرامی و جانشینان برحق او در این باب رفته است، دیگر به هیچ اندیشه ای نیاز نیست، ولی قصد ما این است که بنگریم و بدانیم دیگران علی علیه السلام را چگونه شناخته اند.

ابن حجر در الصواعق المحرقه می نویسد: معاویه از خالد بن معمر پرسید: چرا علی علیه السلام را بر ما ترجیح می دهی؟ گفت: به سه دلیل: به خاطر حلمش، آنجا که غضب می کند؛ به خاطر صداقتش، آنگاه که سخن می گوید؛ و برای عدالتش، هنگامی که حکم می راند.

وی همچنین می گوید: هنگامی که خبر کشته شدن علی بن ابی طالب علیه السلام به عایشه رسید، گفت: از امروز به بعد، عرب هر کاری که می خواهد، بکند؛ زیرا دیگر علی نیست که جلو او را بگیرد.(۱)

معاویه بن ابی سفیان هم گریست

معاویه بن ابی سفیان هم گریست

در روایت است که ضرار بن ضمره کنانی پس از شهادت علی علیه السلام بر معاویه وارد شد. معاویه گفت: از اوصاف علی برایم بگو. گفت: اگر

۱- استیعاب، ج ۲، ص ۴۶۹.

ممکن است مرا معاف دار و اگر معافم نمی داری، پس آگاه باش که او مردی بود که فهم و درک هیچ انسانی به مقام بلند او نمی رسید. بسیار قوی و نیرومند بود. سخنش در نهایت ایجاز، بیشترین معنا را دربرداشت. حکمش به عدل بود. علم از پیرامونش می جوشید و حکمت از سراپایش می بارید. از دنیا و فریبندگی های آن سخت هراس داشت. با شب و تاریکی آن مأنوس بود. دین داران را بسیار گرامی و مسکینان را دوست می داشت. هیچ نیرومندی به وی طمع نمی بست و هیچ ناتوانی از عدالتش ناامید نبود. شب هنگام که ظلمت همه جا را دربرگرفته بود، دیدم که دست بر محاسن مبارك می گرفت و چون مارگزیده به خود می پیچید و گریه ای سوزناك سرمی داد. گویا هم اینك صدایش در گوشم طنین انداز است که می گفت: «ای دنیا! آیا به من رو کرده ای و می خواهی مرا به سوی خود متمایل سازی؟ هیهات! هیهات! دستت به من نمی رسد. نزد دیگران برو. من سه مرتبه تو را طلاق گفته ام؛ زیرا عمرت را کوتاه و مجلست را پست و حقیر و ارزشت را اندك یافتم. آه! آه! از کمی زاد و توشه و دوری راه و وحشت طریق».

وقتی سخن ضرار به اینجا رسید، اشك از چشمان معاویه سرازیر شد، آنچنان که نمی توانست جلو خویش را بگیرد. بغض، گلوی حاضران را گرفته بود. معاویه سپس گفت: آری، اباالحسن همین گونه بود. خدا رحمتش کند.(۱)

دانش علی بن ابی طالب علیه السلام

دانش علی بن ابی طالب علیه السلام

۱- علی در کتب اهل سنّت، ص ۴۳۱، به نقل از: حلیه الاولیا، ج ۱، ص ۸۴؛ الاستیعاب، ج ۲، ص ۴۶۳؛ ریاض النضره، ج ۲، ص ۲۱۲.

فخر رازی در ذیل آیه: «إِنَّ اللّهَ اصْطَفی آدَمَ وَ نُوحًا وَ آلَ إِبْراهیمَ وَ آلَ عِمْرانَ عَلَی الْعالَمینَ» (آل عمران: ۳۳) روایت می کند که علی علیه السلام فرمود: «پیامبر خدا هزار باب دانش را به من آموخت که خودم از هر باب، هزار باب دیگر استنباط کردم».(۱)

همچنین گفته شده است معاویه همواره مسائلی را که برایش پیش می آمد، می نوشت و از علی علیه السلام می پرسید. هنگامی که شنید علی کشته شده است، گفت: فقه و دانش با مرگ پسر ابی طالب مُرد.(۲)

از عبداللّه بن عباس روایت است که گفت: «اگر دانش را ده قسمت فرض کنیم، به خدا سوگند! نُه قسمت در علی علیه السلام است و در قسمت دهم نیز با دیگر مردم شریک است».(۳)

از سعید بن مسیب روایت کرده اند که گفت: «احدی در زندگی نگفت سَلونی (هرچه می خواهید از من بپرسید) به غیر از علی بن ابی طالب».(۴)

علی علیه السلام _ با اشاره به سینه خود _ به کمیل بن زیاد فرمود: «در اینجا دانش فراوانی جمع است. افسوس که کسی را نمی یابم که بتواند حامل این علوم شود تا آن را به او منتقل سازم. گو اینکه اشخاص بااستعدادی هستند، اما امین نیستند؛ از آنانی هستند که دین را برای دنیا به کار می بندند».(۵)

علی علیه السلام از تورات می گوید

علی علیه السلام از تورات می گوید

۱- تفسیر رازی، ج ۸، ص ۲۱.

۲- استیعاب، ج ۲، ص ۴۶۳.

۳- استیعاب، ج ۲، ص ۴۶۲؛ اسدالغابه، ج ۴، ص ۲۲.

۴- علی در کتب اهل سنّت، ص ۳۱۲، به نقل از: الاستیعاب، ج ۲، ص ۴۶۲؛ اسدالغابه، ج ۴، ص ۲۲؛ الصواعق المحرقه، ص ۷۶؛ ریاض النضره، ج ۲، ص ۱۹۸.

۵- کنز العمال، ج ۶، ص ۱۵۳؛ تاریخ بغداد، ج ۴، ص ۱۵۸؛ حلیه الاولیا، ج ۱، ص ۱۶۵ و ج ۷، ص ۳۴؛ محمد بن سعد، طبقات ابن سعد، تهران، نشر نو، ۱۳۶۵، ج ۲، ص ۱۰۱؛ ریاض النضره، ج ۲، ص ۱۹۴؛ ذخائر العقبی، ص ۷۸؛ تهذیب التهذیب، ج ۷، ص ۳۳۸.

اصبغ بن نباته روایت کرده است که نزد علی علیه السلام نشسته بودم که مرد یهودی در آمد و گفت: ای علی! برایم بازگو که خدا از چه زمانی بوده است؟

امام فرمود: «ای برادر یهودی! آنچه برایت می گویم، با گوش هایت نیک بشنو و با قلبت نیکو حفظ کن؛ زیرا من پاسخ را از همان کتابی می دهم که خدای تعالی به موسی علیه السلام نازل کرده است. اگر تو، کتاب آسمانی ات را خوانده و حفظ کرده باشی، خواهی دانست که این پاسخ در آن کتاب هست.

به کسی صحیح است گفته شود که از چه زمانی بوده است که وجودش مسبوق به عدم باشد؛ یعنی زمانی نبوده، سپس به وجود آمده باشد، اما خدای تعالی لایزال بدون کیف بوده و بودنش چون بودن دیگر بودها نیست. لایزال قبل از قبل و بعد از بعد بوده و لم یزال بدون کیف و بدون غایت و منتها خواهد بود. هر غایتی به سوی او منتهی می شود و او غایت هر غایتی است».

مرد یهودی گریست و گفت: ای علی! به خدا سوگند در تورات همین گونه آمده است. پس شهادتین گفت و مسلمان شد.(۱)

عمر بن خطاب و علی علیه السلام

عمر بن خطاب و علی علیه السلام

مأمون الرشید از مهدی عباسی از منصور دوانیقی از پدرش از عبدالله بن عباس روایت می کند که از عمر بن خطاب شنیدم که می گفت: «هرگز علی را به بدی یاد نکنید که من از رسول خدا صلی الله علیه و آله درباره او رفتارها دیدم که اگر یکی از آنها را با آل خطاب انجام داده بود، در نظرم از تمامی آنچه آفتاب بر آن می تابد، محبوب تر

۱- علی در کتب اهل سنّت، ص ۳۱۴، به نقل از: کنزالعمال، ج ۱، ص ۱۰۳.

بود».

آنگاه ابن عباس می گوید: «علی به داشتن چند خصلت رستگار شده است: یکی، دامادی رسول خدا؛ دیگری، بذل و بخشش به فقرا؛ سوم، دانش به ظاهر قرآن و چهارم، آگاهی از تأویل و باطن قرآن».

همچنین از عمر بن خطاب نقل است که گفت: رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: «هیچ مزدی در دنیا به دست کسی نمی آید که به پای فضل علی علیه السلام برسد که صاحبش را هدایت، راهبری و از هلاکت دور کند».(۱)

علی علیه السلام، نخستین ایمان آورنده به رسول خدا صلی الله علیه و آله

علی علیه السلام، نخستین ایمان آورنده به رسول خدا صلی الله علیه و آله

از معاذ بن جبل روایت شده است که پیامبر به علی علیه السلام فرمود:

تو به هفت دلیل بر مردم تقدم داری که هیچ یک از قریش آن را ندارند:

۱. نخستین ایشانی در ایمان به پروردگار؛

۲. وفادارترین ایشانی به عهد خدا؛

۳. پایدارترین ایشانی در امر خدا؛

۴. عادل ترین ایشانی در تقسیم؛

۵. منصف ترین ایشانی با رعیت؛

۶. بیناترین ایشانی در قضاوت؛

۷. برترین ایشانی در منزلت نزد پروردگار.(۲)

بیهقی به سند خود از حسن روایت کرده است که گفت: «نخستین کسی که به پیامبر ایمان آورد، علی بن ابی طالب علیه السلام بود، درحالی که پانزده یا شانزده

۱- علی در کتب اهل سنّت، ص ۳۱۷ به نقل از: احمد بن الحسین بیهقی، سنن بیهقی، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۴ ه‍ـ . ق، ج ۵، ص ۵۹؛ ریاض النضره، ج ۲، ص ۱۹۴؛ کنزالعمال، ج ۴، ص ۳۴۳؛ الاستیعاب، ج ۲، ص ۴۶۲.

۲- حلیه الاولیا، ج ۱، ص ۶۶؛ ریاض النضره، ج ۲، ص ۱۹۷.

سال از عمرش می گذشت».(۱)

از اسحاق روایت است که علی ابن ابی طالب علیه السلام، نخستین کسی از مردان بود که به رسول الله صلی الله علیه و آله ایمان آورد و با او نماز خواند و او را در آنچه از ناحیه خدا آورده بود، تصدیق کرد، با اینکه در آن روز ده ساله بود. یکی از نعمت هایی که خداوند به علی علیه السلام عنایت فرموده بود، همین بود که قبل از اسلام نیز در دامن رسول خدا صلی الله علیه و آله پرورش یافت.(۲)

عفیف کندی می گوید: «اگر خدای تعالی مرا موفق به اسلام کرد، این افتخار را نیز نصیبم ساخت که من دومین نفر بودم که پس از علی علیه السلام اسلام آوردم».(۳)

یکی از انصار روایت می کند از زید بن ارقم شنیدم که می گفت: «نخستین کسی که اسلام آورد، علی علیه السلام بود».(۴)

بسیاری از دانشمندان اهل سنّت می گویند که علی علیه السلام، نخستین مسلمان بود و کلبی می گوید که وی در آن زمان نُه ساله بوده است.(۵)

علی علیه السلام؛ دایر مدار حق

علی علیه السلام ؛ دایر مدار حق

فخر رازی ذیل تفسیر «بسم اللّه» می گوید:

هر که در دینش از علی بن ابی طالب علیه السلام پیروی کند، راه خدا را یافته است و دلیل آن، کلام پیامبر است که در دعایش گفت: «بارالها! حق

۱- سنن بیهقی، ج ۶، ص ۲۰۶؛ مجمع الزوائد، ج ۹، ص ۱۰۲.

۲- تاریخ طبری، ج ۲، ص ۷۵.

۳- تهذیب التهذیب، ج ۷، ص ۲۳۶.

۴- محمد بن عیسی ترمذی، صحیح ترمذی، دهلی، المجتبائی، ۱۳۲۸ هـ . ق، ج ۲، ص ۳۰۱.

۵- نک: علی در کتب اهل سنّت، ص ۲۱ به نقل از: مستدرک الصحیحین، ج ۳، ص ۱۳۶؛ خصائص، ص ۲؛ طبقات، ج ۳، ص ۱۲؛ اسدالغابه، ج ۴، ص ۱۷؛

را دایرمـدار علی کـن. هر کس علی را امـام و پیشـوای خـود بگیرد، در دیـن و نفس خـویش بـه عروه الـوثقی متمسـک شـده است».(۱)

در حـدیث دیگری آمـده است که پیامبر فرمود: «خـدا علی را رحمت کنـد. بارالها! حق و علی را همواره با هم به جریان انداز. آن را معرّف این و این را معرّف آن قرار بده».(۲)

در روایـت است عمر بن خطـاب از مردم پرسـید: پس از من چه کسـی را خلیفه می کنیـد؟ مردی گفت: زبیر بن عـوام را. عمر گفت: در این صورت، مردی بخیل و بـداخلاق را خلیفه کرده اید. از فرد دیگری نام بردند و عمر عیب او را نیز گفت تا آنکه فردی گفت: علی بن ابی طالب را برمی گزینیم. عمر گفت: به جان خودم که چنین نمی کنید. به آن خدایی که جانم به دست اوست، اگر می کردید، او شما را بر حق وادار می کرد، هرچند نپسندید.(۳)

علی علیه السلام از منظر نویسندگان

اشاره

علی علیه السلام از منظر نویسندگان

زیر فصل ها

میخاییل نعیمه

جبران خلیل جبران

گابریل آنکیری

عباس محمود العقاد

احمد امین مصری

علی الوردی

امام شافعی

ایلیاپاولویچ پتروشفسکی

بارون کارادیفو

توماس کارلایل

سلیمان کتانی

سلیمان بن ابراهیم قندوزی

ابن جوزی

نرسیسان

جورج جرداق

ابن ابی الحدید

محمد عبده

ردولف ژایگر

میخاییل نعیمه

میخاییل نعیمه

میخاییل نعیمه، دانشمند مسیحی لبنانی، از بزرگ ترین سرمایه های ادبیات و فلسفه معاصر عرب می گوید:

یک نویسنده و مورخ، هرچند نابغه و هنرمند باشد، هرگز نمی تواند ده هزار صفحه تصویر کامل از شخصیت علی علیه السلام و آن محیط پرآشوب و فتنه خیز ترسیم نماید؛ زیرا آنچه این عنصر بی پایان عربی بین خود و خدایش انجام داده، چیزی است که هیچ کس نشنیده و

۱- تفسیر رازی، ج ۱، ص ۲۰۵.

۲- صحیح ترمذی، ج ۲، ص ۲۹۸؛ مستدرک الصحیحین، ج ۳، ص ۱۲۴.

۳- کنزالعمال، ج ۶، ص ۱۵۸.

ندیده است و بیش از آن کارهایی است که از دست و زبان و قلم او برخاسته است.

پس در این صورت، هر چهره ای که از شخصیت او ترسیم کنیم، ناچار مبهم، نارسا و ناچیز خواهد بود. او نه تنها قهرمان صحنه های پیکار بود، بلکه در بینش، ژرف بینی، پاکی وجدان، بیان قاطع، انسانیت عمیق، بلندی هدف، یاری ستمدیدگان در برابر ستمکاران و پرستش بی شایبه اش در برابر حق، قهرمانی بزرگ به شمار می رفت.

این شکوه و عظمت او هرچند روزگاران زیادی بر آن می گذرد، همواره می تواند برای ما گنجینه پرمایه ای باشد که بدان توجه کنیم و امروز یا هر روز دیگر که نیازی به ساختن یک زندگی شایسته و سربلند داشتیم، از آن الهام گیریم.(۱)

جبران خلیل جبران

جبران خلیل جبران

وی که به «پیامبر شرق در جنوب» مشهور شده است، می گوید:

علی موجودی است که به عالی ترین درجات معانی هستی رسیده و به سوی کمال روح شتافته و آن را درک کرده است. شیفتگان آثار بلاغت علی دو دسته اند: یا دارای خرد کاملند و یا سرشت حساس و پاکی دارند، اما گمراهان این راه نه اخلاق و نه سرشت پاکی دارند.

به عقیده من، فرزند ابی طالب، نخستین عربی است که ملازمت و مجاورت روح کلی را برگزید و با آن همراز و دمساز شب گردید. او نخستین عربی است که لب هایش، آهنگ ترانه روح کلی را به مردم منعکس ساخت که پیش از آن مردم نشنیده بودند. بدین جهت در میان راه های پرفروغ بلاغت او و در تاریکی های گذشته خویش حیران ماندند. پس همه کس شیفته و دلداده او گشت. هر آن کس

۱- جورج جورداق، صوت العداله الانسانیه، تهران، نشر سماط، ۱۳۷۹، مقدمه ای بر جلد ۱، صص ۲۲ و ۲۳.

که با او دشمنی ورزید، از فرزندان جاهلیت و نادانی است.

علی از دنیا رفت، درحالی که شهید عظمت خویش شد. از دنیا چشم پوشید، درحالی که نماز، در میان دو لبش مترنّم بود. او درگذشت، درحالی که قلبش از شوق پروردگار سرشار بود.

عرب، مقام و قدرش را نشناخت تا آنکه از همسایگان عرب، مردمی از فارس به پا خاستند و گوهر و سنگ ریزه را از یکدیگر بازشناختند.(۱)

گابریل آنکیری

گابریل آنکیری

این نویسنده فرانسوی می گوید:

شخصیت علی دارای دو ویژگی برجسته و ممتاز است که در هیچ یک از قهرمانان ممتاز نمی توان یافت. نخست آنکه علی در عین حال که صاحب هر دو عنوان قهرمانی و امامت بود، سرداری شکست ناپذیر و خطیبی فصیح و دانشمندی الهی به شمار می رفت.

آیا ممکن است رولان یا بایار، دو قهرمان مشهور اروپا را تصور کرد که متون مقدس را استادانه تفسیر کرده و نکات مبهم تورات و انجیل را شرح داده و از بالای منبر نطق کرده و بغرنج ترین معضلات قانون مدنی و جزا را پاسخ گفته باشند؟

آیا می توان سن توماس داکن، سن ژان کریز و ستوم یاسوته را که سه روحانی بزرگ مذهب مسیحند، در نظر گرفت که شمشیر به دست بر خیل دشمنان هجوم آورده و دیوارهای محکم ترین دژها را فرو ریزند؟

ویژگی دیگر علی این است که از سوی همه مذاهب اسلامی مورد ستایش و تکریم است و بی آنکه خود خواسته باشد، تمام مذاهب و فرق اسلامی، او را پیشوای خود می شناسند، در صورتی که پیشوایانی چون نستوریوسن و موسیوس و لوتر، تنها مورد احترام کلیساهای

۱- صوت العداله الانسانیه، صص ۱۲۲۱ و ۱۲۲۲.

خود هستند و از سوی کلیساهای دیگر طرد شده اند.

علی که خطیبی زبردست و نویسنده ای توانا و قاضی قَدَری به شمار می رود، در صف مؤسسان و بنیان گذاران مکتب ما جای دارد و مکاتبی که او بنیان نهاده است، از نظر صراحت و روشنی و استحکام و نیز تمایل بارز آنها به ترقی و تجدد، امتیاز دارد.

علی بلندهمتی و نجابت را از حد گذرانده بود و در مقام بلاغت به پایه ای بود که گویی کلام خدا را مانند جواهر تراش می دهد.

آری، نجابت اخلاقی علی، همگان را به تعجب وامی دارد و در تمام عمرش حتی یک بار کسی نتوانست در اعمالش نقطه ضعفی بیابد.

او حتی در میادین جنگ و در سخت ترین شرایط نیز به نجابت و کمالات انسانی خویش پشت پا نزد. هنگامی که لشکریان معاویه در جنگی آب را تصرف کردند و از دستیابی لشکر امام به آب خودداری ورزیدند، علی فرمود: «ای لشکریان من! باید آب را از سلطه معاویه و لشکرش رها سازید.» وقتی آنان با حمله دلیرانه، منطقه آبخیز را به تصرف خود درآوردند، نیروهای امام خواستند مقابله به مثل کنند، اما علی سخت با این طرز تفکر مخالفت کرد و فرمود: «باید استفاده از آب برای همگان آزاد باشد».(۱)

عباس محمود العقاد

عباس محمود العقاد

امام علی به تحقیق در عبرت و علم و عمل و عقل، مسلمان و مؤمن حقیقی بود.(۲)

احمد امین مصری

احمد امین مصری

چیزی که بر مردم جامعه زمان علی قابل قبول و هضم نبود، دعوت امام به مساوات میان همه مردم و فرق نگذاشتن بین عالی و دانی،

۱- گابریل آنکیری، شهسوار اسلام، ترجمه: کاظم عبادی، تهران، سپهر، ۱۳۵۴، صص ۱۳۷ تا ۱۴۵؛ به نقل از: علی، راز ناشناخته.

۲- عباس محمود عقاد، عبقریه الامام علی علیه السلام، مصر، دارالمعارف، ص ۴۰.

شریف و وضیع، عرب و غیرعرب بود.(۱)

علی الوردی

علی الوردی

اگر علی نبود، اسلام از همان ادیانی بود که در راه برتری بر دیگران و استعمار موفق نمی شد و اگر علی نبود، از آن رحمتی که محمد بن عبداللّه صلی الله علیه و آله برای آن مبعوث شده بود، اثری باقی نمی ماند.(۲)

امام شافعی

امام شافعی

این پیشوای اهل سنّت می گوید:

اگر علی بن ابی طالب مقام خود را ظاهر کرده بود، هر آینه عموم مردم برای او سجده می کردند و همین جمله در مقام و فضیلت مولای ما، علی کافی است که بعضی از مردم به خدا بودن او معتقد شوند.

ایلیاپاولویچ پتروشفسکی

ایلیاپاولویچ پتروشفسکی

این نویسنده مارکسیست که استاد تاریخ دانشگاه لنین گراد است، می گوید:

علی، پرورده محمد و عمیقا به وی و اسلام وفادار بود. علی تا سرحد شور و عشق پایبند دین و صادق و درستکار بود. در امور اخلاقی بسیار خرده گیر بود و از نام جویی و مال پرستی به دور و بی شک، هم مردی سلحشور و هم شاعر بود که تمام صفات لازمه اولیای خدا در وجودش جمع شده بود.(۳)

بارون کارادیفو

بارون کارادیفو

این دانشمند فرانسوی می گوید:

علی مولود حوادث نبود، بلکه حوادث را او پدید می آورد. اعمال او،

۱- احمد امین، ضحی الاسلام، قاهره، مصر، ۱۳۵۵ هـ . ق، ج ۱، ص ۲۳.

۲- علی الوردی، «نقش وعاظ در اسلام»، ترجمه: محمدعلی خلیلی، تهران، مجله ماه نو، ص ۲۵۴.

۳- ایلیاپاولوویچ پتروشفسکی، اسلام در ایران، ترجمه: کریم کشاورز، تهران، پیام، ۱۳۵۰، صص ۴۹ و ۵۰.

مخلوق اندیشه و عاطفه و مخیله خود اوست و وجود و عدم آثار، بسته به وجود و شخصیت اوست. هیچ یک از بزرگان جهان، مانند علی احساسات بحث کننده را برنمی انگیزد؛ زیرا پهلوانی بود که در عین دلیری، دلسوز بود. شهسواری بود که در رزم آزمایی، صوفی و از دنیا گذشته بود. به مال و منصب دنیا بی اعتنا بود و در راه حقیقت، جان خویش را فدا کرد. روح بسیار ژرف داشت که ریشه آن ناپیدا بود و همیشه و همه جا خوف الهی آن را فرا گرفته بود.

علی، شجاع بی مانند و قهرمان بی همتا و یکه تازی بود که پهلو به پهلوی پیامبر اسلام می جنگید و به اعمال برگزیده و معجزه آسایی قیام می کرد که در تاریخ به شکوه از آنها یاد می شود.(۱)

توماس کارلایل

توماس کارلایل

علی بن ابی طالب، نخستین مردی است که به پیامبر اسلام ایمان آورد. این جوان شانزده ساله هنگامی که محمد نزدیکان خود را به دین اسلام دعوت کرد، آن زمان که همه حاضران در برابر دعوت محمد خاموش بودند، برخاست و با آهنگ پرحرارتی گفت: «من هستم آن یاور و یاریگر و ایمان آورنده به تو».

علی را جز آنکه دوست بداریم و شیفته او باشیم، چاره ای نداریم؛ زیرا جوان شریف بزرگواری بود. وجدان پاکی داشت که از مهربانی و نیکی لبریز و قلبش مملو از ایمان و فداکاری بود... . شجاع بود، ولی شجاعتی که با رقّت و لطف و دلسوزی و مهر و عاطفه ممزوج شده بود؛ شجاعتی که شوالیه های جنگ های صلیبی در قرون وسطا سزاوار آن بودند.

علی در کوفه به دست جنایت کاری کشته شد و خودش با شدت عدالتی که داشت، بر خود ستم کرد؛ زیرا او به دنبال این بود که عدالت کامل را پیدا کند و همه را مانند خود، عادل سازد.

۱- عبدالرحیم عقیقی بخشایشی، علی علیه السلام، حماسه جاودانه، قم، نشر نویه، ص ۲۷.

علی علیه السلام پیش از وفات درباره قاتل خود فرمود: اگر زنده ماندم، خودم می دانم که درباره او چه حکمی کنم و اگر درگذشتم، این حق به شما می رسد. بنابراین، اگر مایل باشید، قصاص کنید و در برابر ضربتی که به من زده است، فقط یک ضربت به او بزنید، ولی اگر از او درگذرید، با پرهیزکاری سازگارتر است.(۱)

سلیمان کتانی

سلیمان کتانی

این نویسنده مسیحی لبنانی که مدت های مدیدی را وقف پژوهش درباره زندگی علی علیه السلام کرده، نتیجه مطالعات خویش را در کتاب الامام علی گرد آورده است. وی می گوید:

سخن گفتن درباره امام علی علیه السلام از نظر قرب معنوی، کمتر از ایستادن در محراب عبادت نیست.(۲)

سلیمان بن ابراهیم قندوزی

سلیمان بن ابراهیم قندوزی

این دانشمند برجسته اهل سنّت می گوید:

من درباره مردی که یهود و نصارا در عین اینکه پیامبری محمد صلی الله علیه و آله را قبول ندارند، به وی احترام می گذارند، چه بگویم؟ درباره کسی که فلاسفه با تمام دشمنی شان با دین، باز به او احترام می نهند و آن حضرت را با عظمت یاد می کنند، چه بگویم؟

درباره شخصیتی که پادشاهان فرنگ و روم، صورتش را در عبادتگاه خود نقاشی کرده و او را به گونه ای مجسم می کنند که آماده جنگ است و پادشاهان ترک و دیلم، وی را روی شمشیرهای خود نقاشی کرده اند، چه بگویم؟ و درباره کسی که قهرمانان تاریخ و بزرگان، به نام و عکس او تبرّک می جستند و آن را وسیله تفأل به پیروزی و فتح

۱- روزنامه آیین اسلام، ش ۱، ص ۶۰ .

۲- سلیمان کتانی، امام علی پیشوا و پشتیبان، ترجمه: جواد هشترودی، تهران، محراب قلم، ۱۳۶۸.

می دانستند، چه می توانم بگویم؟(۱)

ابن جوزی

ابن جوزی

نویسنده حنفی مذهب تذکره الخواص می نویسد:

مردی از ابن عباس پرسید: به راستی که چقدر فضایل علی علیه السلام زیاد است، گمان می کنم که به سه هزار فضیلت برسد. ابن عباس در پاسخ گفت: فضایل علی علیه السلام به سی هزار نزدیک تر است تا به سه هزار.(۲)

نرسیسان

نرسیسان

سردبیر سفارت خانه بریتانیا در بغداد و اندیشمند مشهور مسیحیت گفته است:

اگر این خطیب بزرگ، علی بن ابی طالب علیه السلام، در عصر ما هم اکنون در مسجد کوفه بر منبر پا می نهاد، مشاهده می کردید که مسجد کوفه با آن پهناوری اش از سران و بزرگان اروپا موج می زد و همه می آمدند تا از دریای سرشار دانشش، روح خویش را سیراب سازند.(۳)

جورج جرداق

جورج جرداق

جورج جرداق در لابه لای بحث انقلاب کبیر فرانسه چنین می گوید:

در پرتو این روشنایی باید مراحل غنی و ارزنده تاریخ ما و هر تاریخ دیگری بررسی شود. و از این مراحل، مرحله ای است که قهرمان آن، علی بن ابی طالب، یکی از بزرگ مردانی است که در اعلان حقوق بشر شرکت داشتند و ما در موقع خود، به زودی سهم و نقش امام را در این مورد نشان خواهیم داد تا در تاریخ ما شرف و افتخار باشد و برای امروز ما نیز عامل محرکی برای پیشرفت باشد نه برای واماندن در گهواره دیروز.

در رأس این کاروان انقلابیان، علی بن ابی طالب قرار دارد که با

۱- ینابیع الموده، ص ۱۷۸.

۲- تذکره الخواص، ص ۱۳.

٣- صوت العداله الانسانيه، ص ٥٠١.

زنـدگی و مرگ خود و با آنچه به مردم آموخت و از خود برجای نهاد، همیشه سـربلند و پرافتخار خواهـد مانـد. همان علی بن ابی طـالبی که بـا شمشـیر خود در برابر لشـکر متجاوز ایسـتاد و با قلب و زبان خود در مقابل لشـکری از انـدیشه های ارتجاعی مقـاومت ورزیـد و بـا انـدیشه بی نظیر و سرسـختی خویش در برابر توفان ها، با لشـکری از سازمان های نجبا، فئودال ها و آز و طمع های بزرگان و سرشناسان ایستادگی کرد.

وی می افزاید:

لفظ آزادی که در زبان مردم مصـطلح بود، مفهومی بود ناقص و به آن اندازه معنا می داد که کسی بنده و برده دیگری نباشد، ولی آزادی موردنظر علی علیه السـلام چیز دیگری است. چیزی است که تمـدن ها می سازد و انقلاب های شـهری را بر پا می کند و بشـردوستی و ارتباط میان انسان ها را پدید می آورد. آزادی در نظر علی علیه السـلام اساس و مبنای دیگر حقوق انسان هاست.

نزد تاریـخ، حقیقت و واقعیت یکسان است؛ خواه بشناسـی یا نشناسـی. شـهید نامی، پـدر و سـرور بزرگ شـهیدان، علی بن ابی طالب، صوت عدالت انسانی و شخصیت جاویدان شرق است.

ایـن علی بـن ابی طـالب است که در قتـال و کـارزار، معنـای دیگری دانسـته بـود غیر از آنچه دیگران دانسـتند. به قصـد و نیت دیگری می جنگیـد غیر از آن نیـتی کـه دیگران داشـتند. بـا زهـد و ورع، جهـاد را برگزیـد و در راه محبـت بـه درمانـدگان و بیچارگان، به فتح قلعه ها پرداخت و کاخ دشمنان عدل و داد را با خاک یکسان کرد.

او در مکارم اخلاق و صفات عالیه انسانی، به حد کمال و اعلی رسیده بود.(۱)

جورج جرداق آنگاه با بیان ویژگی های گفتاری علی علیه السلام، در

۱- صوت العداله الانسانیه، صص ۱۷۴ و ۵۰۱.

پردازش نهج البلاغه می گوید:

منشور امام علی علیه السلام در نهج البلاغه از فکر و عاطفه انسانی ریشه می گیرد. سخنانش در نهج البلاغه زیبا و نغز است. زیبایی موضوع و بیان آن، چنان به هم آمیخته و آنچنان معنا و مدلول به هم پیوسته است که حرارت با آتش، نور با خورشید و هوا با فضا.

اگر علی علیه السلام فساد و مفسدان را تهدید می کند، همچون آتش سهمناك و پرغرش زبانه می کشد و اگر به استدلال منطقی می پردازد، عقل ها و احساسات و ادراکات بشری را مورد توجه قرار می دهد و راه هر نوع دلیل و برهان مخالف را می بندد و عظمت منطق و شکوه برهان خویش را به اثبات می رساند.

اگر تو را پند و اندرز می دهد، مهر پدری و راستی و وفا و گرمای محبتی بی پایان را در آن خواهی دید و اگر برای تو از ارزش هستی و زیبایی های خلقت و کمالات جهان هستی سخن می گوید، آنها را با مرکبی از نور ستارگان و ماه در قلب تو ترسیم می کند.

بلاغت بیان او از بلاغت قرآن سرچشمه گرفته است و با اصول و قواعد عربی پیوند دارد تا آنجا که گفته اند: کلام او از کلام خالق پایین تر و از کلام مخلوق برتر است.

ابن ابی الحدید

ابن ابی الحدید

این دانشمند اهل سنّت، در مقدمه شرح خود بر نهج البلاغه می گوید:

مهم ترین علتی که مردم از علی علیه السلام کناره گیری کردند و به معاویه پیوستند، این بود که برخلاف معاویه که از هیچ کوششی برای جلب مردم، با مال و قدرت و حفظ ریاست به هر وسیله دریغ نمی کرد، حضرت علی علیه السلام امتیازی بین ارباب و غلام، عرب و عجم، فقیر و غنی قائل نمی شد و هیچ گاه برای جلب افراد به سوی خود اقدامی نکرد.

علی علیه السلام فرهنگ غنی و اصیل اسلام را به جامعه وارد کرد و با اعمال و سخنرانی های خود آن را گسترش داد. امتیازات علی علیه السلام، از لحاظ عظمت و جلال و شهرت در آن حد اعلاست که شرح و بحث و تفصیل آن نارواست. من چه بگویم در حق مردی که دشمنانش نتوانستند عظمت و فضایلش را منکر شوند و همه آنان به برتری شخصیتش اعتراف کردند.(۱)

محمد عبده

محمد عبده

دیگر دانشمند اهل سنّت، محمد عبده، در شرح نهج البلاغه می گوید:

در هنگام مطالعه نهج البلاغه گاهی یک عقل نورانی را می دیدم که به مخلوق جسمانی شباهتی نداشت. این عقل نورانی از گروه ارواح و مجردات الهی ـ ملکوتیان ـ جدا شده و به روح انسانی پیوسته است و آن روح انسانی را از پوشاک های طبیعت تجزیه کرده تا ملکوت اعلا بالا برده و به عالم شهود و دیدار روشن ترین انوار نایل ساخته است و با این وصف شگفت انگیز، پس از رهایی از عوارض طبیعت در عالم قدس آرمیده است.

ردولف ژایگر

ردولف ژایگر

این نویسنده آلمانی می گوید:

علی علیه السلام نه تنها بزرگ ترین قاضی جهان اسلام بود، بلکه تا مدتی ریاست بیت المال را داشت و به اصطلاح امروز، وزیر دارایی مسلمانان محسوب می شد؛ چون کسی را امین تر و شریف تر از علی علیه السلام نمی شناختند تا کرورها زر و سیم بیت المال را به او بسپارند. عمارت دیوان مدینه برای نگهداری وجوه بیت المال نیز زیر نظر علی علیه السلام ساخته شد. هم او بود که عده بی شماری از ایرانیان را به سمت

۱- ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، بیروت، دارالاندلس، ۱۳۷۵، ج ۱، ص ۱۸۰ و ج ۲، ص ۱۹۷.

حسابداری وارد بیت المال کرد و گفت: «چون ایرانیان راست گو و امانت دار هستند».

آنان که عادت کرده بودند از بیت المال مستمری های گزاف دریافت کنند، از آمدن علی روی کرسی خلافت سخت ناراحت شدند؛ زیرا امام پیش از قطع مستمری ها به فرزندانش گفت: من می دانم که بر اثر قطع مستمری ها، بسیاری با من دشمن خواهند شد، ولی نمی توانم درآمد مسلمانان را به کسانی بدهم که استحقاق دریافت آن را ندارند.

من پیش از آنکه خلیفه شوم، می دیدم که بازماندگان شهدای جنگ به بیت المال مراجعه می کنند تا کمکی شود و شکم فرزندان شهدا را سیر کنند، اما به آنان جواب رد داده می شد. در همان حال صدها توانگر بودند و از بیت المال مستمری های زیاد می گرفتند.

من به خود گفتم که اگر دیگر بار امور بیت المال به دست من افتد، جلوی این مستمری های گزاف را خواهم گرفت و اینک موقعی است که به عهد خود وفا کنم و در این جهت از دشمنی کسی بیم ندارم؛ چون می دانم مطابق دستور خدا و رسولش رفتار می کنم.(۱)

وی می افزاید:

علی علیه السلام مبتکر علم نحو بود. او اِعراب را اختراع کرد و بر اثر همین ابتکار اوست که امروز هر کودک مبتدی مسلمان از جزایر خالدات واقع در مغرب گرفته تا جزایر اندونزی واقع در مشرق می تواند قرآن بخواند و کلمات نماز را صحیح تلفظ کند.

علی بن ابی طالب علیه السلام، یگانه دانشمند اسلام در آن عصر، بین اعراب چون نابغه ای بود که در بین یک مشت مردم جاهل و قشری متعصب

۱- ردولف ژایگر، خداوند علم و شمشیر، ترجمه: ذبیح الله منصوری، تهران، مجید، ۱۳۷۶، صص ۲۷ و ۱۵۴.

زندگی کند و نتواند منظور خویش را به آنان بفهماند.(۱)

ژایگر در زمینه دانش تجربی علی علیه السلام می نویسد:

مزیت علی بر دیگر اعراب در زمینه ستاره شناسی این بود که نام ستارگان را می دانست و صور فلکی ستارگان آسمان را خوب می شناخت؛ زیرا کتاب بطلمیوس را که ۴۳۸ سال پیش از آن تاریخ نوشته شده بود، خوانده بود.

علی زبان سریانی می دانست و کتاب هایی را که به آن زبان نوشته شده بود، می خواند و کتاب نجوم بطلمیوس را به زبان سریانی مطالعه و مندرجات آن را با ستارگان آسمان تطبیق می کرد.

وی در چهارده قرن پیش از این، به خاصیت درمانی محلول نقره پی برده بود و ما در قرن نوزدهم میلادی به این موضوع رسیده ایم، ولی نه به آن شکل ساده، بلکه از راه تجزیه و ترکیب ها و آزمایش های شیمیایی.

نظریه دیگر علی علیه السلام در طب، مربوط بود به داروی مداوای مرض جذام. علی علیه السلام می گفت اگر آهن خالص را در آب بیندازند و تکان دهند و آبش را بنوشند، سپس خود آهن خالص را روی زخم های جذام بمالند، بیمار بهبود می یابد. تصور می کنم آهن خالص تنها در یک نقطه از هندوستان (منطقه سومنات) موجود باشد. این نظریه فوق طبی، یکی از بدیع ترین نظریه های طبی و حتی شیمیایی است و اگر علی علیه السلام غیر از این چیزی نمی گفت، باز شایسته بود او را خداوندگار علم بنامیم.

نظریه دیگری که از سوی علی علیه السلام ابراز شد و در دوره او، دانشمندان دانشگاه جندی شاپور با تردید آن را می پذیرفتند، این بود که دوای هر مرض در وجود خود توست و تو از آن بی خبری. اگر می خواهی

۱- ردولف ژایگر، خداوند علم و شمشیر، ترجمه: ذبیح الله منصوری، تهران، مجید، ۱۳۷۶، ص ۳۰.

بهبود یابی، آن را به کارگیر. سپس فرمول آن را توضیح می داد و می فرمود: عامل پیدایش تمام مرض ها شکم است؛ یعنی پرخوری و خوردن غذای نامناسب، و اگر می خواهی مداوا شوی، غذای نامناسب نخور و امساک کن و در عین حال، روح خود را برای مداوا شدن آماده ساز.(۱)

او در بیان طرح های اجتماعی و عمرانی علی علیه السلام در جامعه آن روزگار می نویسد:

تاریخ نگاران اسلامی در زندگانی علی علیه السلام بیشتر به سه چیز توجه کرده اند: یکی امور جنگی اش، دیگری علم و تقوای او و سوم، کارهای عمرانی اش.

در عربستان آب کم بود و علی علیه السلام برای رفع مشکل کم آبی، متوسل به حفر قنات گردید که تا آن هنگام در عربستان سابقه نداشت و برای این کار از مقنی های ایرانی استفاده کرد.

علی علیه السلام برای توسعه شهر و ایجاد معابر نقشه ای کشید تا زمان عثمان عملی شد. وی به خلیفه دوم فرمود: باید مسجد پیامبر را توسعه داد. خانه من نیز جزو خانه هایی است که برای توسعه مسجد باید خراب شود، ولی من قیمت خانه خود را از بیت المال نمی خواهم و راضی هستم، اما صاحبان دیگر خانه ها باید راضی باشند. در غیر این صورت نمی توان مسجد را بنا کرد.(۲)

وی پس از آن، طرح های عمرانی علی علیه السلام را برمی شمرد که عبارتند از:

۱. راه اندازی آسیاب با آب قنات؛

۲. حفر خندق وسیع در معبر سیل در مکه؛

۱- ردولف ژایگر، خداوند علم و شمشیر، ترجمه: ذبیح الله منصوری، تهران، مجید، ۱۳۷۶، صص ۴۶، ۸۸، ۸۹ و ۹۲.

۲- ردولف ژایگر، خداوند علم و شمشیر، ترجمه: ذبیح الله منصوری، تهران، مجید، ۱۳۷۶، صص ۹۳ _ ۱۰۰.

۳. ایجاد نخستین دانشگاه اسلامی در سال بیست هجرت در صُفه؛

۴. ایجاد جاده شوسه بین بندر جده و شهر مکه؛

۵. احداث نخستین گرمابه در مدینه.(۱)

۱- ردولف ژایگر، خداوند علم و شمشیر، ترجمه: ذبیح الله منصوری، تهران، مجید، ۱۳۷۶، صص ۱۰۰ _ ۱۰۷.

فصل چهارم: علی علیه السلام و خلفا

اشاره

فصل چهارم: علی علیه السلام و خلفا

سخن در باب حیات سیاسی ـ اجتماعی رادمردی است که در میدان علم و عمل، سرآمد روزگار خویش و تمام دوران زندگی بشر است.

مناقب و فضایل این ابرمرد تاریخ سبب شده است که پیامبر گرامی اسلامی در حق او بگوید:

علی خیر البشر و مَن اَبا فقد کفر.(۱)

علی بهترین انسان هاست و هر که منکر باشد، به یقین کافر است.

مناجات های سوزناک علی علیه السلام در نخلستان های کوفه، بی باکی او در فتح خیبر، جسارتش در لیله المبیت و آنچه از فداکاری وی در راه اسلام گفته شد، از او مردی ساخته است که همگان را به اندیشه وامی دارد.

اینک سخن بر سر این است که نقش علی بن ابی طالب علیه السلام در سالیان مصادف با خلافت ابوبکر، عمر و عثمان چگونه بوده است؟ آیا در سکوت مطلق به سر برده یا در امور مهم سیاسی، اجتماعی و علمی جامعه، نقش تعیین کننده ای داشته است؟

علی علیه السلام دلسوز امت

علی علیه السلام دلسوز امت

۱- تاریخ مدینه دمشق، ج ۴۲، ص ۳۷۲.

هنگامی که ابوبکر در جریان سقیفه بنی ساعده به خلافت رسید، ابوسفیان که عمرش را در جنگ و توطئه بر ضد اسلام سپری کرده بود، با ظاهری نیک اندیشانه نزد ابن عباس آمد و با اعتراض گفت: چه شد که امر خلافت به پست ترین تیره قریش یعنی بنی تمیم سپرده شد. به خدا! اگر بخواهی با اینان به نبرد برخیزی، صحرا را از سواره و پیاده پر خواهم کرد.

سپس شتابان نزد علی علیه السلام آمد تا با وی بیعت کند. حضرت فرمود:

این [خلافت] آب گندیده است و لقمه ای است که در دهان خورنده آن گرفته می شود.(۱)

علی علیه السلام با آگاهی از نیت ناپاک ابوسفیان، برای پیشگیری از بروز آشفتگی در وحدت مسلمانان و نابودی تلاش های گران سنگ پیامبر اسلام، وی را می راند، هرچند همیشه به جریان سقیفه اعتراض داشت. حضرت می فرماید:

اوضاع به گونه ای است که اگر درباره خلافت سخن بگویم، می گویند علی به حکومت حریص است و اگر سکوت کنم، می گویند از ترس مرگ خاموش نشسته است. دور باد چنین پنداری از من پس از آن همه نبردهای سنگین در غزوات پیامبر! به خدا! انس پسر ابی طالب به مرگ بیشتر از انس کودک به پستان مادر است.(۲)

وی ادامه می دهد:

به خدا سوگند! هر آینه فلانی ــ ابوبکر ــ ردای خلافت را به تن کرد و خوب می داند که من در به گردش درآوردن خلافت همانند محور

۱- نهج البلاغه، گردآورنده: سیدرضی، قم، دارالهجره، خطبه ۵.

۲- نهج البلاغه، گردآورنده: سیدرضی، قم، دارالهجره، خطبه ۵.

سنگ های آسیا هستم که بدون آن نمی چرخند. سیل های علم و کمال از من جریان دارد و پرندگان بلندپرواز به بلندای اندیشه من نمی رسند. پس رها ساختم ردای خلافت را و دامنم را از آن برچیدم و در اندیشه شدم که با دستی تهی قیام کنم و به حق خویش دست یابم یا در محیط خفقان زا بردبار باشم؟ محیطی که پیران را فرسوده و کودکان را جوان و دل هر مؤمن را رنجیده سازد.

سرانجام صبر پیشه کردم که به عقل نزدیک تر بود. پس برای حفظ اصول دین صبر کردم، درحالی که در چشمم خاشاک و در گلویم استخوان بود؛ زیرا می دیدم میراثم به غارت می رود، تا اینکه ابوبکر زمان خود را به پایان رسانید و پس از خودش، خلافت را به دومی سپرد... .(۱)

علی علیه السلام در زمان ابوبکربن ابی قحافه

جنگ با روم

هنگامی که ابوبکر تصمیم گرفت به سوی روم لشکرکشی کند، با اصحاب پیامبر مشورت کرد و آنان سخنانی را در نفی و اثبات گفتند. ابوبکر درهمین باره با علی بن ابی طالب علیه السلام مشورت کرد. امام فرمود: «اگر چنین کنی، پیروز می شوی و من تو را به خیر بشارت می دهم».(۲)

پرسش نصرانی ها

سلمان فارسی نقل می کند که جاثلیقی همراه یک صد تن از نصارا بعد از رحلت پیامبر نزد ابوبکر آمدند و پرسش هایی مطرح کرد. ابوبکر جواب نداد و آنان را نزد امیرمؤمنان علی علیه السلام فرستاد. این گروه نزد

۱- نهج البلاغه، گردآورنده: سیدرضی، قم، دارالهجره، خطبه شقشقیه.

۲- تاریخ مدینه دمشق، ج ۲، ص ۶۴.

ایشـان رفتنـد و از علی علیه السـلام پرسـیدند: «اَخْبِرْنِی عَنْ وَجْهِ الرَّبِ تَبـارَکَ وَ تَعـالی؛ ما را خبر ده از وجه پروردگار متعال؟» علی علیه السـلام آتشـی برافروخت. وقتی شـعله هایش بلند شد، فرمود: «اَیْنَ وَجْهُ هذِهِ النّار؛ کجاست وجه این آتش؟» نصرانی گفت: «اَهِی وَجهُ مِن جَمیعِ حُـدُودِها؛ تمـام حـدودش وجه آتش شـمرده می شـود.» سـپس امـام فرمود: «این آتش سـاختگی، وجهش شـناخته نمی شـود، پس چگـونه خـالق ایـن آتش کـه شـباهتی به این نـدارد، وجهش شـناخته شـود؟ «و للّهِ الْمَشْـرِقُ و المَغْرِبُ فأَیْنَما تُوَلّوا فَثَمَّ وَجَهُ اللّه؛ مشرق و مغرب برای خداوند است و به هر سو روی آوری، وجه اللّه است». (بقره: ۱۱۵)(۱)

آیه تحریم شراب

امام صادق علیه السـلام در روایتی می فرماید: «امیرمؤمنان، علی علیه السلام در واقعه ای قضاوتی کرد که احدی چنان قضاوت نکرده بود و این نخستین قضـاوت امام علی علیه السـلام بعـد از رحلت پیامبر بود. قضـیه این گونه بود که مردی را نزد ابی بکر آوردند که شـراب خورده بود و ادعا می کرد که من به حرمت آن جاهل بودم و جایی سکونت دارم که مردم آن ناحیه شراب می خورنـد و حلال می شـمارند. ابوبکر در این مسـئله متوجه عمر شـد و گفت: یـا اباحفص! (کنیه عمر) در این واقعه چه می گـویی؟ وی گفت: مسـئله مشـکلی است که ابـوالحسن برای او [شایسـته] است. ابوبکر جوانی را به همراه سـلمان نزد علی علیه السـلام فرسـتاد. امـام فرمود: «به ابوبکر بگوییـد که کسـی را نزد مهـاجران و انصار بفرسـتد تا او تحقیق کنـد که آیا کسـی آیه تحریم شراب را بر ایشان خوانده است یا نه؟ اگر

۱- علی و خلفا، ص ۶۰.

کسی آیه تحریم شراب را بر ایشان نخوانده و شاهدی نبود، چیزی بر آن شخص نیست.» ابابکر چنین کرد و کسی چنین شهادتی نداد. در نتیجه، بر آن فرد حدی جاری نشد».(۱)

علی علیه السلام در زمان عمر بن خطاب

سرزمین سواد

روزی خلیفه دوم درباره سرزمین سواد (زمین های واقع در بین دجله و فرات) با مردم مشورت کرد که با این زمین های حاصل خیز چه کنم؟ برخی رأی دادند که آنها را میان ما قسمت کن. امام فرمود: «اگر آنها را امروز تقسیم کنیم، برای آیندگان چیزی نخواهد ماند. پس آنها را در دست مردم بگذار تا آباد کنند و برای اعقاب ما بماند.» در این هنگام عمر گفت: «وَفَّقَکَ اللّهُ هَذا الرأی؛ خدایت توفیق دهد. رأی همین است و بس».(۲)

سهم یک سال از بیت المال

خلیفه دوم برخلاف ابوبکر در تقسیم غنایم بین مسلمانان فرق می گذاشت و مسلمانان قبل الفتح را بر مسلمانان بعد الفتح مقدم می داشت و می گفت: کسی که در ایام غربت اسلام به این دین گرویده است، با کسانی که بعد از چندین سال مسلمان گشته اند، هرگز برابر نیست و نباید حقوق برابر داشته باشد. پس از وی، عثمان نیز به همین شیوه عمل می کرد، درحالی که علی علیه السلام با این رفتار مخالف بود و همواره بر طبقه بندی نکردن مسلمانان پافشاری می کرد. علی علیه السلام با

۱- علی و خلفا، ص ۶۳.

۲- محمود شهابی، ادوار فقه، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد، ۱۳۶۶، ج ۱، ص ۴۵۰.

دست به مردی که در کنارش ایستاده بود، اشاره کرد و گفت: «به خدا سوگند! من و این شخص در بیت المال فرقی نداریم و به یک منزلت هستیم.» باز علی علیه السلام به خلیفه فرمود: «سه چیز است که اگر به کار بندی، تو را به غیر آن نیازی نیست و اگر رعایت نکنی، از ماسوای آن سودی به تو عاید نمی گردد. آنها عبارتند از: حدود الهی را درباره خود و بیگانه برپا داشتن، عمل کردن به کتاب خدا در حال خشم و خرسندی و رعایت عدالت بین همگان چه سرخ و سیاه.» در این حال عمر به امام گفت: «لَعمری لَقَد اَوْجَزَت و اَبْلَقْتَ؛ به جانم سوگند که مطلب را کوتاه و رسا آوردی».(۱)

سهم خلیفه از بیت المال

وقتی جنگ قادسیه و دمشق با پیروزی اسلام پایان یافت، عمر مردم را گرد آورد و گفت: اگر من مردی تاجر بودم، خداوند خانواده مرا به تجارتم بی نیاز می ساخت. شما مرا از تجارت بازداشتید و به امر خود مشغول ساختید. اینک رأی شما چیست و چه اندازه از این مال بر من حلال است؟

مردم هر یک سخنی گفتند. عمر به علی علیه السلام که خاموش بود، رو کرد و گفت: یاابالحسن! تو چه می گویی؟ علی علیه السلام فرمود: «آنچه تو و خانواده ات را به طور متعارف به صلاح آورد، بس است و بیش از آن از این مال برای تو حقی نیست.» خلیفه نیز این را به کار بست.(۲)

علی، هم عین الله است و هم یدالله

۱- محمود شهابی، ادوار فقه، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد، ۱۳۶۶، ج ۱، ص ۵۰۷.

۲- محمود شهابی، ادوار فقه، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد، ۱۳۶۶، ج ۱، ص ۴۴۹.

روزی خلیفه دوم در حال طواف بود و علی علیه السلام هم جلوتر از او طواف می کرد. ناگهان مردی رسید و از علی علیه السلام نزد خلیفه دوم شکایت کرد که وی به چشم من لطمه وارد کرده است. عمر توقف کرد تا علی علیه السلام رسید و از او توضیح خواست. علی علیه السلام فرمود: «آری، من بر صورت و چشم او ضربت زدم؛ زیرا دیدم در حال طواف، چشمش به ناموس مؤمنان است.» خلیفه گفت: «احسنت یا ابالحسن!» سپس به آن مرد چشم چران گفت: «رأیتکَ عینُ اللّهِ و ضَرَبْتکَ یدُاللّه؛ چشم خدا ــ چشم علی ــ خیانت تو را دید و دست خدا ــ دست علی ــ بر صورت تو نواخته است».(۱)

شراب خواری قدامه

قدامه بن مظعون شراب نوشیده بود و خلیفه دوم تصمیم گرفت حد را درباره او اجرا کند. قدامه گفت: به موجب آیه شریفه «لَیْسَ عَلَی الَّذینَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصّالِحاتِ جُناحٌ فیما طَعِمُوا؛ کسانی که ایمان آورده و عمل نیک انجام داده اند، بر آنچه می خورند، گناهی نیست»، (مائده: ۹۳) پس حد از من ساقط است.

عمر که حد را از وی ساقط می پنداشت، از علی علیه السلام پرسید. وی فرمود: «قدامه و هر که مانند او این حرام را مرتکب شود، از اهل این آیه نیست؛ زیرا آنان که ایمان آورده و عمل صالح انجام داده اند، حرام خدا را حلال نمی شمارند. پس قدامه را برگردان و بگو از آنچه گفته است، توبه کند. اگر توبه کرد، تنها بر او حد اقامه کن و اگر سرپیچید،

۱- علی و خلفا، ص ۱۳۵.

بکشش؛ زیرا وی به واسطه حلال شمردن حرام خدا از دین خارج شده و خونش مباح گردیده است».

قدامه هنگامی که از این قضیه آگاه شد، توبه کرد و تنها هشتاد تازیانه بر او زدند.(۱)

علی علیه السلام در زمان عثمان بن عفان

تعیین زمان حمل و شیردهی مادر

عثمان به سنگسار زنی دستور داد که در شش ماهگی وضع حمل کرده بود. چون خبر به علی علیه السلام رسید، فرمود: «آیا نشنیده ای که خدا می فرماید: «وَ حَمْلُهُ وَ فِصالُهُ ثَلاثُونَ شَهْرًا؛ مدت حاملگی و شیردهی مادر مجموعا سی ماه است.» در واقع ۲۴ ماه از آن مربوط به زمان شیردادن به طفل است و مابقی شش ماه می ماند که اقل حمل و دوران بارداری مادر است.» عثمان گفت: در این مسئله دقت نکرده بودم.(۲)

هشدار به خلیفه

وقتی شورشیان مصر، کوفه و بصره بر عثمان فشار آوردند، علی علیه السلام از طرف آنان با عثمان صحبت کرد و ضمن سخنان مبسوطی فرمود: «ای عثمان! راه های حق آشکار است و نشانه های آن برپا و استوار.» وی به عثمان می فهماند که نباید با زنده گرداندن بدعت های مرده جاهلی، گمراهی جامعه اسلامی را سبب شود. ایشان حدیثی از پیامبر را یادآوری کرد که در آن می فرمود: «در روز قیامت پیشوای ستمگر را می آورند، درحالی که یاوری ندارد و عذرخواهی همراه او نیست. پس او را در آتش جهنم

۱- ادوار فقه، ج ۱، ص ۵۱۲.

۲- ادوار فقه، ج ۱، صص ۱۸۹ _ ۱۹۲.

می افکنند و در آتش می گردد، مانند گردش آسیاب. آنگاه در اعماق دوزخ گرفتار می شود».

سپس فرمود: «به خدا سوگند! مبادا پیشوای مقتول این امت شوی.» عثمان گفت: با مردم گفت وگو کن تا فرصتی دهند.(۱)

۱- نهج البلاغه، خطبه ۱۶۳.

کتاب نامه

کتاب نامه

۱. آلوسی، محمود بن عبدالله، تفسیر روح المعانی، بیروت، داراحیاء الثرات العربی، ۱۳۶۴.

۲. آنکیری، گابریل، شهسوار اسلام، ترجمه: کاظم عمادی، تهران، سپهر، ۱۳۵۴.

۳. ابن ابی الحدید، ابو حامد حمید، شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، بیروت، دارالاندلس، ۱۳۷۵.

۴. ابن اثیر، محمد، جامع الاصول، بیروت، داراحیاء التراث العربی، ۱۴۰۰ه . ق.

۵. ابن الاثیر الجزری، عزالدین، اسدالغابه، بی جا، دارالشعب، بی تا.

۶. ابن بطریق، العمده، قم، مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۴۰۷ هـ . ق.

۷. ابن جوزی، عبدالرحمن بن علی، تذکره الخواص، نجف، بی تا.

۸. ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی، تهذیب التهذیب، حیدرآباد دکن، دائره المعارف النظامیه، ۱۳۲۷ه . ق.

۹. ابن حجر، لسان المیزان، بیروت، مؤسسه اعلمی، چاپ دوم، ۱۳۹۰ هـ . ق.

۱۰. ابن حنبل، احمد، مسند امام احمد بن حنبل، بیروت، دارالصادر، ۱۳۸۹ه . ق.

۱۱. ابن سعد، محمد بن سعد، طبقات، تهران، نشر نو، ۱۳۶۵.

۱۲. ابن شاذان، محمد بن احمد، مناقب و فضائل الامام علی علیه السلام، قم، انصاریان، ۱۳۷۱.

۱۳. ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، نجف، مطبعه الحیدریه، ۱۳۷۶ هـ . ق.

۱۴. ابن عبدالبر، یوسف بن عبدالله، الاستیعاب، حیدرآباددکن، دائره المعارف النظامیه، ۱۳۳۶ه . ق.

۱۵. ابن عساکر، تاریخ مدینه دمشق، بیروت، دارالفکر، ۱۴۱۵ هـ . ق.

۱۶. ابن کثیر، اسماعیل، البدایه و النهایه، بیروت، دارالحیاء التراث العربی، ۱۴۱۲ه . ق.

۱۷. ________________، ابن کثیر، اسماعیل، تفسیر ابن کثیر، بیروت، دارالمعرفه، ۱۴۱۲ه . ق.

۱۸. ابن معتوق، شهاب الدین، غایه المرام، قم، انوار الهدی، ۱۳۷۴.

۱۹. ابوحیان، محمد بن یوسف، بحرالمحیط، مصر، چاپ خانه سعادت، بی تا.

۲۰. ابونعیم، احمد بن عبدالله، حلیه الاولیاء، قاهره، مکتبه الدخانچی، ۱۳۵۱.

۲۱. اربلی، علی بن عیسی، کشف الغمه، تبریز، محمد باقرکتابچی، ۱۳۸۱.

۲۲. اصفهانی، ابونعیم، اخبار اصفهان، لندن، چاپ لندن، ۱۹۳۱ م.

۲۳. اصفهانی، حافظ ابونعیم، ما نزل من القرآن فی علی علیه السلام .

۲۴. الذهبی، محمد بن احمد، میزان الاعتدال، بیروت، دارالمعرفه، ۱۳۸۲ه . ق.

۲۵. السیوطی، جلال الدین، الجامع الصغیر، بیروت، دارالفکر، ۱۴۰۱ هـ . ق.

۲۶. الشافعی، محمد بن ادریس، مسند ابن ادریس شافعی، مصر، چاپ سعادت.

۲۷. القرطبی، محمد بن احمد، تفسیر القرطبی، بیروت، داراحیاء التراث العربی، ۱۴۰۵ه . ق.

۲۸. الهی قمشه ای، مهدی، دیوان الهی قمشه ای، تهران، برادران علمی، ۱۳۶۶.

۲۹. امین، احمد، ضحی الاسلام، مصر، قاهره، ۱۳۵۵ه . ق.

۳۰. امینی، عبد الحسین، الغدیر، تهران، کتاب خانه بزرگ اسلامی، ۱۳۶۸.

۳۱. انصاری قرطبی، محمد بن احمد، جامع الاحکام القرآن، بیروت، دا راحیاء التراث العربی، ۱۳۷۲.

۳۲. انصاری قمی، محمد علی، دیوان اشعار انصاری.

۳۳. بحرانی، هاشم بن سلیمان، کفایه الخصام، تهران، احیاء کتاب، ۱۳۷۲.

۳۴. بخاری، محمد بن اسماعیل، صحیح بخاری، بیروت داراحیاء التراث العربی، ۱۳۱۳ه . ق.

۳۵. برقعی، محمد باقر، سخنوران نامی معاصر، تهران، امیرکبیر، ۱۳۳۶.

۳۶. بغوی، حسین بن مسعود، معالم التنزیل، بی جا، بی نا، ۱۲۱۷ه . ق.

۳۷. بیضاوی، عبدالله بن عمر، تفسیر البیضاوی، بیروت، دارالفکر، ۱۳۸۴.

۳۸. بیهقی، احمد بن الحسین، سنن بیقهی، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۴ه . ق.

۳۹. پطروشفسکی، ایلیا پاولوویچ، اسلام در ایران، ترجمه: کریم کشاورز، تهران، پیام، ۱۳۵۰.

۴۰. ترمذی، محمد بن عیسی، صحیح ترمذی، دهلی، المجتبائی، ۱۳۲۸ه . ق.

۴۱. الکوفی، فرات بن ابراهیم، تفسیر فرات کوفی، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی،

تهران، چاپ اول، ۱۴۱۰ هـ . ق.

۴۲. جرداق، جورج، صوت العداله الانسانیه، تهران، نشر سماط، ۱۳۷۹.

۴۳. جریر طبری، ابن جعفر محمد، تفسیر طبری، مصر، بی نا، ۱۳۷۳.

۴۴. جعفری، یعقوب، سیمای امام علی علیه السلام در قرآن، انتشارات اسوه، ۱۳۸۱.

۴۵. حاکم نیشابوری، محمد بن عبدالله، مستدرک علی الصحیحین، بیروت، دارالمعرفه، بی تا.

۴۶. حسکانی، عبیدالله، شواهدالتنزیل لقواعدالتفضیل، تهران، انتشارات وزارت ارشاد اسلامی، ۱۴۱۱ هـ . ق.

۴۷. حسینی، علی، رأس الحسین علیه السلام، قم، دارالکتب، ۱۳۸۲.

۴۸. حموئی جوینی، ابراهیم، فرائدالسمطین، تهران، داوود، ۱۳۷۸.

۴۹. خازن، علی بن محمد، تفسیر الخازن، قاهره، المکتبه التجاریه الکبری، ۱۳۵۷ ه. ق.

۵۰. خطیب بغدادی، حافظ ابی بکر احمد، تاریخ بغداد، بیروت، دارالکتب العربی بی تا.

۵۱. دیلمی، حسن بن ابی الحسن، ارشاد القلوب، انتشارات شریف رضی، ۱۴۱۲ه . ق.

۵۲. زمخشری، محمود بن عمر، الکشاف، قم، نشر البلاغه، ۱۴۱۵ه . ق.

۵۳. ژایگر، ردولف، خداوند علم و شمشیر، ترجمه: ذبیح الله منصوری، تهران، مجید، ۱۳۷۶.

۵۴. سبحانی، جعفر، فروغ ابدیت، قم، نشر دانش اسلامی، ۱۳۶۳.

۵۵. سهمی، حمزه بن یوسف، تاریخ جرجان، بیروت، عالم مکتب، ۱۴۰۷ه . ق.

۵۶. سیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر، الدرالمنثور، بیروت، دارالفکر، ۱۳۷۲.

۵۷. شافعی، شهاب الدین، رشفه الصادی، مصر، بی نا، ۱۳۰۳ه . ق.

۵۸. شبستری، محمد بن عبدالکریم، کنوزالحقائق، طهران.

۵۹. شبلنجی، مومن، نورالابصار، قم، شریف الرضی، ۱۳۷۳.

۶۰. شرف الدین موسوی، عبدالحسین، المراجعات، صیدا، چاپ خانه عرفان، ۱۹۵۳ م.

۶۱. شوشتری نورالله، احقاق الحق، بی جا، بی نا، ۱۲۰۱ه . ق.

۶۲. شهابی، محمود، ادوار فقه، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد، ۱۳۶۶.

۶۳. شهریار، محمد حسین، دیوان شهریار، تهران، زرین نگاه، ۱۳۷۵.

۶۴. شیخ حر عاملی، وسایل الشیعه، قم، مؤسسه آل البیت، ۱۴۰۹ه . ق.

۶۵. شیخ صدوق، محمد بن علی بن بابویه، امالی، بیروت، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، ۱۴۰۰ه . ق.

۶۶. شیخ صدوق، محمد بن علی بن بابویه، خصال، تهران، کتاب فروشی اسلامیه، ۱۳۷۷ه .ق.

۶۷. طباطبایی، محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، تهران، مرکز نشر فرهنگی رجاء، ۱۳۶۷.

۶۸. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، بیروت، رشدیه، ۱۲۷۹ه. ق.

۶۹. طبری، احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی، مصر، مکتبه القدس، ۱۳۵۶ه . ق.

۷۰. طوسی، محمد بن حسن، امالی، قم، دارالثقافه، ۱۳۷۲.

۷۱. عبده، محمد، المنار، مصر، چاپخانه منار، بی تا، چاپ اول.

۷۲. عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نورالثقلین، قم، چاپ خانه علمیه، ۱۳۷۳.

۷۳. عقاد، عباس محمود، عبقریه الامام علی، مصر، دارالمعارف، بی تا.

۷۴. عقیقی بخشایشی، عبدالرحیم، علی علیه السلام حماسه جاودانه، قم، نشر نویه.

۷۵. علی و خلفا.

۷۶. غزالی، محمد بن محمد، احیاء العلوم، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۲.

۷۷. فخررازی، محمد بن عمر، تفسیر کبیر، تهران، اساطیر، ۱۳۷۱.

۷۸. فردوسی، ابوالقاسم، شاهنامه فردوسی، تهران، انتشارات سخن، ۱۳۶۹.

۷۹. قاضی شوکانی، محمد بن علی، فتح الغدیر الجامع بین فنّی الدرایه و الروایه من علم التفسیر، مصر، شرکت چاپ خانه، مصطفی بابی حلبی و پسران، ۱۳۸۳ هـ . ق.

۸۰. قندوزی، سلیمان، ینابیع الموده، کاظمین، دارالکتب العراقیه، ۱۳۸۵ه . ق.

۸۱. کتانی، سلیمان، امام علی، پیشوا و پشتیبان، قم، رسالت، ۱۳۵۵.

۸۲. کشفی، میر محمد صالح، المناقب المرتضوی، بمبئی، چاپ بمبئی، بی تا.

۸۳. کنتوری، حامد حسین بن محمد قلی، فیض القدیر، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۶.

۸۴. گنجی شافعی، محمد بن یوسف، الکفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، تهران، داراحیاء التراث، ۱۳۶۲.

۸۵. متقی، علی بن حسام الدین، کنز العمال، بیروت، مؤسسه الرساله، ۱۳۷۲.

۸۶. مجلسی محمدباقر، بحارالانوار، بیروت، مؤسسه الوفاء، ۱۴۰۴ هـ . ق.

۸۷. محب الدین طبری، احمد بن عبدالله، ریاض النضره، بیروت، دارالکتب العلمیه،

بی تا.

۸۸. مسلم بن حجاج، صحیح مسلم، مصر، چاپ محمدعلی صبیح، ۱۳۳۴ه . ق.

۸۹. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۳.

۹۰. مناقب خوارزمی، الموفق الخوارزمی، قم، مؤسسه النشر اسلامی، ۱۴۱۱ ه_ . ق.

۹۱. منتظری، سید تقی، مخزن الفضائل، اصفهان، بی تا.

۹۲. موسوی، محمد باقر، علی در کتب اهل سنّت، تهران، پورشاد، ۱۳۸۲.

۹۳. موسوی همدانی، سید محمدباقر، ترجمه تفسیر المیزان، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۷۴.

۹۴. مولوی، جلال الدین محمد بن محمد، مثنوی معنوی، تهران، کتاب نسکا، ۱۳۸۴.

۹۵. نسائی، احمد بن علی، خصائص امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب، بیروت، مکتبه التربیه، ۱۳۶۶.

۹۶. نسائی، احمد بن علی، خصائص، تهران، کانون انتشارات شریعت، بی تا.

۹۷. نصیبی، محمد بن طلحه، مطالب السؤول فی مناقب آل الرسول، تهران، فرهاد میرزا، ۱۲۸۷ ه . ق.

۹۸. نطنزی، ابوالفتح محمد بن احمد، الخصائص العلویه، قم، دارالغدیر، ۱۳۸۱.

۹۹. واحدی نیشابوری، اسباب النزول، بیروت، درالکتب العلمیه، ۱۴۰۰ه . ق.

۱۰۰. هیثمی، ابن حجر، الصواعق المحرقه، مصر، چاپ محمدیه، ۱۳۰۸ه . ق.

۱۰۱. هیثمی، علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد، بیروت، دارالکتب العربی، ۱۴۰۲ه . ق.

۱۰۲. روزنامه آیین اسلام.

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ یَسْتَوِی الَّذِینَ یَعْلَمُونَ وَالَّذِینَ لَا یَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ.ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که مـا را در دستیـابی به این هـدف یـاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادنـد تقـدیر و تشـکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصـفهان -خیابان عبـدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شـهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹


مرکز تحقیقات رایانه ای
قائمیه
اصفهان
www
برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹